

سرمقاله ...

پوپولیسم اجباری راست سلطنت طلب

منصور امان

اعتراضات گسترده در خوزستان و چندین استان دیگر در خرداد ماه که جرقه آن با فرو ریختن یک برج تجاری زده شد، بار دیگر بر حضور نیرومند گرایش غالبی در جامعه برای تغییر وضعیت موجود صحنه گذاشت که همراه با سیر حرکت خود نیرومند تر و متحرک تر می شود. حتی دیرباور ترین افراد نیز اینک دریافته اند که خیزشها و اعتراضهای جامعه نه یک موج گذرا یا واکنشهای آنی، بلکه روند ثابت و رو به رشدی است که به خوبی پتانسیل ایجاد یک تحول رادیکال در نظم حاکم ولایت فقیه‌ی و دفین آن در گورستان تاریخ را دارد. بدیهی است هرگاه سقوط سامان کهنه از یک امر تجریدی و ایده آلی به مساله ای مشخص و در دسترس بدل شود، بی درنگ پرسش آلترناتیو نیز راه خود را به دستور کار نیروهایی که به گونه ای خود را سهم می پندارند یا خواهان سهم هستند، باز می کند. تحرک اخیر جریان راست سلطنت طلب از این قاعده پیروی می کند.

جامعه در مسیر سرنگونی

خیزشهای دی ماه ۱۳۹۶ جامعه ایران را در آستان یک دوران توفانی نشان می داد، توده به حرکت درمی آمد و اعتراضهای صنفی و سیاسی متراکم می شد. پنج سال بعد، توده ها در مرکز توفان ایستاده اند و بادهای تغییر به صورت "نظام" پایپی سیلی می زند. صف بندی توده ها، رژیم ولایت فقیه را وارد دوره ای از شوکهای پی در پی کرده که همچنان و بی فترت تداوم دارد. برجسته ترین ویژگی جنبشها و خیزشهای شکل گرفته در دوره جدید، رویکرد تثبیت شده آنهاست که تیز و روشن با مرکز تصمیم گیرنده و دستگاه مجری سیاستهای وی مرزبندی دارد و به گونه فعال آنها را بر نمی تابد. در این دوره برای نخستین بار شناخت تئوریک رژیم ولایت فقیه به مثابه مانع اصلی پیشرفت، تکامل مناسبات اجتماعی و چرخش وضعیت موجود به وضعیت بهتر، به آگاهی عینی توده معترض بدل گردید و ج.ا. در چشم و دیدگاه آن در جایگاه تضاد اصلی نشست. از این پس صورت مساله توده، ساختار حاکم با تمام دسته بندیهای "اصول گرا"، "اصلاح طلب" می شود، در جستجوی راه حل با خون و اشک به تلاش برمی خیزد و اجازه نمی دهد تفنگ و ترفند به حاشیه اش بکشد.

بقیه در صفحه ۳

علی (عارف) پاینده هم رفت

صفحه ۵

یادداشت سیاسی ...

ولایت فقیه؛ ارتجاع مطلق است!

مهدی سامع

صفحه ۲

انفجار خشم در «کف خیابان»، پوچی فرمان درمانی «سید» ستمگران

زینت میرهاشمی

صفحه ۴



آن هیاهو و این سکوت چرا؟

منصور امان

صفحه ۱۴

خاوران، حصار کثی و دادخواهی

امیر ابراهیمی

صفحه ۵

پیروزی تاریخی در کلمبیا

صفحه ۶



داستان کوتاه / فرار از زندان

م. وحیدی

صفحه ۱۱

کار، کار خودشونه!!

مرجان

صفحه ۱۰

در این شماره ...

صفحه ۱۴

قتل ماه ... م. وحیدی (م. صبح)

صفحه ۲۲

جنبش رنگین کمان بیشماران ... پویا رضوانی

صفحه ۷

دانشگاه در ماهی که گذشت ... کامران عالمی نژاد

صفحه ۱۲

رویدادهای هنری ماه ... فتح الله کیائیه

صفحه ۱۵

چالشهای معلمان ... فرنگیس بایقره

صفحه ۱۷

کارورزان سلامت ... امید برهانی

صفحه ۱۹

زنان در مسیر رهایی ... اسد طاهری

صفحه ۲۸

یادواره شهیدان فدایی ... امیر ابراهیمی

صفحه ۲۸

شهادت فدایی در تیر ماه

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

ولایت فقیه؛ ارتجاع مطلق است!

مهدی سامع

رفسنجان، رئیس اسبق صدا و سیما را به دنبال داشت که گفت «بنده اصلاً به یاد ندارم که رهبری در کانکس زندگی کرده باشد»
در همین جا باید تاکید شود که بحث کارنامه جمهوری اسلامی و نظام ولایت فقیه در این نوشته مطرح نیست. بحث اصلی، تعریف ارتجاع است که خامنه ای آن را مطرح کرده است. با همین دیدگاه است که روز به روز فاصله با ولایت فقیه در جمع کسانی که در کنار خمینی در قدرت شریک بودند افزایش می یابد و برای حفظ امنیت نظام مبتنی بر این دیدگاه است که سالانه میلیاردها دلار هزینه می شود.

آخوند مسیح مهاجری در سرمقاله روز پنجشنبه ۱۹ خرداد روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: «سازمان تبلیغات اسلامی، اکنون چه خدمتی به فرهنگ کشور می کند که باید به فعالیت خود ادامه دهد و هر ساله صدها میلیارد تومان از بیت المال را به خود اختصاص بدهد؟ فلسفه تأسیس این سازمان در سالهای اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امری قابل قبول بود، ولی این قبیل دستگاهها به طور طبیعی، عمر مشخصی دارند و سازمان تبلیغات اسلامی باید بعد از گذشت بیش از ۴۰ سال به هدف نهائی خود رسیده باشد. اگر نرسیده به این معناست که موفق نبوده و اگر رسیده، طبعاً باید با ارائه کارنامه موفق خود، اعلام پایان مأموریت نماید.» مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی به خوبی می داند که فلسفه وجود این سازمان تبلیغات اسلامی و دهها نهاد مشابه چیست؟ به گمانم دغدغه اصلی این سازمانها «اسلام» نیست، گرچه با قدرت رسانه ای خود به وفور در مورد اسلام، البته با تکیه بر ولایت فقیه، تبلیغ و ترویج و سازماندهی می کنند. اکنون این سوال مطرح می شود که آیا ولایت فقیه (مطلق یا مشروط) مترقی است یا ارتجاعی؟ بر طبق تعریف مندرج در فرهنگ معین و دهخدا، نظریه ولایت فقیه ارتجاعی است. عمل نظام متکی بر این نظریه طی چهل و سه سال گذشته هم به این نتیجه گیری مهر تایید می زند.

دستاوردهای نظری فرودستان در ستیز با نظریه ولایت فقیه



خیزش فرودستان و تهیدستان در دی ماه ۱۳۹۶، اعلام جنگ تهیدستان با نظام حاکم با دستاوردهای گرانمایی در عرصه نظر و عمل بود. شعار «اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» از بطن این شورش پرتوان بروز کرد. یکی از موفقیت‌های مخالفان نظریه ولایت فقیه، تجدید نظر ولی فقیه در تعریف «مستضعف» است. خامنه ای پس از این قیام بود که اعلام کرد که «مستضعف» تهیدست نیست. سی سال پیش وقتی در ۹ خرداد سال ۱۳۷۱، بولدوزرها و ماموران سرکوبگر شهرداری مشهد برای تخریب خانه های چندین محله به مردم محروم این محله ها اعلام جنگ دادند، با مقاومت کوی طلاب روبرو شدند. با شلیک نیروهای سرکوبگر به مردم تهیدست کوی طلاب، یک قیام گسترده و خونین طی چند روز شکل گرفت. هنوز هم نام بسیاری که با شلیک مستقیم مزدوران رژیم به قتل رسیدند، مشخص نیست. در همان زمان در اسلامشهر و بوکان هم شورش تهیدستان به شدت سرکوب شد. تهیدستان را سرکوب کردند و بازم خود را مدافع کوخ نشینان و مستضعفان اعلام می کردند. اهمیت قیام سترگ فرودستان در دی ماه ۱۳۹۶، باطل شدن پیوند دو واژه مستضعف و تهیدست از نگاه ولی فقیه ثانی است. تنها خدمتی که حکومت در چهار دهه به تهیدستان می کرد، این بود که آنان را «مفتخر» به «مستضعف» بودن می کرد. خیزش دی ۱۳۹۶، این منت گذاشتن را هم نقش بر آب کرد و معلوم شد مستضعف پناهی خمینی و حواریونش خدعه و فریب بوده است.

در سخنرانی ولی فقیه نظام به مناسبت سالگرد مردن خمینی، از کلمه «مرتجع» تعریف حیرت انگیزی ارائه شد که تنها با توجه به دود و دمی که چندین رسانه برون مرزی پیرامون مصاحبه رضا پهلوی به راه انداختند، می توان فهمید که چرا «مقام معظم» جوگیر شده و معنی مرتجع را این گونه جعل می کند. خامنه ای گفت: «مرتجع اون کسی است که در سیاست و سبک زندگی تابع سیاست و سبک زندگی غربی است... هر کسی که به سمت زندگی و فرهنگ و سبک زندگی غربی بره، این مرتجعه.» (تلویزیون شبکه خبر، ۱۴ خرداد ۱۴۰۱)

با مراجعه به فرهنگ عمید و دهخدا، کلمه مرتجع این گونه تعریف شده است: «نیروهای کهنه گرا و مخالف پیشرفت و تمدن. یعنی کسی که مایل به رجوع و بازگشت به قرون وسطی و طرفدار نظامات اجتماعی آن دوران است. مقابل متجدد و روشنفکر.» بدیهی است برای هر دانش آموخته غیرولایی، تعریف ولی فقیه قابل قبول نیست و البته برخی طرفداران نظام که تعریف ولی فقیه را قبول ندارند، نظریه ولایت فقیه را ارتجاعی ارزیابی نمی کنند. ملاحظه می شود که با دو تعریف به طور کامل متضاد روبرو هستیم. برای این کنکاش چندباره در نظریه ولایت فقیه لازم است.

ولایت خامنه ای، «خلیفه خداوند»

در ماه گذشته یک جمله دور و دراز از جانب یک نیروی «ارزشی» در توصیف ولی فقیه، مورد توجه ذوب شدگان در ولایت قرار گرفت. این جمله چنین است: «امام حکومت عدل علوی، وارث ایهت و جلالت حسنی، ادامه دهنده نهضت خونبار حسینی، شه ملک سبز رضوی، نایب برحق حضرت مهدی، شاگرد برجسته مکتب خمینی، حضرت آیت الله العظمی الامام سید علی حسینی الخامنه ای.»
این سوال در مقابل مراجع معروف و آیت الله های مطرح در قم و نجف قرار دارد که آیا این توصیف از یک حاکم وقت که لایذ غیر معصوم است و او را «شه ملک سبز رضوی» هم می نامند، با آموزه های دینی آنان سازگار است و یا تناقض دارد؟ اگر سازگار است به طور شفاف و بدون لکننت زبان آن را اعلام کنید و بیهوده نیروهای «ارزشی» را تحقیر نکنید و اگر تناقض دارد حداقل تذکر دهند و اگر جرات دارند و «تقیه» نمی کنید، عمامه بر زمین زنند.

البته آخوند محمدی عراقی، رئیس دفتر ولی فقیه در قم با انبوهی تعریف و گزافه گوئی، این را هم برای آن که اثر آنقدرها هم شور نشود اضافه می کند که: «مقام معظم رهبری یک بار گفتند، تعبیر «امامین انقلاب» درست نیست؛ این انقلاب تنها یک امام داشت.» (جماران، جمعه ۱۳ خرداد ۱۴۰۱)
ممکن است ایراد گرفته شود که با حرف و حدیث یک نفر نباید به قضاوت نشست. این ایراد درست است اگر شناخته شده ترین کارگزاران سیاسی مذهبی ولی فقیه آن را تکرار نمی کردند. اما در ماه گذشته موارد بسیاری به همین شکل وجود دارد. یک نمونه آن چنین است:

آخوند کاظم صدیقی رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر در سومین اجلاس بین المللی فعالان مهدویت گفت: «ولایت فقیه ظهور صغری برای رسیدن به ظهور کبری است. ... در زمان غیبت ما صرفاً با معیار فقاقت و تقوا کسی را ولی فقیه نمی دانیم. معتقدیم رهبری از بالا تعیین شده است. خلیفه خداوند با انتصاب خداوند روی زمین محور همه موجودات شد [تاکید از من]. ... نفس مقام معظم رهبری از نفس امام زمان (عج) گرم است. ... ولایت فقیه استمرار عطرته اهل بیت است. قداست رهبری، متفاوت از رهبریهای دنیاست.» (ایسنا، سه شنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۱)

از این گونه نظریه ها به وفور در رسانه های حکومتی وجود دارد. با مطالعه روزانه رسانه هایی همچون کیهان، رجانیوز و ... با دیدگاه مهمترین کارگزاران حکومت پیرامون ولایت مطلقه فقیه آشنا می شویم. برای موجه نشان دادن «ظهور صغری» ولایت خامنه ای که ادعا می شود به «ظهور کبری» دوازدهمین امام شیعیان راه می برد، به هزاران خدعه و خرافه متوسل می شوند. «یا علی» گفتن خامنه ای هنگام تولد و یا روایت دیدار «امام زمان» در کنار این گفته کاظم صدیقی که «رهبری از بالا تعیین شده است. خلیفه خداوند با انتصاب خداوند روی زمین محور همه موجودات شد»، رنگ می بازد. این حرف را یک «آتش به اختیار» نمی زند که بتوان آن را ناشی از جهل گوینده دانست. گوینده این سخن کسی است که در مورد «اجتهاد» زیر بار امتحان شورای نگهبان نرفت.

وجود نام «سید علی» در سرود «سلام فرمانده» که خامنه ای می گوید در مورد «امام زمان» است، بیاز، دیگری از پیوند «صغری» و «کبری» است. در رویدادی دیگر محسن سلیمان، مستندساز حکومتی، در شبکه افق صدا و سیما مدعی شد که ولی فقیه در سه چهار سال اول رهبری در کانتینر ۱۰۰ متری زندگی می کرد. این روایت مبتذل، واکنش تعدادی از کارگزاران نظام و از جمله محمد هاشمی

سرمقاله ...

پوپولیسیم اجباری راست سلطنت طلب

منصور امان

بقیه از صفحه ۱

سلامتی، تحصیل، نان و سفره است. به بیان دیگر، مساله اجتماعی مردم تغییر سبک توزیع ثروت از طریق درهم شکستن دستگاهی است که آن را نابرابر تنظیم و مستبدانه اعمال می کند. تضاد طبقاتی فاحشی که بین طبقه حاکم و طبقات کارورز و متوسط شکل گرفته و در اشکال گوناگون و به طور دائمی خود را به رخ فرودستان می کشد، برای نخستین بار مساله دموکراسی و عدالت اجتماعی را در افق سیاست در ایران به یکدیگر گره زده و مشروط کرده.

شاهزاده مولود و سخنگوی سیستمی است که نابرابری اقتصادی را مشروع می شمارد، وجود فقر و ادبار در جامعه را طبیعی دانسته و در بهترین حالت "ناهنجاری" می نامد، رشد را یکجانبه و به سود انباشت ثروت در یکسو و در دست اقلیتی اندک هدفگذاری می کند و بر این باید افزود که سیاست مدافعان این نظم در کشورهای پیرامونی مانند ایران در پهنه هایی مانند تولید داخلی، تجارت خارجی و دانش و تکنولوژی از منافع ملی و نیازهای واقعی جامعه پیروی نمی کند. در مجموع، نظم آقای رضا پهلوی و متحدانش شکل تجدید سازمان یافته ای از مناسبات کنونی در اقتصاد و جامعه است بدون عبا و عمامه و با روینا و روکش فکل کراواتی!

اما جنبشی که آقای پهلوی می کوشد در راس آن قرار بگیرد، در صف نخست اش فرودستان، مزدبگیران و کارورزان ایستاده اند که در مطالبات، شعارها و جهت اعتراضهای شان هیچ چیز کمتر از عدالت اجتماعی و ساختار سیاسی که برقراری آن را تضمین کند، بازتاب نمی یابد. در همه شهرهای کوچک و بزرگ، ساکنان محله های کارگری و فقیر نشین و "جنوب شهری" ها پیشاهنگ اعتراضات هستند و سخت ترین نبردها با مزدوران حاکمیت در همین مناطق جریان می یابد. تمایز طبقاتی خیزشها چندان روشن است که در این میان حتی دستگاه امنیتی رژیم نیز هویت اجتماعی دستگیر شدگان را "طبقات محروم" معرفی می کند. به دست گرفتن پلاکارد سرنگونی رژیم حاکم، برای کشیدن این طبقات و لایه ها به پشت سر راست سلطنت طلب کافی نیست. فراموشی نباید کرد که دوران سلطنت پهلوی هویت تاریخی معینی با پیشینه و تاثیرات مشخص دارد که نزد توده با آن چهره و نما شناخته می شود؛ گام نخست برای تصحیح این پیشینه ارایه طرح و

از شکستهای پی در پی در تشکیلات سازی و ناکامی در به میدان آوردن یک بازوی سیاسی برای رقابت جدی در پهنه جانشینی، اینک با یک طرح کهنه و آشنا به صحنه بازگشته اند. آنچه که آقای رضا پهلوی به عنوان نماینده این جریان در کنفرانس رسانه ای اخیر خود مطرح کرد، نسخه دیگری از "خدعه" "همه با هم" آخوند روح الله خمینی است که هدف نخست آن به زیر هژمونی درآوردن جنبش سرنگونی به واسطه نفی گرایشهای سیاسی و طبقاتی موجود در آن و فرار از ارائه برنامه و تعهدات عملی به کمک پوپولیسیم و کاهش مطالبات به امر سرنگونی است. در این راه او نیز همچون ملای نوفل لوشاتو ابزارهای تبلیغاتی و نظرسازی محافل خارجی و خارج کشوری را در خدمت دارد و برای پراکندن نظرات و گمراه سازی مخاطبانش از جانب آنها به خوبی پشتیبانی می شود.

با این حال پلاتفرم عوامگرایانه شاهزاده با آیت الله یک تفاوت روشن نیز دارد؛ در حالی که آخوند خمینی در مساله تامین هژمونی، شبکه گسترده ای از مساجد، تکیه ها و مراکز مذهبی را در اختیار داشت و در امر نفوذ در جنبش سرنگونی و تاثیرگذاری بر آن به گونه موثری از این میراث رژیم شاه و خرافات آن نصیب می برد، آقای رضا پهلوی فقط ویرانه های یک ساختار تشکیلاتی و سازمانگرا را در پس خویش دارد. تلاشهای جریان راست به رهبری او برای سازمانیابی، یکی پس از دیگری شکست خورده و هیاهو و هلپله ای که آنها را همراهی می کرده، بی خطابه و مرتبه خاموش شده است. اگر عوامگرایی آقای خمینی پایه های مادی برای گسترش و بسط داشت، پوپولیسیم آقای رضا پهلوی اما حاصل درکی است که از توقف در ایستگاههای متروکی یا نامه های "پیمان نوین"، "انقلاب فیروزه ای"، "قفتوس"، "شورای ملی ایران" و "فرشگرد" حاصل شده است.

نسخه تاج نشان "همه باهم"

در این میان دیرباورترین و عقب مانده ترین نیروها نیز دریافته اند که رژیم فاسد و مستبد در مرکز مشکل سیاسی جامعه قرار دارد و مساله معترضان و قیام کنندگان برچیدن بساط آن و تاراندن سایه سیاهش از زندگی و سرنوشت خود است. ورود امر سرنگونی به دستور کار روز و وجود مادی و حاضر نیروی آن، همان فاکتور وسوسه انگیزی است که راست سلطنت طلب را نیز به تحرک واداشته تا خود را به عنوان آترناتیو عرضه کند. بدیهی است که یک آترناتیو راست یا هر تغییری به این سمت در دوران پسا ج، پشتیبانان معینی نیز در طبقه حاکم آمریکا دارد که در بهترین حالت قرار گرفتن دوباره ایران در نظم جهانی سرمایه، ادغام شدن در بازار گلوبال و تقسیم کار آن و سکنداری ساختار سیاسی که این همه را تضمین کند را در چارچوب منافع خویش می داند.

از این رو نه پدیدار شدن آقای رضا پهلوی بر این تریبون در اوج خیزشهای سرنگونی و نه انعکاس وسیع آن از سوی رسانه های رسمی و نیمه رسمی می تواند شگفت آور باشد. اینان پا به صحنه گذاشته اند که بر موج برخاسته و شتابان اعتراضها تور بیاندازند، بر آن سوار شوند و در انتها بر ساحلش فرود آیند. نباید به اشتباه افتاد، راست سلطنت طلب فریب گزارفه های خود پیرامون شعار "رضا شاه روح شاد" را نخورده و از شنیدن آن که گاه به گاه به کنایه از سوی معترضان خطاب به آخوندهای حاکم و گاه از سوی اژان پرووکاتورهای دستگاههای اطلاعاتی سر داده می شود، دچار توهم نشده. آنها به نیرو و دینامیزم سرنگونی می نگرند و این شعار را پهنه ای برای جا زدن خود در صفوف آن و طرح ادعای رهبری قرار داده اند. اما در پیچه اصلی طرح ادعای راست سلطنت طلب در گوشه دیگر قرار دارد. آنها پس



طبقه و شاهزاده

اما رویای شاهزاده و پشتیبانان یقه سفیدش فقط به این دلیل نیست که راهی به واقعیت و به آنچه که بر زمین سفت بیداری توده معترض می گذرد، نمی یابد. فقط کافی است به شعارها، مطالبات و جهت اعتراضها نگریسته شود تا آشکار گردد یک صف بندی طبقاتی مشخص علیه مناسبات ناعادلانه موجود شکل گرفته است که خیزشهای برآمده از آن بیان بی واسطه تجربیات قیام کنندگان یعنی رویارویی با کرایه خانه، حقوق، دستمزد و مستمری ماهیانه، قرض، بهداشت و

برنامه ای است که روشن کند چرا باید قیام کنندگان این جریان را به قدرت برسانند، چه انتظاری باید از آن داشته باشند و تا چه اندازه خواسته هایشان را اهداف آن برآورده خواهد کرد؟ اینها پرسشهایی است که فرزند شاه پیشین سرسختانه از پاسخ دادن به آنها گریزان است. او حتی از معرفی رژیم سیاسی ای مورد نظرش هم ابا دارد و در باره نقش خود با لکنت زبان صحبت می کند و به

بقیه در صفحه ۵

انفجار خشم در «کف خیابان»، پوچی فرمان درمانی «سید» ستمگران

زینت میرهاشمی

شورای سران قوا علاوه بر اعطای اختیارات جدید به بانک مرکزی، معاملات «فردایی» طلا را هم ممنوع اعلام کرده است. با وجود این «اختیار» ارزش ریال از آن تاریخ تا پایان ماه خرداد بازم سقوط کرد. برخی از تحلیلگران بر این اعتقاد هستند که حکومت تمایلی به مهار سقوط ریال ندارد. برخی دیگر از متخصصان اقتصادی معتقدند که حکومت قادر به کنترل سقوط ارزش ریال نیست، زیرا قادر به پاسخ دادن به تقاضا برای پولهای دیگر و بخصوص دلار و یورو را ندارد.

وعده های پوشالی «سید» ظالمان

به وعده های پوشالی، گفتار درمانی، سفر درمانی و بازدید نمایشی رئیس جمهور ولی فقیه، وعده گرفتن «تصمیمهای سخت» هم اضافه شد. آیت الله اعدام روز شنبه ۳۱ اردیبهشت در جلسه خصوصی سازی اقتصاد ایران، از گرفتن «تصمیمهای سخت» که «شاید عده ای با آن موافق نباشند» حرف زد. وی از اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، اقتصاد مقاومتی و «میدان واقعی دادن به بخش خصوصی» حرف زد. البته او بدون رونمایی از «تصمیمات سخت»، «افق روشنی پیش روی اقتصاد» را وعده داد. بنا به تاریخچه اجرای اصل ۴۴ و خصوصی سازی که بارها خامنه ای هم بر آن تاکید کرده است، فروش اموال دولتی به رانت خواران، آفازاده ها و خودیها با ارزانتترین بها است که همگان آن را خصولتی سازی تعریف می کنند.

خصوصی سازی در دستگاه رژیم، یعنی تقسیم اموال بین وابستگان و فامیل پاپوران حکومت و بنابراین چشم انداز تصمیمهای رئیسی مشخص است. نتیجه خصوصی سازی یعنی، بزرگ کردن بخش خصولتی اقتصاد که نه تنها به ایجاد شغل و توسعه ای پایدار کمکی نخواهد کرد، بلکه خریداران این اموال با گرفتن وامهای کلان از بانکها، شرکتها را هم به ورشکستگی و نیروهای کار را به بیکاری کشانده اند. یک نمونه آن شرکت نیشکر هفت تپه است.

مجلس ارتجاع اجازه فروش ۱۲ هزار میلیارد اموال دولتی (ثروت ملی مردم) را به دولت رئیسی داده است. فروش این اموال در ساختار فاسد حکومتی یعنی به تاراج دادن ثروت مردمی. این که عده ای هم موافق نباشند، حرفی منطقی است و برمی گردد به جنگ قدرت در سهم گیری ثروت.

گفته مجلس نشین از خرمشهر، سید لفته احمد نژاد: «والله اگر زمان بازگردد و شهیدان بیدار شوند، اسلحه خود را به سوی ما خواهند گرفت.» (ایرنا، یکشنبه اول خرداد) بیانی از وضعیت فعلی در ایران است. از یک سو تلاش رژیم برای ادامه حیات خود و از سوی دیگر مردم در خیابان که با شعارهای شان که چشم انداز سرنگونی را به حکومت یادآوری می کنند.

خیزش مردم برای نان و آزادی در روزهای پس از نیمه دوم اردیبهشت ۱۴۰۱ را هم به روزشمار قیامها و خیزشهای مردم در کف خیابان علیه دیکتاتوری فاسد ولایت فقیه باید اضافه کرد. قیام علیه گرانی و دیکتاتوری در ۳۱ شهر و ۱۰ استان آنهم در شرایطی که یک قصاب بی رحم ملقب به «آیت الله اعدام» وعده سرکوب داده است. اگر چه خیزش اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ برای نان و آزادی با صدها دستگیری، بندهای سوراخ شده در اثر گلوله های ساچمه ای و چندین شهید روبرو شد، اما خیزشها و قیامهای دیگری را نوید می دهد.

۵۰ درصد عمر ایرانیها اضافه شده است، در برابر خشم و اعتراض گسترده بازنشستگان مجبور به استعفا شد. اگرچه شعار «وزیر بی لیاقت، استعفا، استعفا» بیان یکی از خواسته های بازنشستگان بود، اما مردم شعارهای پایه ای دیگری دارند که بدون تحقق آنها، مشکلات شان باقی خواهد ماند.

وزیر بی لیاقت در ابتدای کار مدعی «انقلاب اقتصادی» بود و ابلهانه ادعا کرد که «با یک میلیون تومان» می توان یک شغل ایجاد کرد. استعفا یکی وزیر بسیجی که بی لیاقتی و نادانی اش در مورد اقتصاد از همان ابتدای به وزارت رسیدنش مورد مشاجره باندهای حکومتی و مجلس نشینان بود، در برابر شعارهای بازنشستگان و نیروهای کار، که برآمده از مطالبات شان است، را می توان به عنوان یک مسکن تعبیر کرد. وقتی رانت و فساد مانند سرطان تمامی پیکر این نظام را آلوده کرده است، قوی ترین مسکن هم توانایی نجات این پیکر گنبدیده را نخواهد داشت. به قول سعدی، «خانه از پایبند ویران است، خواجه در بند نقش ایوان است».

مجلس نشینی به نام پاک فطرت، روز یکشنبه ۲۲ خرداد، خطاب به وزیر مستعفی کار، فوران خشم بازنشستگان در خیابان را «تشنج» و «تحریک وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی» و مشکل را «صحبت نکردن دولت با مردم» دانست. وی استعفای عبدالملکی را در صورت عدم پاسخ وی به بازنشستگان، خواسته بود. از این منظر کنار گذاشتن عبدالملکی به پرونده دستگیر شدگان ارزی که متهم به برهم زدن تعادل بازار ارز شده بودند و حتی یکی از آنها به عنوان سلطان ارز اعدام شد و پرونده های دانه ریزهای فساد و رانت خواری، اضافه خواهد شد.

سیمای فلاکت و تنگدستی که این روزها در همه جای ایران دیده می شود نتیجه اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی خامنه ای است. در مقابل فقر و فلاکت، زندگی لاکچری، ماشینهای لوکس، استفاده از تمامی مواهب سرمایه داری و سکونت در کشورهای امپریالیستی برای خانواده های وابستگان حکومت و پرداخت هزینه های نیروهای نیابتی برای امنیت نظام است و نه امنیت و معیشت مردم.

مطالبات مردم که خیابان را برای اعتراض انتخاب کرده اند در نظامی که پایه اصلی اش بر غارت و فساد است، با جا به جایی مهره ها برآورده نخواهد شد. مردم با شعارهای «مرگ بر خامنه ای، مرگ بر رئیسی»، «اتحاد، اتحاد، نه فقر و بیکاری» و... پیکر فرسوده نظام را هدف قرار داده اند، یعنی کل نظام نه یک مهره از آن را.

خیابانهای ایران زمین بیش از هر هنگام با قدمهای استوار معترضان از فرهنگیان، بازنشستگان، پرستاران، کارگران، غارت شدگان تا بازاریان، کسبه، اصناف و... تسخیر شده است.

سقوط ارزش ریال، تصمیم سران قوا

شورای سران سه قوه اختیارات جدیدی به بانک مرکزی داده تا بازار ارز را مدیریت کند. علی صالح آبادی، رئیس بانک مرکزی ایران، روز چهارشنبه ۱۱ خرداد پیشاپیش از این اختیارات جدید خبر داده بود. وبسایت اقتصادی بورس ۲۴ می نویسد: با مجوز سران سه قوه بانک مرکزی می تواند «در بازار ارز به طور نامحدود مداخله کند». این وبسایت نوشته که مطابق «خبر غیر رسمی اما کاملاً موثق» آن «صرفیهای منتخب برای اجرای این مصوبه دیشب تا دیروقت در بانک مرکزی جلسه داشته اند».

سیمای جامعه ایران در شرایط کنونی؛ انفجار خشم و عصیان علیه حکومتی است که جز تحمیل فلاکت، فقر، تنگدستی و محرومیت از ابتدایی ترین حقوق انسانی، ارمانی برای مردم نداشته است. شورش در برابر غارتگری، مبارزه با وجود سرکوب، بی اعتمادی به حکومت و باور به قدرت جمعی و کنشگری برای تغییر و... در سپهر سیاسی ایران برجسته است.

با وجود تهدیدهای رژیم، از دستگیری تا حبسهای طولانی و منسوب کردن حرکتهای اعتراضی مردم به «دشمن»، بیش از ۲ هفته است که بازنشستگان تامین اجتماعی، خیابانهای بسیاری از شهرهای ایران را تسخیر کرده اند. این جنبش سراسری و گسترده با شعارهای مشخص علیه رژیم علاوه بر طولانی مدت بودن آن، مطالباتی را بیان می کند که دقیقاً سیاسی و با منافع رژیم فاسد در تضاد است.

کارگران، بازنشستگان، فرهنگیان و پرستاران از ناتوانی در تامین معاش خود عاصی و خشمگین هستند، خامنه ای بی شرمانه معترضان را کسانی خطاب می کند که «با پول دشمنان» به هموردی با حکومت چپاولگر آمده اند. شعارهای «مرگ بر رئیسی، مرگ بر این دولت مردم فریب، دشمن ما همین جاست، دروغ میگو آمریکاست، حقوق بازنشستگان زیر عیاست و...» به درستی علیه سیاستهای غارتگرانه و تروریستی نظام در داخل و در خارج از مرزها است. شعارهای بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی، علیه نهادهای حکومتی، کارگزاران رژیم و رئیسی، دقیقاً یک تودهنی به خامنه ای است که در سالمرگ خمینی گفت: «دشمنان نخواهند توانست ملت را در مقابل نظام اسلامی قرار دهند».

جراحی اقتصادی که بخشی از اقتصاد مقاومتی است، تحمیل ریاضت کشتی و زیست فلاکتبار است. رژیم نه تنها حقوق کارگران و بازنشستگان را بر اساس نرخ تورم و سبب معیشت تامین نکرده، بلکه همان افزایش ناچیز شورای عالی کار (مصوبه قانونی نهاد حکومتی) را هم رعایت نکرده است. در حالی که بازنشستگان خواهان افزایش حقوق خود متناسب با نرخ تورم و یا حداقل اجرای مصوبه شورای عالی کار هستند، هیات وزیران رئیسی، روز دوشنبه ۱۵ خرداد، با زیر پا گذاشتن مصوبه شورای عالی کار، افزایش ۳۸ درصدی بازنشستگان غیر حداقل بگیر (بگیر) افزایش ۱۰ درصدی حقوق را برای بازنشستگان غیر حداقل بگیر، تصویب کرد. در حالی که دلار از مرز ۳۲ هزار تومان و تورم کالاها از مرز ۱۰۰ درصد گذشته، افزایش ۱۰ درصد حقوق، قدرت خرید مردم و به خصوص بازنشستگان را به شکل بی سابقه کاهش خواهد داد. مصوبه جدید، تداوم دست اندازی به جیب اکثریت مردم، به ویژه بازنشستگان برای جبران کسری بودجه است.

در حالی که مشکل اصلی مردم سقوط لحظه به لحظه قدرت خرید و ناتوانی در تامین معاش و مسکن است، رئیسی، یکی دیگر از «دستور» هایش را صادر کرد. «آیت الله اعدام» که به دستور دادن معتاد شده است، روز سه شنبه ۱۷ خرداد، دستور «تامین و ذخیره کالاها» اساسی را به وزرای صمت و جهاد کشاورزی داد. در حالی که مشکل مردم نداشتن پول برای خرید کالاها اساسی و اولیه است و نه کالاها لوکس که در ویتترین فروشگاهها خودنمایی می کند.

تداوم حرکت بازنشستگان علیه غم استعفای

وزیر بی لیاقت

حجت عبدالملکی، با سابقه بسیجی و مدافع سرسخت اقتصاد مقاومتی، روز سه شنبه ۲۴ خرداد، از شغل وزارت استعفا داد. او که مدعی شده بود زیر تمدن نوین اسلامی

خاوران، حصار کشی و دادخواهی

امیر ابراهیمی

خاوران فقط قطعه خاکی نیست که اجساد جوانان را پس از اعدام در آن پنهان کردند، بلکه بخشی از تاریخ مبارزاتی معاصر ایران است که رژیم فاشیستی حاکم طی چهار دهه تلاش کرده آن را نادیده بگیرد؛ از محدودیت و آزار و اذیت خانواده ها تا حصارکشی و نصب دوربین به عنوان آخرین تلاش.

درباره خاوران می توان بسیار گفت و نوشت، همانطور که طی سالهای پس از قتل عام زندانیان سیاسی چنین شده است. با انتشار روایت‌های گوناگون، رسانه ای شدن فیلم‌های بسیار از مراسم یادمان شهدا، با انتشار نوار گفتگوی منظری با هیات مرگ، با برگزاری دادگاه حمید نوری در استکهلم و با نام خاوران تازه می شود و ایرانیان هربار با بعد جدیدی از این مکان تاریخی آشنا می شوند.

همانطور که مبارزه و تلاش آذرخشهای خفته در خاوران خاموش نشد و امتداد یافت جنبش دادخواهی نیز در این راستا و همگام با جنبش سرنگونی گام برداشت و از سوی رژیم نیز شاهد انواع و اقسام اقدامات برای مقابله با دادخواهی انجام شده که حصار کشی و نصب دوربین در اطراف خاوران

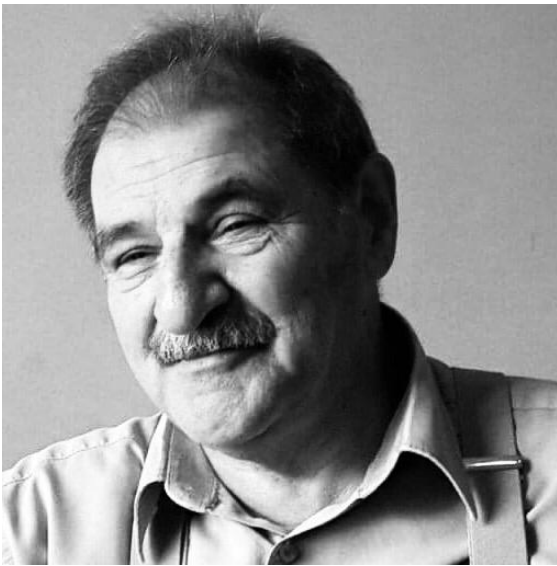


نه اولین این تلاشها است و نه آخرین آن. رژیمی که برای حفظ مسئولان خودش مشکل امنیتی دارد و در تامین نیازهای اولیه جامعه عاجز است در مقابله با مادران و همسران داغداری که سالهاست دنبال محل دفن عزیزان خود هستند از هیچ اقدامی کوتاهی نکرده و به جای پاسخ دهی به آزار و اذیت و محدود کردن آنها و دهها اقدام ایذایی دیگر خودداری نکرده اما امروزه شاهدیم با اعتلای جنبش اعتراضی و حضور هزاران معترض در دهها شهر جنبش دادخواهی نیز در سطح داخلی و همینطور بین المللی گامهای بلندی بر می دارد و همسویی این جنبشها آخرین رمقهایی حکومت را نیز خواهد برید.

بی تردید خاوران سمبل و نماد تاریخ مبارزاتی معاصر خواهد ماند و در آینده میلیونها ایرانی مراسم بزرگداشت در خوری را در این محل برگزار خواهند کرد.



علی (عارف) پاینده هم رفت



با تاسف بسیار مبارز پرسابقه جنبش چپ که از سازمان دانش آموزان جبهه ملی در آغاز دهه چهل خورشیدی تا زندانهای شاه و خمینی برای آزادی و عدالت مبارزه کرد، درگذشت. زنده یاد رفیق علی پاینده انسانی مهربان، یک فعال سیاسی با ارتباطات گسترده و کوهنوردی ورزیده بود. فقدان درخ انگیز او را به خانواده و آشنایانش و به همه آزادیخواهان تسلیت می گویم.

مهدی سامح / جمعه ۲۷ خرداد ۱۴۰۱ - ۱۷ ژوئن ۲۰۲۲

پوپولیسم اجباری راست سلطنت طلب

بقیه از صفحه ۳

آقای رضا پهلوی در سخنرانی اخیر خود، یک گام در این زمینه به جلو برداشت و برای صاف کردن جاده پوپولیسم از ناهمواری، این بار به نفی مخالفان سازمانیافته و اپوزیسیون پرداخت و به گونه عوامفریبانه ای مردم را همان اپوزسیون نامید. او با این استدلال که "خودمان متخصص و تحصیلکرده داریم"، مساله آلترناتیو را به تمسخر گرفت، گویا چالش جامعه این است که چه کسی رییس فلان اداره بشود یا بر راس بهمان وزارتخانه بنشینند. خیر، مساله تغییرات بنیادی است، عدالت و آزادی، همان که مردم در خیابانها فریاد می زنند. گرایش راست خیز برداشته تا مسیر به این سمت را مسدود کند و هر آنکه تابلویی در این راه می نشاند را کنار بزند.

برآمد

تقلا و جنب و جوش برای برکشیدن آقای رضا پهلوی در تضاد با آنچه قرار دارد که در کشور می گذرد و در بیگانگی با نیروهایی بسر می برد که رویدادها را شکل می دهند و پیش می برند. زنگ پایان برای ج.ا. به صدا درآمده و شرایط نمی تواند اینگونه باقی بماند، اما یک نیروی بدون برنامه، بدون سازمان و بدون ارتباط با پیشروان جنبشهای موجود، نه امروز و نه فردا نمی تواند به گونه مصنوعی بر مسند رهبری و آلترناتیو نشاندن شود. این واقعیت را سه ایستگاه تلویزیونی و یک دوجین پشتیبان فرنگی هم قادر نیستند تغییر بدهند.

شعبده بازی کلامی پناه می برد. شاهزاده با وجود آنکه به گونه پی در پی به رسانه ها، تلویزیونها و بنگاه های خبری دسترسی دارد و دفتر و بارگاهی متشکل از مشاوران و صاحب نظران پیرامونش حلقه زده اند، اما تاکنون برنامه مدونی که به پرسشها، چالشها و گره های اصلی در اقتصاد، جامعه و ساختار سیاسی بپردازد، ارائه نکرده است. چند کلی گویی اینچا و شماری اشاره مبهم آنجا همه چیزی است که راست سلطنت طلب در قالب پلانترم جایگزین عرضه می کند.

به راستی نیز آقای رضا پهلوی و متحدانش منافعی در معرفی مشخص هدفها و برنامه هایشان ندارند، زیرا انگاشتشان در تضاد با منافع و مطالبات نیروی اجتماعی ای قرار دارد که مایلند به واسطه اش قدرت را به چنگ آورند. روی آوردن آنها به پوپولیسم، ترفندی برای فرار از شفافیت برنامه ای است، چرا که در مه غلیظ "همه با هم"، می توان منافع همگان را یکسان، مطالبات را بی اهمیت و فرعی و "بالا" و "پایین" را همسان جلوه داد. راست سلطنت طلب در پهنه عدالت و آزادی آلترناتیو وضع موجود را ارائه نمی کند و نمی تواند هم بکند، چون خود را لو خواهد داد.

پیروزی تاریخی در کلمبیا:

گوستاوو پترو چپگرا در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد

نوشته هانس وبر، آمریکا ۲۱

از به جریان انداختن خروج از اقتصاد سوخت فسیلی صحبت کرد. به گفته پترو، دولت او "گفتگوی قاره آمریکا" را در مورد پشتیبانی از تغییر ریل مصرف انرژی آغاز خواهد کرد. رییس جمهور آینده می خواهد با ایالات متحده در مورد یک سیاست مشترک اقلیمی گفتگو کند. او اعلام کرد: "این گفتگو نباید هیچ کشور آمریکایی را حذف کند." پترو در سخنرانی خود همچنین خاطره تمامی افرادی را که به دلیل تعهد اجتماعی کشته، ناپدید یا زندانی شدند، گرامی داشت. او گفت: "این پیروزی انتخاباتی به آنها نیز تعلق دارد." پترو سپس از دادستان کل کشور خواست تا "جوانان را آزاد کند." سخن او به فعالانی اشاره داشت که به دلیل مشارکت در جنبش اعتراضی در سالهای اخیر زندانی شده اند.

روسای جمهور مترقی فعلی و پیشین آمریکای لاتین اندکی پس از اعلام نتایج انتخابات، به پترو تبریک گفتند. "گابریل بوریگ" (Gabriel Boric)، رییس جمهور شیلی، در توییته نوشت: "شادی برای آمریکای لاتین! ما با هم برای وحدت قاره خود دست به کار خواهیم شد." او مورالس (Evo Morales)، رییس جمهور سابق بولیوی، با این جمله به پترو و مارکز تبریک گفت: "این پیروزی صلح، حقیقت و عزت است." لوئیز ایناسیو لولا داسیلوا (Luiz Inácio Lula da Silva)، رییس جمهور سابق برزیل نیز همانند روسای جمهور مکزیک، کوبا، پرو، آرژانتین، بولیوی و ونزوئلا نتایج انتخابات را جشن گرفت. رییس جمهور هندوراس، "شیومارا کاسترو" (Xiomara Castro)، به مردم کلمبیا به دلیل رای دادن به "تغییر اجتماعی" تبریک گفت. "آندرس مانوئل لویز اوبرادور

"ماریا الویرا سالازار" (María Elvira Salazar)، نماینده جمهوریخواه کنگره آمریکا، در یک واکنش شدید نسبت به پیروزی "گوستاوو پترو" (Gustavo Petro) گفت: "من از نتایج در کلمبیا بسیار ناامید هستم. پترو یک دزد، یک تروریست و یک مارکسیست است. او یک پیرو کاسترو و چاوز است. ما در کنگره به منظور تضمین حقوق و آزادیهای کلمبیاییها اقدامات او را تحت نظر خواهیم داشت. خداوند برادران کلمبیایی من را حفظ کند!"

در سوی دیگر، لحن سیاستمداران در "اتحاد مترقی" (Pacto Histórico) که پترو و "فرانسیا مارکز" (Francia Márquez) نامزدهای آن بودند، آشتی جویانه بود. همه آنها بر لزوم تشکیل یک دولت برای همه کلمبیاییها، از جمله ۱۰.۵ میلیونی که به "هرناندز" (Hernández) رای دادند، تاکید کردند. مارکز به "لا دلیو" (La W) گفت: "ما با چالش بزرگ آشتی روبرو هستیم."

پترو در سخنرانی پیروزی خود گفت که به این ده میلیون رای دهنده مخالف، در دولت جدید خوش آمد می گوید. به گفته او، رهبران اپوزیسیون آینده، چه هرناندز، چه "آلوارو اوربیه" (Alvaro Uribe)، رییس جمهور پیشین و چه "فدریکو گوتیرز" (Federico Gutiérrez)، نامزد سابق، برای گفتگو در کاخ ریاست جمهوری، "کاخ دو ناریو" (Palacio de Nariño)، همیشه مورد استقبال قرار خواهند گرفت. رییس جمهور منتخب گفت: "ما از قدرت برای حذف مخالفان خود استفاده نخواهیم کرد."



(Andrés Manuel López Obrador)، رییس جمهور مکزیک در پیامی توییتری نوشت: "پیروزی گوستاوو پترو تاریخی است." او با یادآوری کشته شدن هزاران تن پس از ترور "خورخه الیسر گایتان" (Jorge Eliécer Gaitán)، نامزد مترقی ریاست جمهوری کلمبیا در سال ۱۹۴۸، و آغاز خشونتها در این کشور نوشت: "پیروزی امروز می تواند پایان این نفرین و برآمدن این قوم برادر و شایسته باشد. صمیمانه تبریک می گویم."

پانویس:

(۱) گوستاوو پترو در ۱۷ سالگی عضو یک گروه چریک شهری مارکسیست به نام M-۱۹ شد. او به همین دلیل نیز دو سال زندانی شد. این گروه در سال ۱۹۹۰ سلاح خود را زمین گذاشت و به یک حزب سیاسی تبدیل شد. خود پترو معاون و سپس شهردار بوکوتا، پایتخت، شد. او در سال ۲۰۱۰ برای اولین بار در کشورش نامزد ریاست جمهوری شد و رتبه چهارم را به دست آورد.

(۲) فرانسیا مارکز، یک مادر مجرد، پروفیسور دانشگاه و کارگر سابق است که از سنین جوانی برای حفاظت از محیط زیست، فمینیسم و حقوق بومیان مبارزه می کرد.

مارکز و پترو به این معنا به ضرورت "توافق ملی" اشاره کردند. به گفته برندگان انتخابات، با یازده میلیون رای دهنده، حرکت در این جهت آغاز شده، اما چنین توافقی باید همه ۵۰ میلیون کلمبیایی را در بر بگیرد. بدین منظور، دولت جناح چپ "گفتگوهای محلی الزام آور" را آغاز خواهد کرد که در آن گروههای اجتماعی نادیده گرفته شده، پیرامون اصلاحاتی که برای زندگی در صلح به آن نیاز دارند، نظر خواهند داد. هدف، دستیابی به "وسیع ترین توافق نظر ممکن" به منظور تضمین - برای مثال - حقوق بازنشستگی برای افراد مسن، دسترسی به دانشگاه برای جوانان یا غذا برای کودکان است. پترو تاکید کرد که صلح بیش از همه به معنای "عدالت اجتماعی" است.

این مرد ۶۲ ساله به اکاذیب کمپین متقابل اشاره کرد که بر اساس آن او به خلق ید و از بین بردن مالکیت خصوصی دست خواهد زد و در این باره گفت: "ما سرمایه داری را توسعه خواهیم داد، نه به این دلیل که آن را می پرستیم، بلکه برای غلبه بر شرایط زندگی ماقبل مدرن، فئودالی و بردگی."

پترو، که اقتصاددان است، از نیاز به تقویت اقتصاد مولد بر پایه "اشکال جدید اقتصاد مشارکتی" صحبت کرد. او همانگونه که در جریان مبارزات انتخاباتی خود وعده داد،

دانشگاه در ماهی که گذشت (خرداد ۱۴۰۱)

کامران عالمی نژاد

خانم امیری پیشتر از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران از بابت اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به یک سال حبس تعزیری و همچنین بابت مجازات تکمیلی به ضبط تلفن همراه، منع عضویت در گروهها و دستجات سیاسی و اجتماعی در فضای مجازی و خارج از آن و همچنین منع اقامت در گردهماییهایی دانشجویی (به غیر از کلاسهای موظفی درسی) به مدت دو سال محکوم شده بود، این حکم توسط دادگاه تجدید نظر عیناً تأیید شده است.

امیر رئیسین، وکیل خانم امیری پیشتر گفته بود، این محکومیت در ارتباط با پرونده ای است که سال گذشته پس از انتشار تصویری از این فعال دانشجویی در دانشگاه علامه طباطبایی در ارتباط با ۸ مارس، گشوده شده ولی مسکوت باقی مانده بود. بامداد روز سه شنبه ۳ خرداد، دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی در اعتراض به سرکوب دانشگاه و حکم یک سال حبس تعزیری هستی امیری، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی این دانشگاه، دست به تجمع و اعتراض زدند در همین روز؛ جمعی از دانشجویان دانشگاه نوشیروانی بابل در اعتراض به سرکوب اعتراضهای دانشجویی و صدور حکم حبس برای هستی امیری، و در حمایت از فرهاد میثمی، فعال مدنی، محمد حبیبی و اسماعیل عبدی معلمان در بند، دست به تجمع در محوطه دانشگاه زدند.

مسمومیت غذایی دهها دانشجو در تهران طی دو روز



یک روز پس از اعلام خبر مسمومیت غذایی ۵۵ دانشجوی دختر در خوابگاهی در تهران، یحیی صالح طبری، رئیس اورژانس تهران روز سه شنبه ۳ خرداد از مسمومیت غذایی ۳۸ دانشجوی دیگر در خوابگاه دانشگاه امام صادق این شهر خبر داد. یک روز پیشتر، مجتبی خالدي، سخنگوی سازمان اورژانس، از مسمومیت غذایی ۵۵ دانشجوی دختر در یک خوابگاه واقع در بلوار مرزداران تهران خبر داد و گفته بود که احتمال افزایش مصدومان وجود دارد. او توضیح داد که این خوابگاه مربوط به یکی از دانشگاهها است و دانشجویان همگی از غذای آن خوابگاه خوردند.

دو دهه پس از زلزله بم؛ خوابگاه کانکسی دانشجویان بم آتش گرفت

جمعه شب ۶ خرداد، آتش سوزی در دو خوابگاه کانکسی دختران دانشجوی این دانشگاه رخ داد که تلفات یا مصدوم نداشت اما دو کانکس به طور کامل در آتش سوخت.

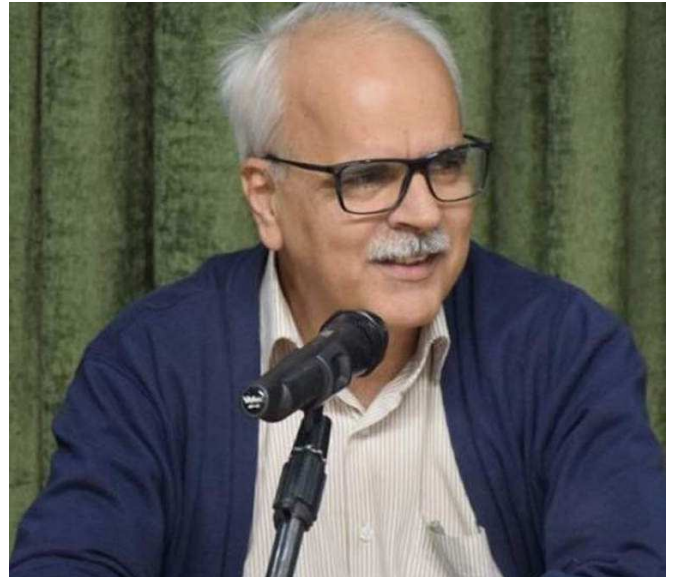
مدیرعامل آتش نشانی شهرداری بم گفت که کپسول آتش نشانی مناسب این نوع حریق در محل وجود نداشته است؛ درحالی که معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بم می گوید که کپسولها اخیراً توسط این سازمان پر شده اند و باید از همان نوع که می گویند پر می کرده اند.

محمد غضنفرآبادی البته اگرچه می گوید که قصد ندارد به مساله دامن بزند اما تأکید دارد که آتش نشانی نیز دیر به محل آتش رسیده است.

معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بم درباره شرایط خوابگاههای این دانشگاه گفت: این کانکسها یک سال و نیم بعد از زلزله ۸۲ برای استفاده مردم تعبیه شدند که تا نیمه دوم سال ۹۰ مردم به دلیل شرایط زلزله و ساخت و سازهایی که داشتند از این کانکسها استفاده می کردند. غضنفرآبادی بیان کرد: کانکس ها از سال ۹۰ تاکنون در اختیار دانشگاه علوم پزشکی قرار گرفته اند تا به عنوان خوابگاه از آنها استفاده شود.

بقیه در صفحه ۸

درخواست دانشگاهیان و فعالان مدنی برای آزادی سعید مدنی



روز دوشنبه ۲ خرداد، دهها تن از دانشگاهیان و فعالان مدنی کشور در یک بیانیه مشترک خواهان آزادی سعید مدنی شدند.

در این بیانیه آمده است: بازداشت سعید مدنی، جامعه شناس دردمند و صاحب اندیشه و پژوهشگر اجتماعی، برای فعالان مدنی خبری تلخ و ناگوار بود. آموزه های ایشان در دوره های کاربردی، پژوهشهای میدانی و کیفی، کتابهای علمی و مشاوره های راهبردی، در جامعه مدنی ایران اثرات گرانسنگی به جای گذاشته است. بسیاری از نهادهای مدنی در کاهش و رفع آسیبهای اجتماعی همواره از خدمات وی بهره مند شده اند و متاثر از دغدغه های اجتماعی، منانت رفتار و صداقت گفتار او هستند. تجربه ما از همکاری با ایشان بیانگر آن است که در فعالیتهای اجتماعی و خدمات آموزشی، پژوهشی و مشاوره ای خود در عرصه اجتماعی، هرگز سیاسی برخورد نکرده و با رفتار حرفه ای - مدنی با مسایل روبرو می شد. در شرایط سخت اجتماعی امروز که جامعه مدنی متعهدتر به تحقق اهداف و مأموریتهای خود در جهت کمک به مسائل اجتماعی ایران است، بازداشت سعید مدنی نگرانیهای جدی فعالان اجتماعی را بیشتر می کند. از این رو امضا کنندگان این بیانیه که همگی از دانشگاهیان و فعالان اجتماعی هستیم، از مقامات قضایی درخواست داریم که هر چه زودتر نسبت به آزادی ایشان اقدام نمایند.

محکومیت هستی امیری در دادگاه تجدید نظر



روز دوشنبه ۲ خرداد، هستی امیری، دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی توسط دادگاه تجدید نظر استان تهران به یک سال حبس تعزیری و مجازاتهای تکمیلی محکوم شد.

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۷

کمبود ظرفیت بسیاری از خوابگاهها به خاطر تغییر کاربری آن



به صورت مجازی هستند؛ آنها اضافه کردند که در خصوص برگزاری امتحانات به صورت حضوری، اطلاع رسانی لازم توسط مسئولان دانشگاه صورت نگرفته است.

تجمع اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

روز سه شنبه ۱۰ خرداد، شماری از کارکنان و اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب مقابل این دانشگاه دست به تجمع زدند. آنها از جمله دلایل تجمع خود را اعتراض به پایین بودن حقوق دریافتی باوجود میزان قابل توجه مبلغ حقوق دریافتی هیات رئیسه دانشگاه عنوان کردند. معترضان با پهن کردن سفره خالی به نشانه شرایط اسف انگیز معیشتی شان، نسبت به پایین بودن دستمزدها اعتراض کردند.

تجمع دانشجویان دانشگاه امیرکبیر

روز سه شنبه ۱۰ خرداد، گروهی از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، در محوطه این دانشگاه دست به تجمع زدند. این دانشجویان نسبت به مشکلات آموزشی موجود در دانشگاه پلی تکنیک اعتراض کرده و از مسئولان دانشگاه خواستند که به مطالبات شان توجه و رسیدگی شود. یکی از دانشجویان معترض عنوان کرد: «مسئولان دانشگاه امیرکبیر، مدت زمان اختصاص یافته برای فرجه امتحانات دانشجویان را تنها یک هفته در نظر گرفته اند؛ این تصمیم درحالی اتخاذ شده که در حال حاضر جمعیت قابل توجهی از دانشجویان رشته های مختلف، امتحانات میان ترم خود را به پایان نرسانده اند و در زمان تعیین شده برای فرجه امتحانات پایان ترم نیز امتحان میان ترم دارند.»

تجمع اعضای شرکت تعاونی مسکن دانشگاه علوم پزشکی زنجان

روز چهارشنبه ۱۱ خرداد، اعضای شرکت تعاونی مسکن دانشگاه علوم پزشکی زنجان در مقابل ساختمان استانداری دست به تجمع اعتراضی زدند. تجمع این شهروندان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان صورت گرفت.

تایید حکم ۱۶ سال زندان برای علی یونسی و امیرحسین مرادی



مصطفی نیلی و کیل دادگستری روز دوشنبه ۱۶ خرداد از تایید حکم علی یونسی و امیرحسین مرادی دانشجویان بازداشتی دانشگاه صنعتی شریف، در شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران خبر داد. این دو دانشجوی المپیادی دانشگاه صنعتی شریف در دادگاه بدوی به اتهام «تخریب، تحریق و خرابکاری در تأسیسات عمومی» به ۱۰ سال، به اتهام «اجتماع و تبانی و اقدام علیه امنیت ملی و همکاری با گروههای معاند» به پنج سال و به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم شده بودند که دادگاه تجدیدنظر، عیناً این حکم را تأیید کرده و بر این اساس؛ حکم اشد، یعنی ۱۰ سال حبس قابل اجرا خواهد بود.

تجمع اعتراضی جلوی سازمان مرکزی دانشگاه آزاد

روز سه شنبه ۱۷ خرداد، کارکنان دانشگاه آزاد مقابل ساختمان مرکزی این دانشگاه در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. این شهروندان با برگزاری تجمع نسبت به تداوم عدم افزایش حقوق ماهیانه مطابق خط فقر جاری در کشور اعتراض کردند. کارکنان دانشگاه آزاد با سردادن شعار «تهرانچی دروغگو حاصل وعده هات کو» نسبت به خلف وعده رئیس دانشگاه آزاد اعتراض کردند.

بقیه در صفحه ۹

هاشم داداش پور رئیس سازمان امور دانشجویان وزارت علوم روز سه شنبه ۷ خرداد، در خصوص گلایه دانشجویی از کمبود ظرفیت خوابگاههای دانشجویی گفت: تعداد خوابگاههای دانشجویی محدود است و طبیعی است که نتوانیم ظرفیت را به همه دانشجویان کشور اختصاص دهیم؛ چرا که تعداد دانشجویان زیاد است، اما تعداد خوابگاهها متناسب با ظرفیت تمام دانشجویان نیست.

وی در ادامه افزود: در سالهای گذشته از طریق اجاره خوابگاه استیجاری و خوابگاه خودگردان کمبود ظرفیت تأمین می شد، اما در یک مقطع زمانی دوساله کرونا اتفاقی که افتاد این بود که خوابگاههای کشور، یعنی پیمانکاران یا کسانی که صاحبان این خوابگاهها بودند، تغییر کاربری خوابگاه را در دستور کار قرار دادند. در سال جاری از این افراد دعوت شد که خوابگاهها را به دانشگاهها اجاره دهند، ولی اکثر ساختمانها تغییر کاربری داده بودند و تمایلی نداشتن که خوابگاه را به دانشگاه واگذار کنند.

مقام وزارت علوم مسمومیت غذایی دهها دانشجو را تایید کرد



سه هفته پس از اعلام خبر بروز علائم مسمومیت دهها دانشجو در تهران و تکذیب برخی مقامات دانشگاهی، رئیس سازمان امور دانشجویان «مسمومیت غذایی» این دانشجویان را بر اساس اعلام وزارت بهداشت تأیید کرد.

هاشم داداش پور، رئیس سازمان امور دانشجویان، روز سه شنبه ۲۱ خرداد، به طور تلویحی این مسمومیت غذایی را با «کیفیت غذای دانشگاهها» مرتبط اعلام کرد، اما گفت با توجه به این که پیمانکاران غذاخوریهای دانشجویی برای بازه های زمانی طولانی مدت قرارداد می بندند، دانشگاهها قادر نیستند که به یک باره برای هماهنگی با این پیمانکاران اقدامات لازم را انجام دهند.

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه پیام نور تهران

روز سه شنبه ۱۰ خرداد، جمعی از دانشجویان دانشگاه پیام نور تهران برای چندمین مرتبه در مقابل ساختمان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و مقابل درب ورودی این دانشگاه دست به تجمع اعتراضی زدند.

دانشجویان معترض خواستار لغو برگزاری امتحانات به صورت حضوری هستند و گفتند که کلاسهای شان را به صورت مجازی سپری کرده اند، لذا خواهان برگزاری امتحانات

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۸

اعتراض دانشجویان به «کنترل و خشونت» حراست دانشگاهها



روز دوشنبه ۲۳ خرداد، جمعی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس مقابل ساختمان مرکزی این دانشگاه دست به تجمع زدند. این تجمع در اعتراض به وضعیت نامطلوب صنفی و رفاهی و عدم توجه مسئولان دانشگاه نسبت به این وضعیت صورت گرفت. در جریان این تجمع دانشجویان خواستار حضور رئیس دانشگاه در تجمع جهت پاسخگویی شدند که با اصرار دانشجویان، فرهاد دانشجو رئیس جدید دانشگاه تربیت مدرس، در جمع دانشجویان حضور یافت و به جهت هراس از ادامه و افزایش تعداد دانشجویان معترض در تجمع، دانشجویان معترض را به سالن چمران این دانشگاه دعوت کرد. بدین ترتیب با شکل گیری جلسه پرسش و پاسخ مهلت یک ماهه جهت وصول مطالبات به فرهاد دانشجو از جانب دانشجویان داده شد که از جمله ی آنها برکناری پیمانکار سلف در صورت عدم جلب رضایت دانشجویان است.

مریم کریم بیگی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد



مریم کریم بیگی، خواهر زنده یاد مصطفی کریم بیگی از شهدای خیزش سال ۱۳۸۸، روز سه شنبه ۲۴ خرداد، توسط نیروهای امنیتی ضمن تفتیش منزل شخصی اش بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. شهناز اکمالی، مادر خانم کریم بیگی با انتشار پستی در صفحه شخصی خود، از بازداشت فرزندش در ساعت ۷ صبح توسط نیروهای امنیتی خبر داد. او در این ویدئو گفت که ماموران همزمان با بازداشت دخترش، اقدام به تفتیش منزل شخصی شان کردند.

پس از این مریم با یک تماس تلفنی از دانشگاه محل تحصیل خود در مقطع کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی اخراج شده است. اخراج مریم کریم بیگی از دانشگاه به دلیل «پرونده ای که اخیراً وزارت اطلاعات علیه او گشوده بود» انجام گرفته است.

تنها ۱۰ درصد شرکت کنندگان کنکور داوطلبان رشته ریاضی هستند

نسرین سلطانخواه، رئیس سابق بنیاد ملی نخبگان روز چهارشنبه ۲۵ خرداد گفت: علم ریاضی مادر همه علوم و منطق صحیح فکر کردن است، اما این روزها در مدارس و دانشگاهها دچار افول شده است. معاون سابق علمی و فناوری ریاست جمهوری ادامه داد: رشته ریاضی در مدارس مورد استقبال دانش آموزان نیست و خیلی از صندلیها خالی مانده است.

او ادامه داد: تنها ۱۰ درصد شرکت کنندگان کنکور امسال داوطلبان رشته ریاضی هستند که زنگ خطر و هشدار جدی است و همه باید برای این رویداد منفی که خیلی سریع اتفاق افتاده است چاره‌ای بیندیشند.

بقیه در صفحه ۱۰



دهها دانشجو با انتشار بیانیه ای ضمن انتقاد از «برخوردهای خشونت آمیز حراست دانشگاهها» از سایر دانشجویان و استادان دانشگاه خواستند که با «مطالبه گری مانع حمله اقتدارگرایانه به ساحت دانشگاه شوند.»

در این بیانیه که روز پنجشنبه، ۱۹ خرداد، منتشر شده است، با اشاره به «درگیری فیزیکی، ضرب و شتم و گروگانگیری دانشجویان» از سوی «نهاد کنترلگر حراست» از این نهاد به عنوان «ناقض مفهوم دانشگاه مستقل و آزاد» نام برده شده که با «فلسفه سلطه و کنترل دانشجویان در تمامی ساحتهای زندگی به وجود آمده است.» در ادامه این بیانیه «محدودیتهای خوابگاهها، تفکیکهای جنسیتی، اخراج و ارباب دانشجویان و اساتید، ممنوعیت از فعالیتهای سیاسی آزاد، احضار هرروزه دانشجویان به کمیته های انضباطی و نهادهای امنیتی خارج دانشگاه» به عنوان بخشی از فشارهای تحمیل شده بر دانشجویان عنوان شده است.

در این بیانیه به موضوع حذف زنان از جامعه به واسطه تفکیک جنسیتی و اعمال سیاستهای مردسالارانه اشاره شده و آمده است که این سیاستها «نیمی از جمعیت دانشجویان را از ارتقا و پیشرفت محروم ساخته است.»

بازداشت ملیحه جعفری، دانشجوی دانشگاه تهران



روز یکشنبه ۲۲ خرداد ماه، ملیحه جعفری، دانشجوی دانشگاه تهران و از بازداشت شدگان اعتراضات آبان ۱۳۹۸، پس از احضار به شعبه ۱ اجرای احکام دادسرای زندان اوین برای تحمل حبس تعزیری شش ماهه خود بازداشت شد. این دانشجو پیش تر به مصادیق اتهاماتی همچون اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، به شش ماه حبس تعزیری محکوم شده بود.

ملیحه جعفری، روز یکشنبه اول خرداد، با دریافت ابلاغیه ای کتبی برای سپری کردن دوران حبس تعزیری خود توسط شعبه یک اجرای احکام دادسرای زندان اوین احضار شده بود.

این دانشجوی رشته نمایش عروسکی و هنرهای زیبای دانشگاه تهران در تاریخ ۱۲ تیرماه ۱۳۹۹، برای تحمل شش ماه حبس تعزیری خود توسط شعبه یک اجرای احکام کیفری دادسرای زندان اوین احضار شد اما با توجه به شیوع کرونا اجرای حکم او تعلیق شد.

لازم به ذکر است، ملیحه جعفری پس از بازداشت در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ و انتقال به سلول انفرادی یکی از ارگانهای امنیتی و طی مراحل بازجویی و تفهیم اتهام در تاریخ ۱۰ آذر ماه ۱۳۹۹ با تودیع قرار کفالت به مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان آزاد شده بود.

کار، کار خودشونه!!

مرجان

دانشگاه

در ماهی که گذشت

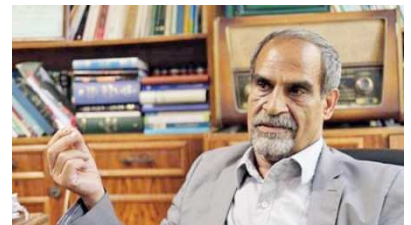
بقیه از صفحه ۹

مسمومیت مجدد دانشجویان در سلف دانشگاه

رییس کریمی، رییس دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان روز پنجشنبه ۲۶ خرداد، با اشاره به مسمومیت ۵۰ نفر از دانشجویان این دانشگاه گفت: ما هم احتمال مسمومیت غذایی و هم احتمال مشکل ویروسی و هم تلفیقی از این دو مورد را در نظر می‌گیریم، ولی باید منتظر جواب آزمایشها باشیم تا علت را دقیق اعلام کنیم. رییس دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان با بیان اینکه دانشجویانی که دچار مسمومیت گوارشی شده بودند علایمی از جمله تهوع، استفراغ و اسهال داشتند، تصریح کرد: از بین ۶۵۰ دانشجویی که وعده غذای ناهار را صرف کرده بودند حدود ۵۰ نفر دچار مشکلات گوارشی شده بودند.

در همین رابطه روز دوشنبه ۳۰ خرداد، مشهود تقی لو معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی زنجان، علت مسمومیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان در روز پنجشنبه را آلودگی و عفونت میکروبی مواد غذایی استفاده شده در سلف دانشگاه اظهار کرد.

نعمت احمدی از دانشگاه اخراج شد



روز پنجشنبه ۲۶ خرداد، نعمت احمدی حقوقدان، وکیل دادگستری و عضو هیات علمی واحد مرکز دانشگاه آزاد اسلامی از اخراج خود با امضای سرپرست معاونت امور آموزشی خیر داد. وی در این باره گفت: با امضای سرپرست معاونت امور آموزشی این دانشگاه، از دانشگاه اخراج شده است.

این عضو هیات علمی دانشگاه در رابطه با این خبر اظهار داشت که ابتدا حقوقم را قطع کردند و پس از آن اعلام کردند که دانشگاه نمی‌تواند با من ادامه همکاری دهد.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: رادیو فردا، هرانا، ایرنا، دیده بان ایران، العربیه، ایلنا، آنا، دانشجو، ایسنا، آنا تولی، همشهری آنلاین، کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی، کانال تلگرام شوراهای صنفی دانشجویان کشور، جوان، فارس، مهر)



حتی امام جمعه اهواز معترض به دروغگویی شان می‌شود که چرا روز اول می‌گویید عبدالباقی بازداشت شد و فردا خبر مرگش را می‌دهید؟؟ حالا هم مردم مراسم خاکسپاری عبدالباقی را به سخره گرفته‌اند و به درستی تاکید می‌کنند که در این مراسم هیچ فضای عزاداری وجود نداشت. آمار دروغ کشته شدگان و سرکوب مردم عزادار لکه ننگی بر دامن آلوده قدرت پرستان افزود چنانکه شیطان شرم می‌کند از انتساب شان به او.

و هنوز داغ بر دل مردم سرد نشده که با خبر تصادف قطار، مبهوت می‌ماند که بیل مکانیکی نصفه شب روی ریل چه می‌کرده؟

و در جواب تمام این سوالات، تکرار این جمله است که ذهن را مشوش می‌کند: کار خودشان است.

اگر در سریال دایی جان ناپلئون، همیشه و هر کاری، کار انگلیس بود و طنزی شیرین به یادگار ماند، اکنون برای ما تلخ تر از زهر است که بدانیم در هر حادثه خونبار، کار کار خودشان است.

هنگامی که داستان مضحک سرقت از صندوق امانات بانک ملی روایت شد، چه کسی باور کرد این سناریوی سراسر دروغ و تخیلی را؟

بین مردم و حکومت فاصله که نه، دره ای عمیق و خوفناک وجود دارد که عاقبت این دستگاه ظلم و تزویر و غارت را چاره ای نیست جز سقوط به ته همین دره، که خودشان بانی و سازنده اش بودند.

عاقبت محتوم آنان که به جای خدمت به خلق و تلاش برای توسعه و رفاه و آبادانی مملکت، با توهم و جنون مرتکب هر رذیلتی شدند تا بمانند. و مردم امروز با حضور پی در پی در خیابان و فریاد: دروغ گو، حاصل وعده هات کو؟ دشمن ما همین جاست دروغ میگن آمریکاست ... پایه های این خانه عنکبوت را به لرزه درآورده اند. بله، چراغ ظلم ظالم تا سحرگاهان نمی‌سوزد.

مردم عادی نه نیاز به تحصیلات آکادمیک دارند، نه تحلیل‌های پیچیده سیاسی بلدند و نه ادعای روشنفکری شان گوش فلک را کر می‌کند، اما به درستی می‌توانند کُنه وقایع اتفاقیه و حوادث جاری را ببینند و یک جمله بگویند: کار خودشونه!!

حاکمیت چنان خرمن اعتماد به خود را بر باد داده که اگر بگویند ماست سفید است، شنونده نگران می‌شود که واقعا چه توطئه ای پشت سفید بودن ماست پنهان شده است!!

شیب تند دروغگویی و لاپوشانی و ماله کشی، علاوه بر تمام بی کفایتیها، جنایتها، غارتها و ... ماشین نظام را به دره ای رهنمون کرده که دیگر شنیدن کلمه فروپاشی این روزها برای مردم عادی شده است.

اکنون علاوه بر دغدغه نان، اندیشه فردای این سرزمین سوخته بغضی در گلو هر ایرانی شده است. بعد از سقوط هواپیمای اوکراینی و سه روز جنجال و دروغ بافی و ممرکه گیری سیمای میلی، چند فیلم موبایلی حقیقت را چون سیلی سخت بر چهره کذابان کوبید و آنها را به مسلخ اعتراف کشانید که بله خودمان زده ایم!!

در پاندومی کرونا و بازیهایی که با جان مردم شد و هر روز دروغی پشت دروغ و اختراع چندین واکسن و هزینه کردن ثروت ملی به نام مبارزه با بیماری و پر کردن جیبهایی عمیق تر از چاه ویل، چهره کزیه دروغگویی که چشم در چشم ملت، وقیحانه سعی در پنهان کردن حقایق داشتند، آشکارتر شد.

مردم با یک فرمول ساده مشکل کشف حقیقت را حل کردند: هر چه اینها گفتند را برعکس کنید تا واقعیت مشخص شود!

نظامی که برای برقراری احکام اسلام و حکومت جهانی بیرق گردانی می‌کند، رتبه اول کذاب تاریخ را دریافت کرده است.

دیگر تلاشی هم برای رفع اتهام نمی‌کنند، اگر این سوال در فضای مجازی همگانی شده که بعد از واقعه اسفناک متروپول آبادان، عبدالباقی مرده است چرا دفنش نمی‌کنید؟؟ جوابی نمی‌دهند.

داستان کوتاه

فرار از زندان

م. وحیدی

«آدم گاهی درست نمی شود، مگر اینکه بیرند و داغ کنند تادرست شود».

خمینی - رادیو رژیم - ۱۴ بهمن

تقدیم به حسین پورحیدریان و همه زندانیان سیاسی که مرزهای نوینی از صلابت و استواری، فداکاری و رشادت انقلابی را در نور دیده و دژخیمان رژیم آخوندی را به زانو درآورده اند.

تو زد و خوردهای خیابانی و درگیری با پاسداران و لباس شخصی ها سلاح تیر خورد و از کار افتاد و نزدیک بود خودم هم دستگیر شوم، ولی توانستم حلقه محاصره را بشکنم و از محل بگریزم؛ اما از بچه ها قطع شدم و بی خبر ماندم خیلی ایروانور زدم آنها را پیدا کنم و به یکی شان وصل شوم ولی موفق نشدم.

هرجای رفته چشم می انداختم دوستی، رفیقی، آشنایی پیدا کنم که دوباره بتوانم به سازمان وصل شوم، ولی کسی را پیدا نمی کردم و از این بابت بهم ریخته بودم. لحظات سختی را می گذراندم و دائم در اضطراب بودم. هر کجا نمی توانستم بروم؛ هر کاری نمی توانستم انجام دهم و هر کجا نمی توانستم استراحت کنم و بخوابم.

شب ها اغلب گوشه پارک ها و دور از چشم عابرین یا داخل قبرهای کنده شده و پاپست کامیون های کنار خیابان می خوابیدم و یا با اتوبوسی از شهری به شهر دیگری رفته و شب راضیح می کردم و سیانور همیشه زیر بنام بود.

یک روز از جلو سینمایی رد می شدم که رفیقی را دیدم از تاکسی پیاده شد و رفتم جلو سلام و احوالپرسی و دست همدیگر را فشردیم و موقع قدم زدن توانستم از طریق وی قرار ی بارفیکی دیگر بگیرم.

«قرار» تویک عکاسی بود تویک میدان و غروب فردا باید می رفتم. خودم را آماده کردم و با عادی سازی و کیف ساسموتی در دست و محمل «ویز توری» راه افتادم. رفتم، هوای پاییزی دلچسبی بود و برگ های درختان کنار خیابان زرد و طلایی شده و جلوه زیبایی داشتند. از تو میدان رد شدم و آن طرف خیابان وارد ساختمان شدم و از پله ها بالا رفتم و در پیچ طبقه دوم رفتم تو عکاسی. در را که باز کردم یک کت و شلواری از پشت میز بلند شد و خون سرد سلاحش را به طرفم کشید و گفت:

«ببی حرکت... تکتون نخور!» خشکم زد و در یافتم قرار اورفته و امکان عکس العمل نبود. بی حرکت ماندم ولی سعی کردم خون سرد باشم و گفتم: «چی شده؟» که چند نفر از بالای پله های اطراف بیرون آمدند و دوره ام کردند و یکی شان آمد بطرفم و مشتکی به دهانم کوبید که اگر قرصی چیزی هست بیرون ببرد که زودتر سیانورا قورت داده و نگه داشته بودم. بعد مرا برگرداندند به طرف دیوار بالگرد پاهام را بازوای بالا تا پایین بازرسی ام کردند. گفتم: «چرا می زنید؟! شما کی هستید... استباهی گرفتید؟!»

آن یارو که پشت میز بود کیفم را گرفت نشست بازش کرد و هر چه داشت ریخت روزمین و کیف را خوب تکان داد که دیدیم مشت کاغذ و قلم و پروشور مخصوص عکاسی از آن بیرون ریخت.

گفتم: «من ویز تورم... ایناهم وسایل کارمه...!» یکی شان هلم داد و گفت: «راه بیافت» گفتم: «کجا من کاری نکردم؟» آن که سلاحش را بطرفم گرفته بود گفت: «حرف نزن... برو!»

راه افتادم جلو و از پله ها رفتم پایین. دم در چندتا پاسدار و لباس شخصی تویاده رو و ایونورا آور ایستاده و سلاحشان را بطرفم گرفته بودند. کتیم را کشیدند و روسرم و سوار یک ماشین بزم کردند که آماده بود و ماشین با شتاب حرکت کرد. میان راه از کوچه پس کوچه ها و خیابان های فرعی می رفتند و مانور می دادند که مسیرا گم کنم و نتوانم بخاطر بسپارم. تورا از زیر کت سعی کردم به دستگیره ماشین نگاه کنم که در فرصتی باز کتیم بیرم بیرون، که یارو پاسداره کنارم فهمید و گفت: «اون دربان نمی شه!» بعد از مسافتی ماشین جایی نگه داشت و پیاده ام کردند ولی از اطراف صدای بازی

نوک پا بلند شدم آن طرف را دیدم که پارکینک بود و کسی تردد نمی کرد.

نشستم تکیه دادم به دیوار و سربه زانو خوابم برد. موقع ناهار چیزی شبیه آبگوشت آوردند دادند با کمی نان که بزور نیمی از آن را خوردم و با قاشقش شروع به برش یکی از میله های پنجره کردم. وسط کار قاشق خم می شد و توان نداشت. شروع کردم به قدم زدن و فکر کردن. شب دوباره بگیر و ببندها شروع شد. یکی را آورده بودند وسط بند و چند نفری بامش و لگد و کابل می زدند و یارو با التماس می گفت: «زنیندا... تو رو خدا زنیندا... من کارگرم... زن و بچه دارم... ناقص می شم... شش سرحاله را باید نون بدم... من اون روز خیزر نداشتم تو اون خونه چه خبره... تو حیاط کچکار می کردم... چه میدونستم اون چن نفرن و جلسه دارن؟!»

صدای بچه شیرخواری از ته راهرو شنیده می شد وزنی که ضجه می کشید و صدایش بر صداهای دیگر غلبه می کرد. «بی شرف ها!... بی ناموس ها!... بجای اینکه شیرخشک برای این بچه بیارید... نصفه شی اومید افتانید به چون من!... شرم نمی کنید شماها!... مگه مسلمون نیستید!... من شوهر دارم... هر چقدر می خواید بزیندم!... ولی این کارهای کثیف را با من نکنید!»

کسی مردانه و محکم نزدیک من سرودمی خواند: «در این شب های سنگین دل برای مرگ اهریمن | یخوان ای همسفریامن!... پاسداری شتاب زده نزدیک شو گفت: «این آدم بشونیس!»

یکی دیگر شان آمد گفت: «بیاریدش اتاق تعزیر!» صبح با صدای جیک جیک گنجشک ها و صدای ماشینی که استارت میخورد بیدار شدم. بدنم از رطوبت و سرما خشک شده و پتو با زیر اندازی نداشتم. کمی ورزش کردم. دم ظهر لباس راحتی و دم پایی برایم آوردند. چند روزی از دستگیری ام میگذشت. «قرص» را سالم دفع کرده و نگه داشته بودم. سرش برای حمام صدایمان کردند و رفتیم بیرون به خط

شدیم و چشم بندها را زدیم. هر کس دستش رو شانه جلویی حرکت می کرد. حوله و صابون نداشتم. کمی که رفتم، وسط راه پاسداره گفت: «هش!... اینجا پله ست... پاتو نیولند کنید!» از زیر چشم بند نگاه کردم. پله ای در کار نبود ولی برخی پاهای شان را بلند کرده بودند که یارو پاسداره زد زیر پاهای تو ورودی حمام چشم بندها مان را باز کردیم و فرستادند مان تو پاسداره داد زد: «ده دقیقه... ده دقیقه بیشتر شه، میام با کابل می آرمتون بیرون!» داخل دوش ها شدیم و به دیوار و سقف نگاه کردم. گوشه سقف در بچه ای دیدم که توری داشت ولی تنگ به نظرمی رسید و رفتن تان بالا سخت بود. اما معطل نکردم و از دیوار لوزان و لوله ها بالا رفتم و خودم را به آن رساندم و چنگ انداختم توری را کشیدم پاره کردم. در بچه باز شد و روسرم را بیرون بردم و پشت بام را دیدم. نفس نفسم می زدم و بعد تنم را بزور کشیدم بالا که شانه ها و کتفم زخمی شدند و بیرون نشستم.

نگهبانی دورتر کفم می زد. دور ریشتم بام را سیم خاردار کشیده بودند و خیابان نزدیک بود. نگهبان برگشت. خوابیدم کف زمین و خزیده از بالای سوراخی گشاد خودم را انداختم پایین و او یزان چند لوله گرم شدم. موتورخانه حمام بود و صدایی یک نواخت و ملایم از آن شنیده می شد و نگهبان که برگشت بیرون آمد. سینه خیز حرکت کردم و خودم را رساندم به لب پشت بام. دمپایی و لباسهام را در آوردم انداختم پایین و از لای سیم خاردار ها پریدم تو پیاده رو. بلافاصله لباسهام را پوشیدم و چسبیده به دیوار حرکت کردم. خیابان خلوت و بی تردد بود و چراغی و سطلش سوسو می زد. دورتر ماشینی داشت می پیچید و یاید تو فرعی. سرعت خودم را رساندم بهش و پریدم جلوش. ماشینی نگه داشت. براننده اش متعجب نگاهم کرد و گفت: «از زندان فرار کردی... سیاسی هستی... آگه می شه منو از اینجا دور کنیند!» قلم داشت از جاکنده می شد. براننده سرتا پام را نگاه کرد و دو به شک بود. مانده بود چه بگوید. تنها بود. قیل از اینکه پاسخی بدهد پریدم سوار ماشینش شدم و خواش کردم زودتر حرکت کن. با ترس و لرز نگاه کرد و گفت: «کجا بزم؟! گفتی: «مهم نیست فقط از اینجا دور شهید!» و گاز داد حرکت کرد. نفس راحتی کشیدم. وسط های راه مسیر را بهش گفتم و چیزهایی که در زندان دیده بودم و باحیرت گوش میکرد. نزدیک خانه آشنایی پیاده شدم و با عجله رفتم لباس عوض کردم و شبانه از منطقه دور شدم.

زمرستان ۱۴۰۰

کودکان و بوق ماشین ها را می شنیدم و معلوم بود تو شهریم و خانه مخفی شان است.

تو خانه چند نفر آمدند جلو و تحویل گرفتند «تیم شکار» رفت و در را بستند. دو نفر از چپ و راست گرفتیم و بردیم انداختیم تواتاقی که مثل سلول بود و پنجره هاش را با آجر و سیمان پوشانده بودند.

کت را از رو سرم برداشتم و پای دیوار نشستم و چشم چرخاندم به اطراف. اتاق نیمه تاریک بود و چشم هام که عادت کرده بودم اسکلتی رو بروم نشسته و چشم هاش خیره به من است. وحشت کردم و مات زده نگاهش کردم. دیدم دختر جوانی ست با موهای پریشان و بلند و اندامی لاغر و ضعیف و استخوانی، چپانته نشسته و چند جای لباسش پاره و خونین است.

بی توجه به نگاه او زود یقه کتیم را شکافتم و کلید پایدگی را که همراهم بود، از لای آن بیرون آوردم و انداختم تو سوراخ بخاری دیوار و نشستم سر جابم. بعد ریز شد و دو نفر با صبورتهای آهسته آمدند و دختر را مثل جوجه از زمین بلند کردند و بردند بیرون. با شدم رفتم گوش چسباندم به در که یکی از پاسداران با غیظ تشرمی زد می گفت: «مادر ف... ما رومچل کردی؟! حالا آدرس الکی میدی؟! اصلا تو اون خیابونی که آدرس دادی یه خونه مسکونی نیست... همش مغازه ست... الان نشونت میدیم باکی طرفی!»

صدایی از پایین گفت: «بیاریدش توی زیر زمین...!» یکی شان گفت: «دو سه روزه چیزی نخورده... یه چیزی بدیم بخوره؟! صدای پایینی گفت: «چیزی نمی خواد... دو ساعت دیگه اعدام می شه!» قدم می زدم و فکر بودم وسیعی می کردم سرود میخونم: «ای آزادی | پرپر کردم | قلب خود را | چون گل در میدانها...!» در باز شد و کمی یک لیوان آب و نصف نان آورد گذاشت رفت بیرون. ناشی را خوردم ولی رغبت نکردم آش را بخورم. نیم ساعت بعد آمدند کتیم را انداختند و روسرم و بردیم سوار ماشینم کردند و حرکت کردیم به مرکز شهر. خیابان ها خلوت بود و ماشین تند می رفت. تا رسیدیم به نقطه ای که از درز کتیم دیدم «پادگان سپاه» است و هوا تاریک شده بود. در را باز کردند و از دو طرف گرفتند بردیم تو ساختمان و در توالی جسم کردند.

بیرون سرور صدافت و رفت و آمد زیاد بود و پشت در توالی دو سه نفر جرو بحث می کردند: «کی گفته بود اینو بیاریدش اینجا؟!... جانا نداریم که... هی می گیرید می آید اینجا کجا جاشون بدیم؟!»

«دستور گنجایی... خودش گفته بود تازه واردها را بیارید اینجا!» «بدون هماهنگی که نمیشه... اول باید به ما بگه بعد بیارید!» «مطابق فرمان عمل کردیم». توالی نیمه خراب و بویناک و غیر قابل استفاده بود. گوشه ای ایستادم و به فرافکر می کردم. چند ساعت گذشت و دست و پام گرفته بود و تلاش کردم درجا حرکت و نرمش کنم که از کزختی در آیم. نیمه شب صدای داد و فریاد شنیدم و گوش تیز کردم بیرون از درز تنگ در، تو راهرو را می دیدم. یکی را خرکش کتان آورده بودند وسط راهرو و با کابل و ناسزا گویی می زدند. دختری جوان و کم سن و سال بود ولی از خودش مقاومت نشان میداد و پاسداران را عصبانی کرده بود. آن که ایستاده بود کنار می گفت: «بخدا آگه فیل بود اینقدر کابل خورده بود به حرف اومه بود» پاسداری که می زدش لحظه ای ایستاد و بهم ریخته گفت: «بنیگا که مادر ج... را! نا نداره نفس بکشه ولی یک کلمه حرف نمی زنه! بخدا آگه حرف زنی زیر همین کابل می کشمت! اینقدر می زمنت تا بمیری!... دستور آقاست... گفته بزیندا تا حدرمگ!»

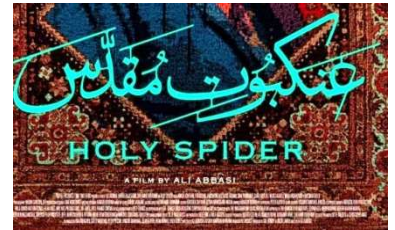
دختر نالید و گفت: «نمی گم... بزیند!» بعد که بیهوش شد و در ندادند آختنش تسو سلول و در را محکم بستند.

نزدیکی های صبح آمدند جابجام کردند و بردیم انداختیم تویک انباری نمور و تاریک که یک در بچه به بیرون داشت. جلودر بچه را با میله های آهنی آرماتور جوش داده بودند ولی آسمان پیدا بود و همین برایم خوشحال کننده بود و رو

رویدادهای هنری ماه (خرداد ۱۴۰۱)

گردآوری و تنظیم: فتح الله کئیاییه

عنکبوت مقدس!



جستجوی تیتیر مناسبی برای این مقدمه لازم نیست، چرا که عنوان "عنکبوت مقدس" خود به تنهایی هر اشاره ای را در شکل و فرم و مضمون نهایی پوشش می دهد. بله، داستان عنکبوت مقدس پرده در "بیت عنکبوت" جمهوری جنون و جنایت اسلامی است، هرچند که چاله دهانه‌های بالماسکه نماز جمعه با هزار نیرنگ و ترفند، موضوع فیلم و نام آن را هدفگیری آرامگاه امام هشتم شیعیان بدانند: ادعایی بی پایه و اساس که با هزار حقه و مصیبت خوانی هم قابل پذیرش و باور نیست. شیادهای تکفیرگو همان دسته ای هستند که سابقه بمب گذاری در آرامگاه امام هشتم شیعیان و به خاک و خون کشیدن زائران آن را با هدف تخریب چهره سازمان مجاهدین خلق در کارنامه زیر بغل دارند. والی خراسان آنها، علم الهدی جنایتکار، آن شهر گویا "مقدس" را به فاحشه خانه ی بزرگی در سطح آسیا تبدیل کرده و "نظام" از قطره قطره ی خون موجود در پیکر نحیف و درهم شکسته زنان بی پناه و برده ی جنسی شده، ارتزاق می کند.

داستان فیلم از یک رویداد واقعی برگرفته شده و شرح جنایات تبهکاری "آتش به اختیار" است که قصد دارد "شهر مقدس مشهد" را از شر - به زعم خویش - فحشا و بی بندوباری رها نیند و در بهشت خداوندی و البته در پاداش جنایتپایش (تجاوز، شکنجه و قتل فجیع شانزه زن بی پناه) مادام العمر از بدن زنان دیگر بهره ببرد، چرا که خدایش این وعده را در بهشت به او داده است. داستان فیلم و نام آن می تواند به خودی خود بینندگان را با خود به عمق لانه عنکبوتی اشباح جنایتکار ببرد و تفکرات ضد بشری و سادیستی این جماعت ماقبل تاریخی را صاف و ساده و روشن و بدون هیچ پیرایه ای بنمایاند. عنکبوت مقدس شاید کامل ترین نام و پر محتوی ترین کلمات برای معرفی حکومتی باشد که این جماعت بر بنیاد این تفکر سامان داده اند.

البته در ورای خبرها، نمایش فیلمی با این روایت در جشنواره های اروپایی اتفاقی نادر و نیک است. تا پیش از این به جز چند نمونه اندک، بیشتر آنچه که بر پرده آنها از سینمای ایران به نمایش در می آمد، ربط زیادی به واقعیت خشن و سیاه ایران و مردمش نداشت و قهرمانان جلی و مجهول الهویه ساخته و پرداخته سینماگران نان به نرخ روز خور بر پرده سفید و فرش قرمز رژه می رفتند. امید که این تغییر پایدار باشد و سینمای واقع گرا و مردم گرای این سرزمین بتواند پس از سالها سرکوب و نادیده گرفته شدن، بیان کننده و نمایش دهنده آلام و دردها و داغهای این سرزمین اسیر در دام عنکبوتهای مقدس شود.

سینما

سینمای انگلیس، تسلیم تند روهای اسلامی



سینمای زنجیره ای "سینه ورلد" در بریتانیا تنها چند روز از اکران فیلم "بانوی بهشت"، نمایش آن را به دنبال تظاهرات گروهی از مسلمانان علیه فیلم لغو کرد. این شرکت پخش و اکران در بیانیه ای گفت این تصمیم را "برای اطمینان از ایمنی کارکنان و مشتریان خود" گرفته است.

"ساجد جاوید"، وزیر بهداشت بریتانیا، در واکنش به حواشی پخش فیلم گفت: "افرادی هستند که فکر می کنند حق دارند مورد توهین قرار نگیرند. هیچکس چنین حقی ندارد. او همچنین در واکنش به اتهام "کفرآمیز" بودن فیلم گفت، هیچ قانونی در باره توهین به مقدسات در بریتانیا وجود ندارد.

جالب است بدانید که سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر (ساترا) وابسته به تلویزیون دولتی ج.ا که اختیارات فراوانی دارد، انتشار این فیلم را در تمام رسانه های صوتی و تصویری ایران ممنوع کرده است. مصر و پاکستان هم نمایش این فیلم را ممنوع کرده اند و شورای مسلمانان بریتانیا، بزرگترین سازمان مسلمانان بریتانیا، نیز این فیلم را "تفرقه انگیز" توصیف کرده است. "بانوی بهشت" یک درام تاریخی درباره زندگی فاطمه، دختر پیامبر اسلام است. فیلم با حمله داعش به عراق آغاز می شود و در باره یک کودک عراقی است که روایت زندگی دختر پیامبر اسلام را از زبان زنی که او را نگه می دارد می شنود.

از کوستا گاوراس قدردانی می شود



کوستا گاوراس، کارگردان مشهور یونانی - فرانسوی، که کارنامه سنگین و وزینی از فیلمهایی چون «زد» و «حکومت نظامی» را زیر بغل دارد، بنا بر گزارش «هالیوود ریپورتر»، در جشنواره "لوکارنو" ۲۰۲۲ و با اهدای جایزه برای یک عمر فعالیت هنری، مورد قدردانی قرار خواهد گرفت.

این کارگردان صاحب سبک با نزدیک به ۶۰ سال سابقه ساخت فیلمهایی با موضوعات سیاسی و اجتماعی، قرار است که ۱۱ آگوست (۲۰ مرداد) در هفتاد و پنجمین دوره این جشنواره سوئیس جایزه اش را دریافت کند. کوستا گاوراس برای تریلر سیاسی "Z"، محصول ۱۹۶۹، شهرتی جهانی یافت. این فیلم به کودتای نظامیان در یونان ۱۹۶۷ پرداخته است و با آن جایزه اسکار بهترین فیلم بین

المللی سال ۱۹۷۰ و اسکار بهترین تدوین را از آن خود کرد. فیلم "گمشده" وی نیز در سال ۱۹۸۲ برنده نخل طلای کن شد. این فیلم درباره دخالت سیا در کودتای شیلی (۱۹۷۳) است و "جک لمون" و "سیسی اسپسک" در آن نقش آفرینی کرده اند. این فیلم نامزد چهار جایزه اسکار شد و در نهایت کوستا گاوراس برای آن جایزه بهترین فیلمنامه اقتباسی را دریافت کرد.

جدیدترین فیلم کوستا گاوراس "بزرگان در اتاق" است که سال ۲۰۱۹ برای اولین بار در جشنواره فیلم ونیز به نمایش درآمد، او در این فیلم مساله ریاضت وحشیانه و تحمیلی اتحادیه اروپا به یونان را پس از فروپاشی مالی سال ۲۰۰۸/۲۰۰۹ به تصویر می کشد.

بیانیه یکصد سینماگر: نیروهای امنیتی سلاح زمین بگذارند و به آغوش ملت بازگردند



بیش از یکصد تن از سینماگران برجسته ایران یکشنبه ۸ خرداد در یک بیانیه کوتاه و اثر گذار از نیروهای امنیتی حکومت خواستند سلاح بر زمین بگذارند و به آغوش ملت بازگردند. در این بیانیه سینماگران نوشته اند:

"فوج خروشان مردم ستمدیده از جای جای ایران، فریاد همراهی و همدلی با مردم دردمند آبادان سر داده اند. اکنون که خشم عمومی از فساد، زدگی، ناکارآمدی، سرکوب و خفقان امواج همبسته ای از اعتراضات مردمی را به دنبال داشته است، از همه ی افرادی که در یگانهای نظامی تبدیل به عامل سرکوب مردم شده اند، می خواهیم سلاحهای خود را زمین گذاشته و به آغوش ملت بازگردند."

از امضاکنندگان این بیانیه می توان به مهناز افصلی، مجید برزرگر، جعفر پناهی، لیلا حاتمی، پوران درخشنده، ابوالحسن داوودی، محمد رسول اف، کتیون ریاحی، مونا زندگی، سامان سالور، علی مصفا و تهمنه میلانی اشاره کرد.

ما هنوز زنده ایم و شما را مجبور می کنیم

تفنگهایتان را زمین بگذارید

این پیامی است که هفتاد سینماگر دیگر در پاسخ به تهدید و ارباب جمهوری اسلامی داده اند. با وجود فشارهای حکومت به امضاکنندگان بیانیه "تفنگ را زمین بگذار"، بیش از ۷۰ تن دیگر از سینماگران به امضاکنندگان این بیانیه پیوستند.

این بیانیه به سرکوب مردم آبادان و دیگر شهرهای ایران اعتراض کرده و از نیروهای نظامی خواسته است تفنگهای خود را بر زمین بگذارند و بیش از این به سرکوب مردم دست نزنند.

محمد رسول اف، سینماگر پیشروی ایرانی، ضمن اعلام این خبر در توئیتر خود، اسامی امضاکنندگان جدید این بیانیه را به شرح زیر اعلام کرده است:

شهاب آب روشن، فرهنگ آدمیت، کاوه آهنگر، پگاه آهنگرانی، کیارش اسدی زاده، جمال اسکویی، نیما اقلیما،

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۲

مصطفی امامی، نگین امین زاده، پریسا پروین نیا، مجید پیل افکن، علی تاجیک، هانیه توسلی، رقیه توکلی، پوریا جاویدپور، فریبا جدیکار، مرتضی جذاب، امین جعفری، زهرا جعفری، علی ملک، علی اصغر حصار، مانی حقیقی، علی درخشنده، شاهرخ دستورتبار، امیرحسین دیباج، طاها ذاکر، نیما رئیسی، حامد رجبی، عاطفه رحمانی، محمد رسولی، مهدی رضایی، مهرداد زاهدیان، محمد سلمانی، سونیا سنجری، رضا شاد، نائله شریفی، بابک صلواتی، ساغر صنایع زیبا، ایما صنایع زیبا، نوید صولتی، شاهین طاهر، فائزه عزیزخانی، عطیه عطارزاده، ترنا علیدوستی، نازنین فراهانی، احسان فولادی فرد، علی قاضی، مهدی قربان پور، علی قنبری، مرتضا قیدی، محمدرضا کارکوش، سیامک کاشف آذر، مسعود کرامتی، مهران کلنگ دار، مسعود کیمیایی، مجید گرجیان، علی گل صباحی، کریم لک زاده، محمد مجلل، ایرج محمدی رزینی، روح الله مسرور، هادی معنوی پور، میترا مهترینان، پویا مهدوی زاده، احسان میرحسینی، حمید ناصری مقدم، عارف نامور، اعظم نجفیان، پوریا نوری، مرضیه وفامهر، بردیا یادگاری و مجید یزدانی.

زر ابراهیمی برنده بهترین بازیگر زن و نخل طلا برای مثلث اندوه



زر امیرابراهیمی در جشنواره کن برای بازی در فیلم "عنکبوت مقدس" به عنوان بهترین بازیگر زن شناخته شد. او هنگام دریافت جایزه از عشق به وطنش ایران گفت و از قربانیان حادثه متروپول آبادان یاد کرد: "دل من با آبادانه، دل من با گوشه و کنار خاک ایرانه، من اینجام، اما دلیم با زنان و مردان ایرانه."

در این جشنواره بین المللی، فیلم "مثلث اندوه" ساخته روین اوستلوند "نخل طلای کن را در آغوش گرفت. جایزه بزرگ داوران به صورت مشترک به "کلر دنی" فرانسوی برای فیلم "ستارگان ظهرگاهی" و "لوکاس دونت" بلژیکی برای فیلم "نزدیک" رسید.

جایزه ویژه داوران هم به صورت مشترک به دو فیلم "تو" اثر "جرزی اسکولومفسکی" و "هشت کوه" ساخته "شارلوت واندرمرش" و "فلیکس ون گروفینگن" اهدا شد.

جایزه بزرگ هفتاد و پنجمین دوره جشنواره را فیلمسازان بلژیکی "زان پیر" و "لوک داردن" برای فیلم "لوکیتا و توری" از آن خود کردند.

فستیوال فیلمهای ایرانی در کلن

نهمین فستیوال فیلمهای ایرانی در کلن با تمرکز بر فیلمسازان زن برگزار شد. به گفته برگزارکنندگان این فستیوال، فیلمها به گونه ای انتخاب شدند که تمام "ابعاد واقعی زندگی مردم ایران" در آنها نشان داده شود.

در این جشنواره هشت فیلم کوتاه از فیلمسازان زن ایرانی نیز به نمایش درآمد. دو فیلم مستند از کارگردانان زن ایرانی نیز در این فستیوال حضور داشت؛ "دختر



نچار" ساخته آزاده بیزارگیتی و "من سعی می کنم فراموش نکنم" ساخته پگاه آهنگرانی.

مستند "دختر نچار" که مستقیماً به مشکل اشتغال زنان در ایران می پردازد، زندگی دو خواهر را روایت می کند که سعی می کنند با وجود مشکلات سنتی و قانونی در شهر خود حرفه نجاری را ادامه دهند.

مستند "من سعی می کنم فراموش نکنم" نیز روایتی در مورد کشته شدگان اعدامهای دهه ۶۰ در ایران است که در آن سعی شده به موضوع نادیده شدن هزاران فعال سیاسی در آن سالهای ایران پردازد.

لازم به ذکر است که بر اساس خبری از "ایسنا" هم اینک خانم پگاه آهنگرانی ممنوع الخروج شده است. خانم آهنگرانی در این مورد گفته است که این اتفاق به دلیل پرونده ای است که بعد از حوادث ۸۸ در قوه قضاییه داشته که به موجب آن به ۱۸ ماه حبس تعزیری محکوم شده بود و به نظر می رسد با تغییرات اخیر در قوه قضاییه، اکنون حکم در پروسه اجرا قرار گرفته است.

موسیقی

"شوستاکوویچ، وجدان موسیقایی انقلاب اکتبر"



نام کتابی است از "الن وود" با ترجمه شیرین میرزا نژاد که در آن به سیر و کنکاش در زندگی شوستاکوویچ می پردازد.

شوستاکوویچ در روز ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۶ در سن پترزبورگ به دنیا آمد و در ۹ اوت ۱۹۷۵ در مسکو درگذشت. بنابراین زندگی او انقلاب اکتبر، جنگ داخلی و دو جنگ جهانی را دربر می گیرد و همچنین دهشتهای استالینیسیم که مسیر زندگی او را به کلی تغییر داد، همچنان که سرنوشت سرزمین اکتبر را تغییر داد و رویاها و آرزوهایی را که با انقلاب بلشویکی برانگیخته شده بود، زیر پا له کرد.

انقلاب اکتبر فصل تازه ای از تاریخ را گشود و راه نوینی به بشریت آستمار زده و استعمار شده نشان داد. چنین رویدادهای عظیمی، موسیقی ای در مقیاسی همانند را می طلبد که در سمفونیهای قدرتمند شوستاکوویچ طنین درخوری یافت.

هنرمندان نمی توانند از زندگی جدا بمانند، حتی اگر چنین بخواهند. شوستاکوویچ بی تردید چنین نمی خواست. در پس ظاهر بیرونی فردی خجالتی و گوشه گیر که از پشت عینکش پلک می زد، شخصیتی بسیار شجاع و منعطف قرار داشت؛ مردی که مصمم بود کاری کند تا به هر قیمتی که شده صدایش شنیده شود و در این راه خطرات بزرگی را به جان خرید.

باوجود تمام تلاشها برای کوچک شمردن این آهنگساز بزرگ و تحریف باورها و اهداف واقعی اش به دلایل گوناگون، تاریخ اعتبار او را به عنوان یکی از بزرگ ترین آهنگسازان قرن بیستم ثابت خواهد کرد، به عنوان شخصیتی قهرمان و تراژیک که برای آیندگان تاثیرگذارترین دستاورد حقیقی تاریخ دورانی را که در آن زندگی، خلق و مبارزه می کرد، به جای گذاشت.

خبرهای کوتاه ادبی

نمایشگاه کتاب "تهران بدون سانسور" در هلند برگزار شد. در این نمایشگاه که پس از دو سال وقفه در پی شیوع کرونا برگزار می شد، نشرهای "دنا"، "باران"، "روناک"، "فروغ"، "آسو" و "عقل سرخ" شرکت داشتند. منصوره شجاعی، فعال حقوق زنان، برای پی نمایشگاه کتاب تهران بدون سانسور از نوعی بدیل سازی از نمایشگاه کتاب تهران توصیف کرد و آن را رویدادی مهم برای فارسی زبانان ساکن اروپا دانست. او همچنین کیفیت، محتوی، شکل ظاهری و نحوه عرضه کتاب را از مهم ترین عوامل جذب مخاطب عنوان کرد.

این نمایشگاه که مورد استقبال فارسی زبانان هلند واقع شد، از سوم تا پنجم ماه ژوئن در سه شهر "لیدن"، "روتتردام" و "اوترخت" برپا بود.

کتاب "فهم سوسیالیسم" نوشته "ریچارد د. ولف" با ترجمه فرهاد اکبرزاده از سوی "نشر نون" منتشر شد. این کتاب دارای شش فصل به ترتیب با این عناوین است: "یک تاریخچه مختصر؛ چگونه سوسیالیسم به اینجا و اکنون رسید"، "سوسیالیسم چیست؟"، "سرمایه داری و سوسیالیسم؛ مبارزات و گذارها"، "روسیه و چین: آزمونهای مهم در ساختن سوسیالیسم"، "دو پاکسازی ضد سوسیالیستی: فاشیسم و پادکمونیسیم" و "آینده سوسیالیسم و تعاونیهای کارگری".

همچنین کتاب "فهم سوسیالیسم" دارای دو پیوست به نامهای "گل سرخ به عنوان نماد سوسیالیسم" و "درباره دموکراسی در کار" نیز می باشد.

کتاب "یادداشتهای زندان" و "انفرادیه ها" از رضا خندان مهابادی منتشر شد. در این آثار رضا خندان مهابادی خواننده را با ماهیت سانسور و اختناق و زندان و سلول انفرادی آشنا می کند. متن او نه با فاصله از فضا، بلکه در خود همان فضا شکل گرفته و توصیف کننده روابط بین فردی و سیستمهای معنا شناختی در داخل سلول انفرادی است.

اسد رخساریان، شاعر و مترجم ایرانی ساکن سوئد، کتاب جدیدی به نام "سبکی خنده، سنگینی اندوه فراموشی" منتشر کرده است. ناشر این کتاب، انتشارات "ارزان" در شهر استکهلم است.

(منابع: رادیو زمانه، بی بی سی، مهر، جنگ خبر، دوپچه وله، صفحه فیس بوک مهرداد خامنه ای)



آن هیاهو و این سکوت چرا؟

منصور امان

قتل ماه

م. وحیدی (م. صبح)

پایان من کجاست؟
بر نقشینه درختی
میان سایه و آفتاب
و پیشانی تندی
پاشیده در رایحه غروب
بر آرامگاهم
که آمدی
ماه را نقاشی کن!
تکه های من
مهربانی ست
که رود را
نشان می دهد

نقاب

م. وحیدی (م. صبح)

آفتاب تنگ می بارد
از نیزه آهنین
بر اجساد
که از پا افتاده اند
و مورچگان صحرا
که از پشت گردن شان
تغذیه می کنند
دریغ!
از خیابانی
که موریانه خورده ست
و کلاغها
بر سرم نشسته اند
کجاوه ها
در هرم آفتاب
آتش می گیرند

رفتار دوگانه سه طیف یاد شده با سخنرانیهای خانم مریم رجوی و آقای رضا پهلوی فقط یک سند افشاگرانه از وابستگیها و دل بستگیهای عاملانش نیست، همچنین فقط سنگ محک نبود تا آشکار کند عیار شعارها و استدلالهایی که سال پیش کمپین مشترک آنها بر پایه اش بنا شده بود، تا چه میزان نازل بوده و در اساس ساختگی است. فراتر از این، آن هیاهو و این سکوت مرزهای روشنی که در جبهه عمومی نبرد با رژیم ولایت فقیه، بین دو قطب توده و حاکمیت وجود دارد و آفقیهای در پهنه دموکراسی و استبداد که نیروهای وابسته به هر جبهه به سمت آن رواند را پر رنگ تر و واضح تر کرد.

گرانه راست سلطنت طلب در این پهنه، سند دیگری از این واقعیت است که استبداد، فقط یک اندیشه سیاسی منحط نیست، بلکه در عرصه اجتماعی دارای فرهنگ ویژه خود نیز هست که به همان انداز فاسد و ضد اجتماعی است. جماعت دیگری هم هستند که در رنگ و لعاب سرخ آبی ظاهر می شوند. آنها ولی بی تکلیفند و برخلاف همسایه دیوار به دیوارشان یعنی راست زنجیری، دستور کار روشنی ندارند. اینان "چپ" های فصلی و دوره گردی هستند که یکروز بساط شان را با آب و تاب جلوی درب فلان تلویزیون پهن می کنند و روز بعد که هیاهو خوابید، به سرگرمی دیگری می پردازند و در کل فراموش می کنند که چه گفته اند و چه استدلالی آورده اند. گنده گویی در تئوری و شلختگی در پراتیک در دسر بزرگی است که برای مثال در بزنگاهی مثل سخنرانی آقای رضا پهلوی باعث کشف حجاب از مدعیان و آبروریزی می شود.

علت خاموشی دسته سوم یعنی نیروهای صادراتی روشن است. آنها که گاه خود را "اصلاح طلب" و گاه "مستقل" معرفی می کنند، یک پای رسانه های دولتی و نیمه دولتی خارج کشور هستند یا حتی آنجا پست و مقامی دارند و حقوق مضاعف می گیرند. اینان به همین دلیل فقط وقتی به رسانه "خودی" لنگ و لگد می اندازند و غده نقدشان آبسه می کند که پای مصالح عالی در میان باشد. برای آنها خطر شازده ی واشنگتن قابل مقایسه با مجاهدین خلق و مقاومت ایران نیست، بنابراین قضیه او را با سکوت مصلحت آمیز رفع و رجوع می کنند، در حالیکه در مورد خانم رجوی خونشان به چوش می آید، ترس هجوم می آورد و آنها را پابرهنه و چماق چرخان وارد میدان می کند. اما مستقل از مقتضیات مصلحتی، رفتار اینان در چارچوب تاکتیک شناخته شده رژیم ج.ا علیه خیزشها و جنبشهای اعتراضی قرار دارد. حاکمیت تلاش می کند به مردم بپاخاسته برای آزادی و عدالت القا کند که تنها آلترناتیو رژیم ج.ا، بازگشت به عقب و دوران پهلوی است و در این راه به بادکنک "رضا شاه، روح شاد" می دمد و آن را گواه می گیرد که مسیر اعتراضات و سرنگونی به بارگاه سلطنت ختم می شود. حاکمیت به جامعه می گوید در بن بست گام می زند و فراسوی "نظام" نه عدالت و آزادی، که رژیم پهلوی به انتظارش نشسته است. بنابراین رنج بیهوده نبرد، به خانه برود و به داشته و نداشته هایش رضایت دهد.

آقای رضا پهلوی - ناخواسته - یکی از اجزای این طرح دفاعی است و حاکمیت از وی به مثابه نیروی کشنده کارزار فریب خود استفاده می کند. از این زاویه، "نظام" از پخش هماهنگ سخنرانی او در چند تلویزیون ماهواره ای رسمی و نیمه رسمی، بیش از آنکه زیان ببیند، سود می برد و آن را دستمایه تبلیغات خود می کند. سخنران آقای خامنه ای بی درنگ پس از کنفرانس "شاهزاده" که در آن نسبت به بازگشت خاندان پهلوی هشدار داد و برای اثبات جعلیاتش چند مثال تاریخی بی ربط نیز آورد، بهترین گواه این مناسبات است. بدیهی است از آنجا که نیروهای صادراتی در رسانه های خارج کشوری بخشی از کارزار حاکمیت هستند، انگیزه ای برای دست زدن به تحرکاتی از جنس آنچه که سال گذشته با شور و حرارت بدان اشتغال داشتند، ندارند. آنها ادامه کارزارهای حکومتی هستند با وسایل دیگر، عده ای شان به گونه غیر مستقیم و از آن رو که خواهان حفظ وضع موجود هستند و برای آن و علیه تغییرات بنیادی تلاش می کنند و دسته ای نیز به گونه بی واسطه و از آن جهت که سر در آخور حاکمیت دارند.

براستی آنهایی که دو سال گذشته در همین ایام فریاد و فغان شان بلند شده بود که چرا یک تلویزیون خارج کشوری سخنرانی خانم مریم رجوی را بطور زنده پخش کرده است، چرا در مورد پخش زنده سخنرانی آقای رضا پهلوی در یکی از همان منابع سکوت کرده اند؟ هنوز از یادها نرفته که یک دسته از این جماعت رنگارنگ با دلسوزی برای "دموکراسی و سکولاریسم" و دسته دیگر با رو کردن کارت نمایندگی از "مردم ایران" چگونه در شبکه های اجتماعی به راه افتاده بودند و علیه این رویداد رسانه ای گاه با سخیف ترین اشکال و گاه با ادبیات چاله میدانی معرکه می گرفتند.

لازم به تاکید نیست که حق نشر، پخش، دیده و شنیده شدن همه کسانی که حرفی برای گفتن دارند، گذشته از آنکه مضمون آن چه باشد و تا جایی که در تعارض با حقوق دیگران قرار نگرفته باشد، یک حق پایه ای و چشم پوشی ناپذیر است. رسانه ها حق دارند این امر را با پخش سخنان این یا آن فرد مادی کنند و منتقدان هم حق دارند به سخنان آن فرد، چارچوب یا پشت پرده اش واکنش نشان دهند. درخواست بایکوت، سانسور و حذف به روشنی پایمال کننده حق یاد شده است و از مناسباتی دفاع می کند که پیش شرط ضروری برقراری و بقای آن، بستن دهانها و بریدن زبانها است. رژیمهای شاه و شیخ نماد مادیت یافته ای از این مناسبات هستند، همچنانکه رفتار و رویکرد وابستگان و عوامل آنها نشان داد.

آنچنان که آشکار گردید، حرکات طیف پُر هیاهوی دو سال گذشته از پشتیبانی "صمیمانه" نیروهای سایبری ج.ا و دستگاههای اطلاعاتی برخوردار بود که گاه در نقش مخالفان رژیم و گاه در لباس اصلی بر طبل جنجال و تخریب می کوفتند. همزمان رسانه های رسمی حکومت فعالانه به بازتاب تحرکات در این باره اشتغال داشتند و از آن به عنوان منبعی برای تغذیه، پرور کردن سیاست لجن مالی مخالفان و پروپاگاندای کثیف اطلاعاتی سود می جستند. جالب اینجاست که هیچیک از سینه چاکان "وطن دوست"، "دموکرات"، "نگران" و جز آن کوچکترین تلاشی برای جدا کردن حساب خود از طیف رژیم ج.ا به عمل نیاورد. عده ای به دلیل بی قیدی و پی مسوولیتی مزمن و بخش دیگر از آن رو که در امر مبارزه و حذف نیروهای های مدافع تحولات دموکراتیک و رادیکال با رژیم ج.ا منافع مشترکی دارند و به خوبی می توانند با آن همصدا شده و در یک جبهه قرار بگیرند

امروز اما از این سوپر دموکراتهای مُتَش خبری نیست. کسی از آنها به پخش سخنرانی "شاهزاده" اعتراض نمی کند، علیه این یا آن تلویزیون خطابه نمی نویسد، کمپین به راه نمی اندازد، توطئه ای کشف نمی کند و چاک دهانش را به فحاشی نمی کشاید. معنای این سکوت چیست و به وسیله آن چه چیزی گفته می شود؟ تکلیف دسته ای که پهلوی چی هستند، روشن است؛ از نگاه آنها حق حضور در تریبونهای رسانه ای برای "خودپها" محفوظ است و "غیرخودپها" - به سیاق ایام خوش گذشته - دیدن و شنیدشان ممنوع است. آنها در کردار سیاسی مبلغ امتیازاتی هستند که نظم استبدادی می دهد و مدافع بی پرده حقوقی هستند که سلب می کند. از گذشته سیاه شان چیزی یاد نگرفته اند و همچنان تنها ابزارشان برای قولاندن خود به دیگران، سانسور، فحاشی، افترا زنی و شائناژ است. فضای مطلوب اینان برای فعالیت و ابراز وجود، اختناق ناب است و از آنجا که پس از سرنگونی ۵۷ فاقد سخت افزار لازم برای تامین آن هستند، به گونه نرم افزاری و به طور عمده از طریق ایجاد گروههای فشار در شبکه های اجتماعی برای حاکم کردنش تلاش می کنند. فعالیت اوباش

چالشهای معلمان (خرداد ۱۴۰۱)

فرنگیس باقره

ایرج راهنما فعال صنفی معلمان فارس بازداشت شد

روز یکشنبه ۸ خرداد، ایرج راهنما فعال صنفی معلمان استان فارس، توسط نیروهای امنیتی در شیراز بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. ماموران ضمن تفتیش منزل، شماری از وسایل شخصی او را ضبط کرده و با خود بردند. ایرج راهنما نائب رئیس انجمن صنفی معلمان استان فارس است.

رسول بدافی به ۵ سال حبس محکوم شد

محکومیت رسول بدافی، بازرس کانون صنفی معلمان و عضو شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران عینا تایید شد. وی پیشتر توسط دادگاه انقلاب تهران به تحمل ۵ سال حبس، ممنوعیت خروج از کشور و منع اقامت در تهران و تمام استانهای هم جوار به مدت ۲ سال محکوم شده بود. با اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مجازات اشد یعنی ۴ سال حبس در خصوص وی قابل اجرا است.

براساس حکمی که روز چهارشنبه ۱۱ خرداد به رامین صفرنیا، وکیل مدافع او ابلاغ شده است؛ آقای بدافی از بابت اتهام "اجتماع و تبانی" به ۴ سال حبس و به اتهام "فعالیتهای تبلیغی علیه نظام" به تحمل ۱ سال حبس محکوم شده است.

جبار دوستی در مریوان بازداشت شد

روز سه شنبه ۱۷ خرداد، جبار دوستی از اعضای هیات مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. ماموران امنیتی ضمن تفتیش منزل وی، برخی از وسایل شخصی از جمله لپ تاپ و تلفن همراه او را ضبط کرده و با خود بردند.

شعبان محمدی و مسعود نیکخواه به زندان اوین منتقل شدند

شامگاه شنبه ۱۴ خرداد، شعبان محمدی، فعال صنفی معلمان طی یک تماس تلفنی از انتقال خود و مسعود نیکخواه به زندان اوین خبر داد. این تماس تلفنی با دخالت نیروهای امنیتی نیمه تمام ماند و اجازه گفتن بند محل نگهداری به او داده نشده است. چندی پیش تلویزیون دولتی با انتشار گزارشی بازداشت دو تبعه فرانسوی را به تجمعات اعتراضی اخیر معلمان در کشور نسبت داده و اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه، شعبان محمدی و رسول بدافی، از فعالان صنفی معلمان را با این دو نفر مرتبط دانسته بود. گزارشی که با واکنش فعالان صنفی معلمان و انتشار چندین بیانیه از سوی آنان در محکومیت این اقدام مواجه شد.

بهنام محمدی در شیراز بازداشت شد



روز یکشنبه ۲۲ خرداد، بهنام محمدی، فعال صنفی معلمان اهل شیراز توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

دانش آموزان بازمانده از تحصیل در سیستان و بلوچستان

مدیر کل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان از وجود ۴۲ هزار دانش آموز بازمانده از تحصیل در این استان خبر داد.

روز چهارشنبه ۲۵ خرداد، حسینعلی میرعبدی با بیان اینکه ۴۲ هزار بازمانده از تحصیل یکی از چالشهای اساسی آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان است، اظهار داشت: "عوامل متعددی در فرآیند بازمانده شدن از تحصیل در سیستان و بلوچستان موثر است که می توان به فقر فرهنگی و اقتصادی، کودکان کار، پراکندگی و سخت گذر بودن مناطق و روستاها اشاره کرد."

میرعبدی سرانه فضای آموزشی استان را به ازای هر دانش آموز ۳.۲ متر مربع عنوان کرد و گفت: "در سال تحصیلی گذشته ۸۵۰ هزار دانش آموز در استان مشغول به تحصیل بودند و در سال تحصیلی جدید نیز با ثبت نام بیش از ۱۱۲ هزار نفر روبرو خواهیم بود که ۹۲ هزار نفر آنان موالید سال ۱۳۹۵ هستند."

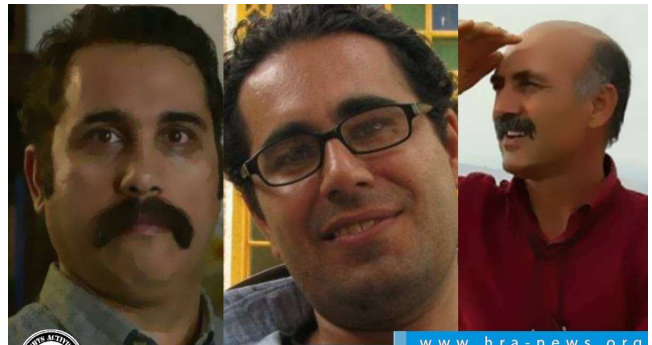
بقیه در صفحه ۱۶

احضار پنج فعال صنفی معلمان در رشت

تیمور باقری کودکانی، تهماسب سهرابی و انوش عادلای اعضای هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان گیلان و بدالله بهارستانی و غلامرضا اکبر زاده باغبان از فعالان صنفی معلمان گیلان طی ابلاغیه ای به شعبه ۳ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب رشت احضار شدند.

طی این ابلاغیه از این فعالان خواسته شده تا ظرف مدت ۵ روز جهت دفاع از خود در خصوص اتهام انتسابی به شعبه ۳ مراجعه کنند. اتهام مطروحه علیه این معلمان تبلیغ علیه نظام است.

تداوم بازداشت و بلاتکلیفی سه فعال صنفی معلمان



جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی و رسول بدافی به بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شدند
www.hra-news.org
روز سه شنبه ۲۴ خرداد، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی و رسول بدافی سه تن از فعالان صنفی معلمان به سلول های انفرادی بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شدند.

محمد حبیبی، رسول بدافی و جعفر ابراهیمی، فعالان صنفی فرهنگی کماکان در بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین، در بلاتکلیفی بسر می برند. آنان روز شنبه ۱۰ اردیبهشت توسط ماموران وزارت اطلاعات بازداشت شدند. این فعالان صنفی هم اکنون به صورت جدا از هم در اتاقهای عمومی که هر یک حدودا ۱۴ تا ۲۰ زندانی از جمله متهمان غیرعقیدتی را در خود جای داده در بند ۲۰۹ زندان اوین نگهداری می شوند و کماکان از حق دسترسی به وکیل محروم هستند.

به گفته یک منبع نزدیک به خانواده محمد حبیبی گفت: وی روز یکشنبه اول خرداد با خانواده خود تماس تلفنی داشته و با وجود اتمام بازجوییها کماکان با صدور قرار برای آزادی موقت او موافقت نشده است.

گزارشی از تداوم بازداشت سه فعال صنفی در سندج

شعبان محمدی، اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه، فعالان صنفی معلمان در بازداشتگاه ستاد خبری اداره اطلاعات سندج در بازداشت و بلاتکلیفی بسر می برند. یک منبع نزدیک به خانواده این شهروندان در روز سه شنبه ۳ خرداد گفت: آقای لطفی و محمدی در تماس تلفنی با خانواده خود گفته اند که اتهامات مطروحه به هیچ عنوان درست نیست و در بازجوییها نیز موکدا از پذیرش آن خودداری کرده اند. به گفته این منبع مطلع، خانواده این زندانیان بارها به مقامات مسئول از جمله دادستان سندج مراجعه کرده و خواهان صدور قرار وثیقه در خصوص آنان شده اند. اسکندر لطفی، فعال صنفی معلمان و بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان پیشتر نیز به واسطه فعالیتهای خود سابقه بازداشت و محکومیت دارد.

ممانعت از آزادی جعفر ابراهیمی با دخالت وزارت اطلاعات

با وجود صدور دستور و تودیع قرار وثیقه مبنی بر آزادی جعفر ابراهیمی، معلم و عضو کانون صنفی معلمان تهران، در پی کارشکنی ماموران وزارت اطلاعات از آزادی وی ممانعت به عمل آمده است. این فعال صنفی روز شنبه ۱۰ اردیبهشت توسط ماموران وزارت اطلاعات بازداشت شد و قرار بود که روز دوشنبه ۹ خرداد، با تودیع قرار از بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین آزاد شود.

در آستانه هفته معلم شماری از فعالان صنفی توسط نهادهای امنیتی احضار و تعدادی نیز بازداشت شدند. روز یکشنبه ۱۱ اردیبهشت معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته کشور در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل ادارات آموزش و پرورش در بیش از ۴۰ شهر دست به تجمع زده و شماری از فعالان صنفی نیز بازداشت شدند.

چالشهای معلمان

بقیه از صفحه ۱۵

حرکتهای اعتراضی معلمان

تجمع معلمان و فرهنگیان شهرستان مریوان



دورود، نجف آباد، اراک، کامیاران، دیواندره و جلفا، مقابل ساختمان اداره آموزش و پرورش شهرهای خود، دست به تجمع اعتراضی زدند. نیروهای امنیتی، با حضور یر رنگ خود مقابل ساختمان، مجلس، مانع از شکل گیری تجمع و اعتراض معلمان ساکن در تهران شدند. همچنین تجمع فرهنگیان در شهرهای سقز و سنندج، با حضور گسترده نیروهای امنیتی همراه بود. تجمع معلمان اهواز با خواندن دسته جمعی شعر شورانگیز و انقلابی؛ زیر بار ستم نمی کنیم زندگی / می کنیم جان فدا در ره آزادی / وای بر این بندگی، وای بر این بندگی، همراه بود.

روز دوشنبه ۹ خرداد، جمعی از معلمان و فرهنگیان شهرستان مریوان در اعتراض به تداوم بازداشت اسکندر لطفی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه مقابل ساختمان دادگستری این شهرستان دست به تجمع اعتراضی زدند. انجمن صنفی معلمان کردستان مریوان نیز در این تجمع بیانیه ای را منتشر و هرگونه پرونده سازی و سناریو سازی امنیتی برای اسکندر لطفی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه و بی توجهی و انحراف مطالبات صنفی فرهنگیان را محکوم به شکست دانسته است.

تجمع معلمان سنندج

روز سه شنبه ۱۰ خرداد، شماری از معلمان سنندج با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل اداره آموزش و پرورش این شهر خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. معلمان معترض طی این تجمع شعار "معلم زندانی آزاد باید گردد" سر دادند.

تجمع فرهنگیان بخش نشتا در ساری

روز شنبه ۲۱ خرداد، گروهی از فرهنگیان بخش نشتا از توابع شهرستان تنکابن، مقابل ساختمان دادگاه تجدیدنظر استان مازندران واقع در ساری، دست به تجمع اعتراضی زدند.

فرهنگیان معترض گفتند که حقوق بیش از ۱۵۰ نفر از فرهنگیان این بخش از طریق "شرکت مدنی فرهنگ" و زمین خواران در حال پامال شدن است و از ریاست دادگاه تجدیدنظر استان خواستند که به پرونده زمین خواری مذکور ورود کرده و با متخلفان برخورد کند.

تجمع مربیان آموزش فنی و حرفه ای استان البرز

روز شنبه ۲۱ خرداد، شماری از کارکنان و مربیان اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان البرز، در محوطه این اداره واقع در کرج، دست به تجمع زدند. این شهروندان نسبت به سطح نازل دریافتی ها و در موازات آن وضعیت نامناسب معیشتی خود اعتراض کردند.

تجمع معلمان پیش دبستانی در اهواز

روز دوشنبه ۲۳ خرداد، شماری از مربیان پیش دبستانی استان خوزستان مقابل ساختمان اداره کل آموزش و پرورش، این استان، واقع در اهواز تجمع کردند. مربیان در این تجمع با سر دادن شعارهایی خواستار استخدام و تعیین تکلیف خود شدند.

تجمع معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته دستکم در ۳۷ شهر

روز پنجشنبه ۲۶ خرداد، در پی فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، اعتراض سراسری معلمان شاغل و بازنشسته سراسر کشور در بسیاری از شهرهای ایران شکل گرفت.

معلمان شاغل و بازنشسته در شهرهای مختلف کشور از جمله یاسوج، دلفان، خرم آباد، مریوان، ساری، شهرکرد، زنجان، اردبیل، الیگودرز، رشت، اهواز، کرمانشاه، ملایر، بابل، رضوانشهر، هرسین، بیجار، آبدانان، اسلام آباد غرب، مرند، سردشت، کرج، اندیمشک، همدان، کاشمر، خمینی شهر، سنندج، بوکان، سقز و زیویه، ارومیه، یزد، اصفهان، بندرعباس، شازند، بجنورد، قزوین، شیراز، نورآباد مسمی، لاهیجان،



برخی از شعارهای معترضان

به شرف دروغگو حاصل وعده هات تو
ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه
هر چی بلا کشیدیم از اون بالا کشیدیم
معلم زندانی آزاد باید گردد
مخبر! حیا کن! ریاستو رها کن!
دروغگو حاصل وعده ها کو
مرگ بر رئیس
معلم بیا خیز برای رفع تبعیض
حسین حسین شعارتون دروغ و دزدی کارتون
تبعیضهای دولتی سر منشأ فساد
با اینهمه هیاهو حاصل وعده هات کو
ظلم و ستم کافیه سفره ما خالیه
زندانی سیاسی آزاد باید گردد

تجمع معلمان و خانواده فرهنگیان بازداشتی در سقز

روز یکشنبه ۲۹ خرداد، جمعی از معلمان و خانواده فرهنگیان بازداشتی مقابل دادگاه شهر سقز در اعتراض به تداوم بازداشت و بی خبری از وضعیت فعالان صنفی بازداشت شده تجمع کردند. تجمع کنندگان خواستار روشن شدن وضعیت معلمان بازداشتی شدند.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، هرا، کردپا، ایرنا، اتحادیه آزاد کارگران ایران، شورای بازنشستگان ایران)

کارورزان سلامت (خرداد ۱۴۰۱)

امید برهانی

مجوز استخدامی از سازمان امور استخدامی کشور می توان با استخدام نیروهای جدید سازمان نظام پرستاری و تبدیل وضعیت پرستاران این مشکل را حل کرد.

زنگ خطر شیوع انواع بیماریهای مزمن به گوش می رسد

یکشنبه ۸ خرداد، معاون پرستاری وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با بیان اینکه این روزها زنگ خطر شیوع زیاد فشار خون بالا، دیابت و انواع بیماریهای مزمن در کنار سالمند شدن جمعیت و کاهش جمعیت جوان کشور بلندتر به گوش می رسد، گفت: در حال حاضر بالغ بر ۸ میلیون سالمند در کشور داریم که بیش از یک و نیم میلیون نفر آنها بیش از دو بیماری مزمن دارند و شاید بیش از ۱۰۰ قلم دارو در روز برای کنترل بیماریهای خود مصرف می کنند. در حالی دچار این شرایط هستیم که تلاش جدی و سازمان یافته ای برای کنترل اضافه وزن، دیابت و فشار خون بالا وجود ندارد. دکتر عباس عبادی در هفتاد و نهمین اجلاس مدیران پرستاری کشور که در محل مجتمع شهدای سلامت مشهد برگزار شد، شعار و سرلوحه کار وزارت بهداشت در دولت سیزدهم عدالت و تعالی است. عدالت به معنی دسترسی آسان و ارزان به خدمات با کیفیت در اسرع وقت برای همگان است. بر اساس قانون اساسی، سلامت و امنیت بخشی از مطالبات مردم و از وظایف حاکمیت است؛ بنابراین دولت سیزدهم که با شعار عدالت با به عرصه گذاشت در نظام سلامت و در کنار پرستاران و مردم در این مسیر گام بر خواهد داشت.

کارانه های پرستاران آب رفت! هیچ تضمینی برای بهبود شرایط نیست



بنا بر گزارشی که روز پنجشنبه ۱۲ خرداد پوشش رسانه ای داشت، دولت، اذعان عمومی را با پرداخت «حق کرونا» به پرستاران فریب داده درحالی که حق کرونا، در واقع همان کارانه ای بوده که علاوه بر «حق کرونا» باید پرداخت می شده اما حالا این حق موظف، به ازای دریافت «حق کرونا»، قربانی گروکشی شده است.

چند روز پس از تصویب آییننامه اجرایی قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری در هیات وزیران، معاون پرستاری وزارت بهداشت وعده داد که به دنبال اختصاص ردیف اعتباری جداگانه ۵ هزار میلیارد تومانی در بودجه ۱۴۰۱ برای اجرای این قانون، جامعه پرستاران کشور بعد از انتظار ۱۵ ساله، در آینده نزدیک شاهد تاثیرات اجرای این قانون خواهد بود.

طبق گفته معاون پرستاری وزارت بهداشت، اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری، طی ۱۵ سال گذشته دچار فراز و فرود بوده، اما سوال مهم این است که چرا فقط اجرای عدالت برای پرستاران که صف اول خدمت در نظام سلامت هستند دچار این فراز و فرود شده است.

این تنها یک مصداق از گستره وسیع توزیع های ناعادلانه در حق جامعه پرستاری کشور است.

طبق گفته عبادی، از مجموع ۱۲۰ هزار پرستار مشغول به کار، حدود ۵۳ درصد به صورت رسمی یا رسمی آزمایشی مشغول به کار هستند و غیر از ۱۷ درصد فارغالتحصیلان رشته پرستاری و مشغول به گذراندن طرح نیروی انسانی، باقی پرستاران شاغل شامل ۱۵ درصد قراردادی، ۳۵ درصد تبصره ای، نیم درصد ۸۹ روزه و ۸ درصد شرکتی که معنای واضح این مدل قراردادهای رنگ به رنگ، فقدان امنیت شغلی است.

نیمه آبان سال ۱۳۹۹، ۸ ماه بعد از شیوع کرونا در کشور، در حالی که طبق گفته معاون پرستاری وقت وزارت بهداشت، ۶۵ درصد پرستاران کشور، مشغول به مراقبت و پرستاری از مبتلایان کرونا بودند، جمعی از پرستاران شاغل در بیمارستانهای دانشگاهی محل بستری بیماران کووید ۱۹، از تبعیضهای گسترده در پرداختها خبر دادند.

بقیه در صفحه ۱۸

یک پرستار و شش قربانی

خانم فوزیه جلالیان که در تمام دوران کرونا پرستار بیماران بود، متأسفانه در فروریختن متروپل شوهر، دو پسر، برادرزاده شوهر و دو دختر خردسالش را از دست داد. جانباختن بستگان خانم جلالیان به خانواده های سوگوار تسلیت می گوئیم و با آنان همدردی می کنیم.



وعده تبدیل وضعیت ۱۵ هزار پرستار شرکتی به کجا رسید؟



پرستاران بخش عمده نیروی کار نظام مراقبت بهداشتی را تشکیل می دهند. اما در سالهای اخیر کمبود پرستار و تعیین تکلیف نشدن وضعیت قراردادی پرستاران به چالشی نگران کننده در این بخش تبدیل شده است. روز دوشنبه

۲ خرداد رئیس سازمان نظام پرستاری گفت؛ ۱۲ تا ۱۵ هزار نیروی شرکتی در انتظار تبدیل وضعیت هستند.

استاندارسازی نسبت پرستار به تخت بیمارستانی و جمعیت یکی از مهم ترین مطالبات پرستاران است. اکنون این نسبت حدود ۸ دهم تا ۹ دهم پرستار به ازای هر تخت بیمارستانی است که بسیار کم است و مهم ترین راهکار برای حل آن، ایده آل کردن وضعیت استخدام و جذب پرستاران است. در واقع باید برای افزایش نسبت پرستار به تخت یا جمعیت در کشور ظرفیت پذیرش دانشجو اصلاح شود و همچنین با توجه به شرایط بازار کار و استخدامها به عدد مناسبی برای ظرفیت دانشگاهها در رشته پرستاری برسد.

اکنون جمع زیادی از پرستاران در ایران و در مراکز خدماتی و در قالب نیروهای شرکتی، طرحی و غیررسمی در حال خدمت هستند و مطالبه آنها تبدیل وضعیت شغلی است و بارها مسئولان حوزه سلامت وعده تبدیل وضعیت نیروهای غیررسمی را داده اند. بهمن ماه سال گذشته نیز محمد میرزاییگی، رئیس کل سازمان نظام پرستاری در جلسه شورای عالی نظام پرستاری و در آخرین اظهارنظر خود پیرامون این موضوع از تبدیل وضعیت نیروهای غیررسمی پرستاری خبر داده و گفته بود: «با تصویب نهایی اعتبار ۱۲ هزار میلیارد تومانی تبدیل وضعیت نیروهای غیر رسمی در مجلس، ۱۲ تا ۱۵ هزار نیروی شرکتی از بین مدافعان سلامت فعال در کرونا با اولویت پرستاران، سال ۱۴۰۱ تبدیل وضعیت می شوند».

رئیس سازمان نظام پرستاری ایران تاکید کرده بود: «بیمارستانها و مراکز درمانی کشور با کمبود ۱۰۰ هزار پرستار مواجه است و باید هرچه زودتر اقداماتی برای استخدام پرستارهای جدید صورت بگیرد. محمد میرزاییگی همچنین گفته که چیزی حدود ۷۰ درصد از پستهای سازمانی وزارت بهداشت هم اکنون خالی هستند و در صورت داشتن

کارورزان سلامت

حرکتهای اعتراضی کادر درمانی

تجمع پزشکان در تهران

روز چهارشنبه ۴ خرداد، گروهی از پزشکان معترض مقابل ساختمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، در تهران، دست به تجمع زدند. تجمع این پزشکان در اعتراض به عدم ساماندهی وضعیت شغلی شان صورت گرفته است.

در این گزارش آمده است؛ معترضان با در دست داشتن کاغذ نوشته هایی با مضمون "۷۰ درصد کارکرد پزشک در جیب دولت و بیمه" و "سازمانهای بیمه، دست در جیب مردم و یا بر گوی پزشکان"، اعتراض خود را نسبت به سیاستهای بیمه در قبال پزشکان نشان دادند.

تجمع پرستاران شاغل در سازمان تامین اجتماعی

روز یکشنبه ۸ خرداد، جمعی از پرستاران شاغل در سازمان تامین اجتماعی، مقابل این سازمان در تهران در اعتراض به عدم اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور و بازنشستگی، مطابق بر این قانون، تجمع کردند.

پرستاران معترض گفتند؛ اگر این قانون اجرا نشود با حقوقهای بازنشستگی امکان گذران زندگی بسیار سخت می شود. این پرستاران بارها برای اجرای خواسته های شان، دست به تجمع زده اند؛ اما این سازمان از اجرای این قانون، سر باز می زند.

تجمع اعتراضی بیماران خاص در تهران



روز سه شنبه ۲۴ خرداد، جمعی از بیماران خاص، مقابل ساختمان وزارت بهداشت در اعتراض به کمبود و گرانی دارو دست به تجمع زدند.

یکی از افراد دارای بیماری خاص، که در این تجمع حضور داشت، گفت: "من، بیماری آسم شدید و

سخت دارم. قیمت اسپری سروتاید ۲۵۰ دفترچه ۶۰ تومن بوده دو ماه قبل، الان شده ۵۰۰ هزار تومن. با این درآمد یابین، چطور می توانم دو تا اسپری بخرم."

تجمع کارورزان بیمارستانهای دانشگاه علوم پزشکی تهران



روز سه شنبه ۲۴ خرداد، جمعی از کارورزان بیمارستانهای دانشگاه علوم پزشکی تهران، در محل کار خود در تجمعی، اعتراضی، خواهان افزایش حقوق و پرداخت حقوقهای عقب افتاده شدند. معترضان گفتند: "باورتان می شود، کارورزان پزشکی در سن، ۲۵ سالگی، و با این فشار کاری زیاد، در این وضعیت اقتصادی، فقط تقاضای افزایش، از یک میلیون، ۲۰۰ هزار تومان، به یک میلیون، ۸۰۰ هزار تومان، دارند که همان هم اجرایی نمی شود! این در حالیست که با پایان یافتن ماه خرداد نزدیک به ۱۴ ماه است که حقوقهای عقب افتاده خود را تاکنون دریافت نکرده ایم."

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: پانا، ایسنا، شفافانلاین، روزنامه خراسان، شورای بازنشستگان ایران، اتحادیه آزاد کارگران ایران، رویداد (۲۴)

بقیه از صفحه ۱۷

این پرستاران گفتند که برخلاف تبلیغات و قولهای اغراق آمیز دولت درباره پرداخت حق کرونا و کارانه های چند ده میلیون تومانی به پرستاران، بیشترین رقمهای دریافتی به عنوان «حق کرونا» آنهم برای پرستاری که حداقل ۲۵ شیفت و بیش از ۱۶۰ ساعت در ماه، در بیمارستانهای جنرال از مبتلایان کووید ۱۹ مراقبت کرده، از ۷ میلیون تومان بیشتر نبوده علاوه بر اینکه تمام پرستاران، به دنبال دریافت حق کرونا، با کاهش عجیب یا حتی قطع «کارانه» مواجه شده اند.

جامعه پرستاری این قانون تعرفه گذاری را قبول ندارد، ۱۵ سال پرستاران گفتند قانون تعرفه گذاری حق ماست اما الان با اجرای ناقص این قانون می خواهند این ابزار را از دست پرستاران بگیرند. الان می گویند بفرمایید این هم قانون تعرفه گذاری! ابزار مطالبه گری را از پرستاران گرفتند تا آنها را ساکت کنند.

مزد جانفشانی ۵ هزار پرستار



مردم ایران هرگز جانفشانیهایی شبانه روزی کادر درمان به ویژه پرستاران، در روزهای سیاه کرونایی را از یاد نمی برند؛ اما انگار مسئولان قصد فراموشی آنها را دارند و به راحتی پایان کار ۵ تا ۸ هزار پرستار

سفیدپوش را اعلام کرده اند

دکتر «محمد میرزابیگی» رئیس سازمان نظام پرستاری کشور در روز سه شنبه ۱۷ خرداد اعلام کرد؛ طی آماري که هفته گذشته جمع شده، حدود ۵ هزار نفر از پرستارانی که در دوره سخت کرونا، با تمام وجود در خدمت بیماران کرونایی بودند، حالا تعدیل شده اند؛ پرستارانی که اطلاعات دقیق آنها با کد ملی و محلتهای خدمتشان مشخص و هیچ ابهامی درباره سابقه فعالیت آنها وجود ندارد، با این حال دانشگاههای علوم پزشکی و بیمارستانها با آنها قطع همکاری کرده اند.

پرستاران در روزهای سخت کرونا جانشان را کف دست شان گرفتند تا به مردم خدمت کنند و ۱۶۰ تن از آنان جانباختند، اما وزارت بهداشت می گوید مسئولیتی در قبال قراردادهای ۸۹ روزه تمدید شده ندارد که از نظر جامعه پرستاری این برخورد، اوج استثمار و بداخلاقی در حق جامعه پرستاری است.

تعدیل پساکرونایی مدافعان سلامت



موج بی مهری به پرستاران که با فروکش امواج کرونا آغاز شده بود با تک رقمی و صفر شدن آمار فوتیهایی کرونایی به اوج رسید. روز سه شنبه ۲۴

خرداد رئیس کل سازمان نظام پرستاری از تعدیل حدود ۵ هزار نیروی پرستار خبر داده است. این پرستاران که به صورت تمدید طرح، قرارداد موقت و شرکتی جذب شده بودند، حالا با فروکش کردن کرونا تعدیل شده اند. در برابر این اظهارات رئیس سازمان نظام پرستاری، معاون پرستاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفته است ۵ هزار پرستار اخراج شده از سوی دانشگاههای علوم پزشکی شاغل در بیمارستانها، نیروهای طرحی بودند و بر اساس قوانین طرح آنها پایان یافته و هیچ کوتاهی در این زمینه از سوی دانشگاههای علوم پزشکی صورت نگرفته است. این در حالی است که ما حداقل به ۱۰۰ هزار نفر نیروی پرستار نیاز داریم و این کمبود نیرو آسیب بزرگی به مردم و جامعه می زند.

رئیس سازمان نظام پرستاری در خصوص میزان مهاجرت پرستاران از کشور بیان کرد: بر اساس گواهیهای صادر شده ماهانه حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ پرستار مهاجرت می کنند. او همچنین گفت که باید شرایط استخدام آسان تر شود، تا نیروهای پرستاری تمایل به مهاجرت پیدا نکنند.

زنان در مسیر رهایی (خرداد ۱۴۰۱)

اسد ظاهری

سال ۲۰۲۰ به عنوان وزیر کار در کابینه ژان کاستکس خدمت کرده است.

کاخ الیزه، وی را زنی کارا، موفق و بسیار فنی ذکر کرده که بر همه پرونده ها شناخت داشته و شایستگی خدمت به فرانسه را دارد.

اولین نخست وزیر زن در تاریخ فرانسه، ادیت کریسون بود، وی در سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۲ در دولت فرانسوا میتران، رئیس جمهور سوسیالیست فرانسه خدمت کرد.

سراج الدین حقانی: زنان شرور را خانه نشین کرده ایم



سراج الدین حقانی، وزیر داخله افغانستان، روز یکشنبه اول خرداد در مصاحبه با سی ان ان گفت که « زنان شرور» را خانه نشین کرده ایم.

سراج الدین حقانی با اشاره به زنان معترض در کابل افزود که این زنان از سوی «طرفهای دیگر» کنترل می شدند تا حکومت فعلی را زیر سؤال ببرند. او در مصاحبه خود افزود که جامعه جهانی مسأله حقوق زنان را «زیادی شلوغ و برجسته» کرده، ولی «افغانستان اصول اسلامی،

ملی و فرهنگی خود را دارد و در محدوده همین اصول «تلاش داریم تا فرصت کار را برای شان فراهم کنیم».

او حجاب اجباری را «دستور شریعت» دانست و گفت: «داعیه حرکت ما تطبیق شریعت اسلامی است» و تاکید کرد که طالبان زنان را مجبور به پوشیدن حجاب نمی کنند، بلکه به آنها رعایت حجاب توصیه شده است و دستور اسلام است که باید همگی آن را رعایت کنند.

از زمانی که طالبان در افغانستان به قدرت رسیده به بهانه های مختلف زنان کارمند و دانش آموزان را خانه نشین کرده و به حاشیه رانده و هر روز شاهد افزایش آمار قتل و کشتن زنان در این کشور هستیم. هر روز حقوق زنان در این کشور به بهانه اسلام و شریعت توسط مردان اسلامگرای افراطی زیر پا گذاشته می شود.

سه داور زن مسابقات جام جهانی ۲۰۲۲ قطر را سوت می زنند



فدراسیون جهانی فوتبال از نام ۱۰۵ داور منتخب برای قضاوت مسابقات جام جهانی قطر رونمایی کرد که در میان آنها نام شش داور زن جلب توجه می کند.

بقیه در صفحه ۱۹

انتخابات پارلمانی لبنان و نگاهی به میزان مشارکت زنان



شکستهای احزابی که در لبنان شریک در قدرت هستند، نقش مهمی در حذف بسیاری از نمادهای آنها داشته است. زنان لبنان در سال ۲۰۲۲ نیروی انتخاباتی را تشکیل دادند که سه دهه مسیر سیاسی ادامه دار را تغییر داد. این نیروی انتخاباتی توانست به نیروهای سنتی که آنان را از حداقل حقوق خود محروم کرده، ضربه وارد کند.

نرخ مشارکت در حوزه های انتخاباتی لبنان متفاوت بود، حوزه جبل لبنان بیشترین سهم را داشت و نرخ مشارکت آن حدود ۶۰ درصد بود. همچنین تخلفات عمده ای در حوزه های انتخاباتی ثبت شد که نشاندهنده شنیده شدن صدای تغییر، به ویژه صدای زنان در مجلس بود.

شش زن در انتخابات پیروز شدند که غاده ایوب نامزد حزب القوات اللبنانی (صدیقا جزین جنوبی) موفق به کسب بیشترین آرای حوزه انتخابیه خود شد. دکتر حلیمه قفقور و دکتر نجات عون صلیبا از لیست مستقل «توحدنا للتغییر» (جامعه مدنی) توانستند آرای مورد نیاز برای ورود به پارلمان را کسب کنند.

بولای یعقوبیان، نماینده سابق پارلمان در بیروت و همچنین سینثیا زرازیر نامزد برای کرسی انتیکها (آشوریها، کلدانیها، قبطیها و ...) از حوزه انتخابی بیروت موفق به کسب آرای انتخاباتی شدند. ستریدا جعجع، نماینده سابق پارلمان، بشری شمالی نامزد نیروهای لبنانی در حوزه انتخابی سوم، عنایه عزالدین نماینده سابق پارلمان و کاندیدا دو گروه شیعه (امل و حزب الله) و ندا البستانی وزیر سابق نیرو و آب کاندیدا التیار الوطني الحر (جنبش آزاد میهنی) در حوزه انتخابی کسروان از دیگر منتخبان زن بودند که توانستند به پارلمان راه یابند.

برت انتون، نماینده جنبش تیار الوطني در حوزه رای گیری شهر عریا، ناحیه بعیدا، در مورد مشارکت زنان در انتخابات گفت: «من رای خواهم داد تا صدایم شنیده شود و این یک وظیفه است، به ویژه در این وضعیت اسفباری که در آن قرار داریم. به افرادی رای بدهیم که خواهان تحقق مطالبات مردم باشند تا کشور را از فروپاشی نجات دهند و امیدوارم که زنان بتوانند برای تحقق مطالبات ما کار کنند، این کار نه از طریق پارلمان و از طریق قوانین امکانپذیر نیست بلکه از طریق انجمنهایی که دغدغه زنان را دارند ممکن است.»

الیزابت بورن نخست وزیر فرانسه شد

کاخ الیزه، بعد از استعفای ژان کاستکس، الیزابت بورن را به عنوان نخست وزیر فرانسه انتخاب کرد. الیزابت بورن، ۶۱ ساله و دومین نخست وزیر زن در تاریخ فرانسه است. وی ابتدا به عنوان وزیر ترابری و وزیر گذار زیست محیطی در کابینه ادوارد فیلیپ و از



ممنوعیت کامل سقط جنین در ایالت اوکلاهما



کوین استیت، فرماندار جمهوری خواه اوکلاهما لایحه ای را به امضا رساند که سقط جنین پس از هفته ششم بارداری را ممنوع می کند. این ایالت به عنوان دومین ایالت آمریکا پس از تکزاس، سقط جنین را به طور کامل ممنوع اعلام کرده و کسانی که پس از هفته ششم خدمات سقط جنین ارائه دهند، ۱۰ سال زندان و ۱۰۰ هزار دلار جریمه می شوند. لایحه ای که کوین استیت امضا کرد بلافاصله با امضای او اجرایی می شود و دادگاه عالی اوکلاهما درخواست اضطراری برای توقف موقت این لایحه را رد کرد.

در قانون جدید سقط جنین، به محض این که قلب جنین شروع به تپیدن کند، سقط جنین ممنوع است که به گفته کارشناسان هفته ششم بارداری است و این زمانی است که بیشتر زنان حتی نمی دانند که حامله هستند و اوایل بارداری محسوب می شود. این لایحه سقط جنین را در صورتی که در نتیجه تأیید پزشک باشد، مجاز می داند. اما اگر حاملگی نتیجه تجاوز جنسی یا رابطه جنسی با محارم باشد استثنایی وجود ندارد.

برای اولین بار؛ ۱۰ زن در دولت استرالیا



روز چهارشنبه ۱۱ خرداد کابینه جدید فدرال استرالیا سوگند یاد کرد و تعداد زنان به یک تیم وزیران متنوع که شامل اقلیتهای مذهبی و مردم بومی می شود، پیوستند.

کابینه آنتونی آلبانیز ۲۳ وزیر از جمله ۱۰ زن داشت، در حالی که در دولت لیبرال اسکات موریسون، نخست وزیر سابق، ۷ وزیر وجود داشت. لیندا برنی اولین زن بومی بود که وزارت بومیان کشور را بر عهده گرفت.

ابتکار زنان افغان در شیوه های اعتراضی

پنج زن جوان در افغانستان از طریق برگزاری نمایشگاه، به حجاب تحمیلی طالبان به زنان اعتراض کردند. این زنان جوان روز پنجشنبه ۱۲ خرداد، در نمایشگاهی در هرات تابلوهای هنری خود شامل نقاشی، عکس و خطاطی را به نمایش گذاشتند و هدف از آن حمایت از زنانی اعلام کردند که در ماههای اخیر از رفتن به مدرسه و ادامه کار محروم شده اند. آنها ابراز امیدواری کردند زنان افغانستان با پشتکار و اتحاد خود بتوانند این روزهای سیاه را پشت سر بگذارند و حقوق خود را به دست بیاورند.

بقیه در صفحه ۲۱

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۹

از میان شش داور زن برگزیده شده سه نفر آنها از جمله استفانی فراپار از کشور فرانسه، سالیما موکانسانگا از کشور رواندا و بوشیمی یاماشیتا از ژاپن به عنوان داور وسط قضاوت دیدارهای جام جهانی را به عهده خواهند داشت.

نوزا بک برزلی، کارین دیاز مدینا از مکزیک و کاترین نیسیبت آمریکایی سه داور دیگر هستند که قرار است به همراه ۶۶ کمک داور دیگر در امر قضاوت دیدارهای جام جهانی ۲۰۲۲ قطر داوران وسط را همراهی کنند.

پیرلویجی کولینا، داور مشهور سابق ایتالیایی و رئیس کنونی کمیته داوران فیفا گفت که بسیار خوشحالیم که توانستیم برای نخستین بار در تاریخ مسابقات جام جهانی فوتبال، از داوران زن برای قضاوت دیدارها دعوت به عمل آوریم.

او افزود که «کیفیت برای ما مهم است نه جنسیت» و امیدواریم در آینده انتخاب نخبگانی از میان زنان، برای مسابقات مهم مردان امری عادی تلقی شود و دیگر هیجان انگیز نباشد. آنها شایستگی حضور در جام جهانی را دارند زیرا دائماً در سطح بالایی ظاهر می شوند و این عامل مهمی برای ماست.

راهپیمایی مدافعان حقوق بشر در مکزیک

صدها تن از طرفداران حقوق زنان و کنشگران حقوق بشر روز چهارشنبه ۴ خرداد در شهر مکزیکوسیتی علیه زن گشی دست به راهپیمایی زدند و خواستار اجرای عدالت شدند.

بسیاری از شرکت کنندگان در این راهپیمایی، به نشانه عزا با نقاب سیاه روی صورت خود را پوشاندند و صلیبهای سرخی که روی آن عبارت «عدالت» نوشته شده بود را در دست گرفتند.

بنابر آمار رسمی، تنها در سال ۲۰۲۱ میلادی قتل ۳۷۵۱ زن در مکزیک به ثبت رسیده است که از این تعداد، ۱۰۰۴ مورد به عنوان «زن گشی» یا قتل یک زن صرفاً به دلیل زن بودن طبقه بندی شده است.

سرپیچی مجریان زن شبکه های تلویزیونی افغانستان از دستور طالبان



مجریان زن شبکه های یک، شمشاد، طلوع نیوز با سرپیچی از دستور طالبان مبنی بر لزوم پوشاندن چهره های شان بدون ماسک و روبند در برابر دوربین حضور پیدا کردند.

رئیس بخش خبر شمشاد در مصاحبه ای در این باره با خبرگزاری فرانسه گفت که مجریان زن نگران هستند که دستور پوشاندن چهره های شان مقدمه ای برای صدور دستور ممنوعیت کار آنها باشد.

محمدصادق عاکف مهاجر، سخنگوی وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان در سخنانی تهدیدآمیز گفته است که اگر زنان مجری حاضر به اجرای دستور پوشاندن چهره های شان نشوند مقامهای طالبان با مسئولان شبکه ها تماس خواهند گرفت.

اولین زن عضو هیات مدیره بانک مرکزی عربستان



عضویت یک زن به عنوان یکی از اعضای هیات مدیره بانک مرکزی عربستان برای اولین بار است که در تاریخ این کشور اتفاق می افتد، شیلابنت عذیب الرویلی اولین زن در عربستان سعودی است که چنین سمتی را به دست آورده و عضو هیات مدیره ی بانک

مرکزی عربستان سعودی شده است.

شیلابنت عذیب الرویلی دارای شایستگیهای اقتصادی و اداری ممتازی است، مجله (Energy Heart) در سال ۲۰۲۱ او را در بین ۲۵ زن برتر و تاثیرگذار و الهام بخش جهان در زمینه تولید انرژی قرار داد. شیلابنت عذیب الرویلی مدیر عامل یکی از شرکتهای سرمایه گذاری آرامکو و عضو هیات مدیره بانک الاهلی عربستان است. وی همچنین دارای تجربه گسترده ای در زمینه مالی است و ۲۲ سال سابقه در این زمینه دارد.

وی دارای مدرک لیسانس معماری از دانشگاه ملک فیصل و مدرک کارشناسی ارشد مدیریت مالی از دانشگاه آمریکایی بیروت و مدرک کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی از مدرسه تجارت سولون در مؤسسه فناوری ماساچوست است.

حقوق برابر زنان و مردان این بار در فوتبال اسپانیا



پس از تصمیم تاریخی برخی از کشورها برای پرداخت حقوق برابر به زنان و مردان فوتبالیست فدراسیون فوتبال اسپانیا نیز از برابر شدن دستمزد تیم ملی زنان این کشور با دستمزد تیم ملی مردان خبر داد. لوئیس روبیالس، رئیس فدراسیون فوتبال اسپانیا روز سه شنبه ۲۴ خرداد اعلام کرد که از این به بعد تیم ملی زنان اسپانیا نیز حقوقی برابر با مردان دریافت خواهند کرد.

تیم ملی زنان اسپانیا که در رده بندی جهانی، هفتم است، ششمین تیمی خواهد بود که حقوق مساوی با تیم ملی مردان دریافت خواهد کرد. پیش از این کشورهای برزیل، انگلیس، نروژ، آمریکا و دانمارک بر سر برابری حقوق زنان و مردان فوتبالیست توافق کرده اند.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: رادیو فرانسه، یورونیوز، انتخاب، رادیو فردا، همشهری، ایندیندنت، خبرگزاری فرانسه، اسپورتیک)

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۲۰

حجاب زنان افغان بهانه است، زن ستیزی برنامه است



گروهی از زنان معترض «روزنه امید» با سر دادن شعارهای «عدالت، عدالت، خسته ایم از اسارت»، «زنان افغانستان، زندانیان جهان» و «حجاب زنان یک بهانه است، زن ستیزی یک برنامه است» از مردم جهان خواستند صدای اعتراض زنان افغانستان را بشنوند و نگذارند که حکومتهای کشورها، طالبان را به رسمیت شناسند.

آنان در بیانیه ای «رفتار تبعیض آمیز و غیرانسانی حکومت طالبان علیه زنان را محکوم کرده و از مردم جهان خواستند که بر حکومتهای خود فشار بیاورند تا هیچ کشوری با طالبان وارد مذاکره نشوند و این گروه را به رسمیت نشناسند.»

زنان معترض همچنین خواستار بازگشایی هرچه زودتر مدارس دخترانه شده و از سازمان ملل و جامعه جهانی خواستند که برای تحقق این امر به طالبان فشار وارد کنند.

دوچرخه سواری و موتورسواری جرم نیست



طبق گفته های حسام الدین قاموس در استعلام صورت گرفته از اداره حقوقی قوه قضائیه آمده است «آیا دوچرخه سواری زنان در ملا عام با پوشش کامل و رعایت مقررات شرعی و قانونی جرم است یا نه؟»

این اداره اعلام کرده است: «طبق اصل ۳۶ قانون اساسی، ماده ۲ قانون مجازات اسلامی و بند ۲ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر فعل یا ترک فعل ارتكابی در صورتی جرم است که قانونگذار برای آن مجازات تعیین کرده باشد. از آنجا که برای دوچرخه سواری و موتورسواری زنان مجازاتی پیش بینی نشده، پس نمی توان آن را وصف کیفی برشمرد.» در ادامه آمده است: «با استناد به تمامی توضیحات و استنادات و رجوع به قانون مجازات اسلامی، قانونگذار به صورت صریح و روشن دوچرخه سواری زنان را جرم ندانسته و طبق قانون هیچ مرجع و نهادی، تکلیفی برای جلوگیری و برخورد، جز محدودیتهای مجاز ترافیکی که برای دوچرخه سواری در برخی معابر وجود دارد و فارغ از جنسیت دوچرخه سوار بر همه افراد اعمال می شود ندارد.»

جنبش رنگین کمان بیشماران (خرداد ۱۴۰۱)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی



روز آدینه ۶ خرداد، مردم شهرهای مختلف از جمله اهواز، خرمشهر، امیدیه، شیراز، بهبهان، شاهین شهر، اصفهان، یزد، بوشهر، بندر عباس، ماهشهر، سربندر و باغملک با شعارهای ضد حکومتی به خیابانها آمدند و در حمایت از مردم دلیر آبادان و علیه جنایت و غارت آخوندها دست به اعتراض زدند. نیروهای سرکوبگر شامگاه روز آدینه به مردم آبادان یورش برده و به سمت آنان تیراندازی کردند. در همین روز سعید حافظی، روزنامه‌نگار حوزه خوزستان و افشاکنده تخلفات مربوط به برج مترویل، صدای مردم معترضی را به اشتراک گذاشت که فریاد می‌کشد: «...هواپیما بویینگ برا مردم میاری؟! این ملت با تیر و ترقه شما نمی ترسند. دوره بزن دررو تمام شد.»

همزمان با گسترش خیزش مردمی در آبادان، فرماندار آبادان از افزایش شمار جانبختگان به ۲۴ نفر خبر داد.

شماری از مردم تهران، روز شنبه ۷ خرداد، در اعلام حمایت از مردم داغدار آبادان و ابراز همدردی با خانواده های قربانیان، فاجعه مترویل، مراسم یابود در برابر تئاتر شهر (از مناطق مرکزی پایتخت) برگزار کردند. در همین روز در بسیاری از شهرهای دیگر از جمله؛ دولت آباد در شهری، قم، اندیمشک، مشهد و ... مراسم یادبود و همبستگی با مردم آبادان برگزار شد.

به گزارش دویچه وله، در همین روز کانون نویسندگان ایران، با انتشار بیانیه ای به سرکوب اعتراضات آبادان واکنش نشان داد و جمهوری اسلامی را به «پنهان سازی حقایق و انتشار اخبار نادرست» متهم کرد. در این بیانیه آمده که اخبار و تصاویری که توسط مردم با «عبور از سد سانسور» منتشر می شوند از ابعاد فجیع این ویرانی پرده برمی دارد. کانون نویسندگان ایران می نویسد: «آنچه در آبادان بر مردم می رود یادآور جنایتهای سال های اخیر چون کشتار مردم در آبان ۹۸ و ساقط کردن هواپیمای مسافربری است. بدیهی است آنانی که همواره چنگ بر جان و مال مردم انداخته اند، موفق نخواهند شد با تقلیل عوامل ویرانی آفرین، به چند تن، فساد سیستماتیک و ستم بیسگکی خود را انکار کنند». کانون نویسندگان از همه آزادی خواهان خواسته است که «صدای مردم ستم کشیده و سرکوب شده» خوزستان باشند.

داریوش معمار، روزنامه نگار خوزستانی، در توییتی نوشت: «رئیس، شش روز بعد از فاجعه مترویل، اعزام چندهزار نیروی سرکوب، شلیک گلوله به مردم، بازداشت تعداد زیادی شهروند به جمع بندی رسید یکشنبه را به خاطر این اتفاق عزای عمومی اعلام کند. خامنه ای هم سه روز طول کشید تا تسلیت بگوید. مملکت را چهل سال است اینطور اداره می کنند.»

شامگاه یکشنبه ۸ خرداد، مقامات رژیم با توجه به اعلام عزای عمومی به مناسبت جان باختن تعدادی از هموطنان، در حادثه برج مترویل، درصدد برگزاری مراسم حکومتی در آبادان برآمدند. بنابر گزارشات دریافتی هرانا از شاهدان در صحنه، این مراسم نیز با خالی ماندن صفوف نماز در مکان، مراسم و سپس سردادن شعارهای اعتراضی توسط مردم معترض به تداوم اعتراض مردم آبادان تبدیل شد. در جریان این مراسم شهروندان حاضر با سر دادن شعارهایی از جمله «می کشم می کشم آنکه برادرم کشت» و «بی شرف، بی شرف» مانع از سخنرانی روحانی حاضر در مراسم شدند. بر اساس گزارشات دریافتی هرانا، پلیس ضمن تهدید معترضان به، شرمانه اعلام کرد: «عواقب اعتراضات شما از لحاظ قانونی به عهده خودتان است، شعار ساختار شکنانه ندهید.»

اعتراضات گسترده در واکنش به فاجعه فروریختن برج ده طبقه مترویل آبادان، در شامگاه

دوشنبه ۹ خرداد در هشتمین روز بیابای همچنان ادامه یافت. ویدیوها و گزارشهایی که در فضای مجازی منتشر شده حاکی از آن است که نیروهای امنیتی در مقابله با معترضان به گاز اشک آور متوسل شده اند. در برخی از فیلمهای یخس شده صدای تیراندازی نیز شنیده می شود. دامنه اعتراض علاوه بر آبادان به نقاط دیگر کشور از جمله به بوشهر، سمنان، کرمانشاه، کازرون، بوشهر، شادگان، ایذه، فسا، نازی آباد تهران و ... نیز کشیده شد.

بقیه در صفحه ۲۳

غارتگران حاکم و ایادی آنان زندگی مردم را به تباهی کشیده اند. با جراحی اقتصادی و ناچیز شدن ارزش واقعی یارانه اندکی که به مردم می دادند، امروز نان به کالای لوکس تبدیل شده و دولت رئیس، جلاد با چراغ خاموش، به سوی گران کردن سوخت حرکت می کند.



از سوی دیگر با بحران آب به عنوان مهمترین چالش، زیست محیطی ایران، بحران فرونشست زمین، در برخی از شهرها، از جمله در تهران، اصفهان، زندگی میلیونها شهروند به نابودی کامل کشیده می شود. روزنامه آفتاب اقتصادی در شماره روز چهارشنبه ۲۵ خرداد می نویسد: «ایران به زودی تبدیل به بیابان می شود.»

وضعیت بحرانی اقتصادی و شرایط فاجعه بار زیست محیطی، برای اکثریت مردم جای تردیدی باقی نگذاشته که با وجود رژیم جمهوری اسلامی و حاکمیت غارتگران، افق روشنی در برابر آنان وجود ندارد. برای همین است که مردم و به ویژه نیروهای کار به طور روزمره دست به اعتراض و مبارزه می زنند. کارگران و تهیدستان در واکنش به این شرایط فلاکتباری که به آنها تحمیل شده، به اشکال گوناگون دست به اعتراض می زنند.

در مجموعه خبرهای این شماره نبرد خلق، خلاصه دستکم ۳۲۵ حرکت از جانب کارگران، باننشستگان، کشاورزان، بازاریان و مزدگیران در ماه خرداد و اخبار فروش مردم آبادان و برخی شهرهای دیگر پس فروریختن برج مترویل را خواهید خواند. اخبار حرکتی اعتراضی معلمان، دانشجویان و پرستاران در این ماه به طور جداگانه در ماهنامه نبردخلق منتشر می شود.

خروش توده ای با فروپاشی مترویل

روز دوشنبه ۲ خرداد ۱۴۰۱، ساختمان ۱۰ طبقه مترویل در خیابان امیرکبیر آبادان فروریخت.

به گزارش هرانا، طی این حادثه دهها تن از شهروندان کشته و زخمی شدند و جمعی دیگر در زیر آوار محبوس ماندند. مهندسان سازمان نظام مهندسی آبادان بیشتر هشدار داده بودند که ساخت این مجتمع به دلیل عدم رعایت نکات لازمه به افتتاح نخواهد رسید؛ با این حال ساخت نا موفق این بنا تا روز فرو ریختن آن و کشته و زخمی شدن شماری از شهروندان، ادامه پیدا کرد. کارشناسان، علت وقوع این حادثه را نظارتیهای صوری مهندسان، فسادهای مالی و عدم پیگیری

تخلفات ساختمانی توسط شهرداری عنوان کردند.

به دلیل عدم وجود نیروهای امداد و کمک در محل حادثه حاضر شده و اقدام به کمک رسانی کردند. به دنبال این رویداد فاجعه بار مردم آبادان و برخی از شهرهای دیگر دست به اعتراض و شورش زدند. در همان روز، شماری از شهروندان در آبادان تجمع کرده و شعار دادند: «عزیزان ما امروز، روز عزاست امروز، آبادان بی صاحب، صاحب عزاست امروز.»

چهارشنبه شب ۴ خرداد، شهروندان خشمگین آبادان، در حدود ۲۰۰ متری برج مترویل در فلکه طوطیا تجمع کردند و با سردادن شعارهایی همچون: «مسئول بی کفایت نمی خوابیم، ننگ ما ننگ ما صدا و سیمای ما/ عبدالباقی نمرده دروغه دروغه/ مرگ بر مسئول بی لیاقت»، خواستار برخورد با عوامل اهمال در بنای ساختمان مترویل شدند.

روز پنجشنبه ۵ خرداد، در چهارمین روز حادثه فروریختن برج مترویل در آبادان، مردم این شهر بار دیگر به خیابان آمدند. همزمان در برخی از شهرها از جمله خرمشهر و شاهین شهر نیز تجمعات اعتراضی شکل گرفت.



جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۲

به گزارش روز چهارشنبه ۱۱ خرداد دویچه وله فارسی، تعداد بیکرهای بیرون کشیده شده از زیر آوار متروپل به ۳۹ نفر رسید و سرنوشت دهها کارگر مفقود و گمنام مشخص نیست.

داریوش معمار، روزنامه نگار آبادانی در توییتی نوشت: «حداقل ۳۰ نفر دیگر زیر آوار متروپل هستند و بیش از ۶۰۰ نفر هم بازداشت شده اند.»

در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های داخلی و ویدئوهای نیز از خاکسپاری جان باختگان خانواده جلیلیان به اشتراک گذاشته شده است. خانم فوزیه جلیلیان، پرستار بیمارستان به عنوان داغدارترین زن آبادانی در ریزش متروپل معرفی می‌شود. او شش عضو خانواده، شامل همسر، دو پسر، خواهرزاده همسر و دو برادرزاده شوهرش را از دست داده است.

در گزارشهایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده تماشاگران فوتبال در استادیوم آزادی تهران، به طرفداری از مردم آبادان شعار دادند.

با گذشت ده روز از فرو ریختن متروپل در آبادان، اعتراضات مردمی شب گذشته در این شهر و همچنین شادگان ادامه داشت. معترضین جاده اندیشک - اهواز را با آتش زدن لاستیک مسدود کردند.

سعید حافظی، روزنامه‌نگار حوزه خوزستان در شبکه توییت «از نمایش مضحک سلام فرمانده تا فریاد مردم تهران در حمایت از مردم آبادان» خبر داد.

داریوش معمار، روزنامه نگار آبادانی در توییتی نوشت: «حداقل ۳۰ نفر دیگر زیر آوار متروپل هستند و بیش از ۶۰۰ نفر هم بازداشت شده اند.»

حرکت‌های اعتراضی در گوشه و کنار کشور نشان داد که مردم نه در کنار حکومت که در برابر آن صف کشیده اند.

با تسلیت به خانواده‌های داغدار و اعلام همبستگی با آنان.

جنبش سراسری بازنشستگان در دهها شهر

روز یکشنبه ۱ خرداد، بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی در تهران مقابل ساختمان سازمان برنامه و بودجه و در شهرهای کرج، اهواز، اردبیل، تبریز، کرمان، رشت، اراک، کرمانشاه، مشهد، رامهرمز، شوشتر و قزوین مقابل اداره کل تأمین اجتماعی استان خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

به گزارش شورای بازنشستگان ایران، بازنشستگان برخی از مطالبات خود را افزایش مستمری‌های دریافتی، در موازات خط فقر، اجرای قانون همسانسازی حقوق، رفع مشکلات بیمه تکمیلی، پرداخت پاداش آخر سال و همچنین محاسبه سوابق مشاغل سخت و زیان آور در محاسبات متناسب سازی، عنوان کردند.

روز چهارشنبه ۴ خرداد، کارگران بازنشسته کارخانه ایران ترانسفوربرای در اعتراض به عدم افزایش حقوق کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی دست به تجمع مقابل استانداری زنجان زدند.

روز یکشنبه ۸ خرداد، بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی در شهرهای قزوین، اهواز، شوش، تبریز، کرمانشاه و مشهد مقابل اداره تأمین اجتماعی شهر خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

شهروندان معترض در این تجمعات شعارهایی از جمله «نه مجلس نه دولت، نیستی به فکر ملت/ خیل خیل، دروغ شنیدیم، ولی حقوق ندیدیم/ فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون» سر دادند.

روز چهارشنبه ۱۱ خرداد، شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی استان زنجان، برای سومین روز متوالی، مقابل ساختمان استانداری تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، همزمان بازنشستگان

تأمین اجتماعی استان گیلان، نیز مقابل ساختمان هسته گزینش این استان واقع در رشت، دست به تجمع زدند.

روز دوشنبه ۱۶ خرداد، تجمع پرشور بازنشستگان شهرستان شوش و هفت تپه برگزار شد.

کارگران شهرداری شوش، به دلیل عدم پرداخت بیش از سه ماه مطالبات خود به همراه بازنشستگان در تجمع مقابل فرمانداری شوش حضور داشتند.

همزمان، شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی، دستکم در ۲۵ شهر شامل شهرهای، شیراز، اصفهان، ساری، تبریز، ارومیه، بجنورد، خرم‌آباد، اراک، اردبیل، اهواز، کرج، مشهد و دزفول مقابل ساختمان اداره

تأمین اجتماعی این شهرها، در کرمان، زنجان و بندرعباس مقابل ساختمان استانداری، در شیراز، رشت، قزوین و کرمانشاه مقابل ساختمان اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در شوش، شوشتر و دزفول مقابل فرمانداری و در تهران در دو تجمع جداگانه مقابل مجلس و ساختمان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز سه شنبه ۱۷ خرداد، شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای، رشت، اراک، تبریز، بندرعباس، اصفهان، زنجان، کرمانشاه، کرج، بروجرد، شوش، مشهد، دورود، کرمان، ایلام، اردبیل، قزوین، یزد، اهواز دست به تجمع اعتراضی زدند.

تجمع و راهپیمایی بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش و هفت تپه، در خیابانهای منتهی به ساختمان فرمانداری شهرستان شوش صورت گرفت.

روز چهارشنبه ۱۸ خرداد، شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای تهران، اهواز، شوش، یزد، کرمانشاه، اراک، مشهد، کرج، خرم‌آباد و کرمان، دست به تجمع اعتراضی زدند.

به گزارش شورای بازنشستگان ایران، این شهروندان با سردادن شعارهایی اعتراضی از قبیل «مرگ بر رئیسی/ تأمین اجتماعی چه نام اشتباهی» خواستار رسیدگی به مطالبات شان شدند.

تجمع بازنشستگان در اعتراض به اجرای نشدن مصوبه مزدی شورای عالی کار و تصمیم دولت مبنی بر افزایش ده درصدی مستمری سایر سطوح صورت گرفته است.

در ویدئوهایی که از تجمع پرتعداد در اراک منتشر شده، بازنشستگان سفره‌های خالی را به نشانه وضعیت دشوار معیشتی خود و خانواده‌های شان حمل می‌کردند. معترضان در این شهر شعار می‌دادند: «وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه.»

بازنشستگان در اهواز شعار می‌دادند: «رئیس رئیس، مرگ به نیرنگ تو/ فقط کف خیابون، به‌دست میاد حقمون.»

به گزارش کردیا، در همین روز جمعی از اعضای انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه، در اعتراض به بازداشت فعالان صنفی، دست به تجمع اعتراضی در این شهر زدند.

روز پنجشنبه ۱۹ خرداد، شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی، برای چهارمین روز متوالی، به صورت جداگانه در شهرهای تهران، زنجان، مشهد، کرج، اراک و رشت، دست به تجمع اعتراضی زدند.

به گزارش شورای بازنشستگان ایران، این شهروندان با سردادن شعارهایی از قبیل «وعده‌ها تو خالیه، سفره ما خالیه/ ما صدقه نمی‌خوایم، ده درصد رو نمی‌خوایم/ گرونی، تورم، دشمن جان مردم/ ننگ ما، ننگ ما، صدا و سیمای ما» خواستار رسیدگی به مطالبات شان شدند.

روز شنبه ۲۱ خرداد، شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی، به صورت جداگانه در شهرهای اهواز، همدان، کرج، ایلام و شوش دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش شورای بازنشستگان ایران، این شهروندان با سردادن شعارهایی اعتراضی از قبیل «نه غزه نه لبنان، ستم دیده همین جاست/ توپ تانک

فشفشه وزیر باید گم بشه/ دولت شش کلاسه همین روزها خلاصه»، خواستار رسیدگی به مطالبات شان شدند.

روز یکشنبه ۲۲ خرداد، شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای نقده، بندرعباس، زنجان، شوش، سنندج، مشهد، تبریز، شوشتر، رشت، شیراز، همدان، کرج، اردبیل، اراک، کرمانشاه، اصفهان، ساری، بروجرد و اهواز در مقابل اداره کل تأمین اجتماعی استان خود دست به تجمع زدند. براساس گزارشات تصویری در شیراز و اصفهان این تجمعات از سوی نیروهای انتظامی به خشونت کشیده شد.



روز یکشنبه ۲۲ خرداد، جمعی از رانندگان بازنشسته خطوط بی‌آرتی مقابل سامانه ۳ اتوبوسرانی شرکت واحد تهران دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز دوشنبه ۲۳ خرداد، شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی شهرهای بندرعباس، اهواز و دورود در این شهرها دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز سه شنبه ۲۴ خرداد، شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی در اهواز طی دو تجمع جداگانه و همچنین در شهرهای کرمانشاه، شوش و زنجان، دست به تجمع اعتراضی زدند.

بازنشستگان تأمین اجتماعی در اهواز با شعار «حسین حسین شعارتون، دروغ و دزدی کارتون» اعتراض خود را شروع کردند.

بازنشستگان تأمین اجتماعی در درود شعار می‌دادند: ظلم و ستم کافیه سفره ما خالیه.

روز چهارشنبه ۲۵ خرداد، شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی در نهمین روز متوالی در شهرهای شوش، شوشتر، دورود، اهواز، رشت، زنجان و کرمانشاه دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، بازنشستگان با سردادن شعارهایی علیه رئیس جمهور کشور، خواستار رسیدگی به مطالبات شان شدند.

در همین روز، گروهی از بازنشستگان شبکه بانکی سراسری ایران، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کارکنان بانکها واقع در تهران، تجمع برگزار کردند.

روز پنجشنبه ۲۶ خرداد، شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای رشت، اهواز و دورود دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز شنبه ۲۸ خرداد، شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی برای یازدهمین روز متوالی در شهرهای اهواز، زنجان، هرمزگان، بندرعباس، شوش، کرمانشاه، آبادان، کرمان، شوشتر و تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، بازنشستگان تأمین اجتماعی در دو استان گیلان و آذربایجان شرقی، نیز تجمع کردند.

روز یکشنبه ۲۹ خرداد، جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای مختلف از جمله، کرمانشاه، رشت، ساری، اراک، اهواز، دورود، شوش، شوشتر و زنجان دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز دوشنبه ۳۰ خردادماه، شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای کرمان، رشت و زنجان دست به تجمع اعتراضی زدند.

بقیه در صفحه ۲۴

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۳

تجمع بازنشستگان در اعتراض به اجرایی نشدن مصوبه مزدی شورای عالی کار و تصمیم دولت مبنی بر افزایش ده درصدی مستمری سایر سطوح صورت گرفت. به گزارش شورای بازنشستگان ایران، بازنشستگان شعار می دادند: «حقوق بازنشسته زیر عباس است امروز»

روز سه شنبه ۳۱ خرداد، شماری از بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای اهواز، تبریز و کرمانشاه دست به تجمع اعتراضی زدند.

حرکتهای اعتراضی بازاریان، اصناف و مردم غارت شده

روز سه شنبه ۱۷ خرداد، جمعی از کسبه بازار امیرکبیر، ستارخان و راسته کوچه تبریز در اعتراض به افزایش ۱۰۰ برابری مالیات بر اساس تراکتهای دستگاه کارتخوان در محوطه اداره کل امور مالیاتی آذربایجان شرقی در تبریز تجمع کردند. به گفته رئیس کل امور مالیاتی کشور به طور میانگین مالیات اصناف امسال نسبت به سال گذشته سه برابر شده است، ولی اصناف معتقدند بسیار بیشتر از سه برابر با افزایش مالیات مواجه شده اند!

روز یکشنبه ۲۲ خرداد، شماری از مغازه داران تهران از جمله در محدود امین حضور و چهار راه جمهوری در اعتراض به افزایش بی ضابطه مالیات بخش خصوصی، دست به تجمع و راهپیمایی زدند. اعتراض این شهروندان با دخالت نیروهای امنیتی به خشونت کشیده

به گزارش تجارت نیوز، مغازه داران که نسبت به برخی از مشکلات صنعتی و قوانین جدید مالیاتی اعتراض داشتند، کرکه های خود را پایین کشیدند.

در همین روز جمعی از شهروندان ساکن تهران در مقابل اداره برق تهران یارس تجمع کردند.

شهروندان معترض با سر دادن شعارهایی از جمله «آب، برق، زندگی، حق مسلم ماست/ نصر من الله و فتح قریب مرگ بر این دولت مردم فریب»، خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند.

در همین روز بازاریان اراک در اعتراض به بالا رفتن قیمت دلار و مالیاتهای غارتگرانه، مغازه های خود را بسته و در بازار سرویشیده این شهر به راهپیمایی اعتراضی پرداختند.

روز دوشنبه ۲۳ خرداد، شماری از کسبه شهر کازرون، واقع در استان فارس، در اعتراض به شرایط نامناسب اقتصادی دست به اعتصاب زده و بازار این شهر را تعطیل کردند.

همزمان کسبه و مغازه داران سه راه امین حضور تهران، برای دومین روز به اعتصاب خود ادامه دادند. نیروهای سرکوبگر انتظامی تلاش کردند آنها را وادار به باز کردن مغازه ها کنند ولی موفق نشدند. در همین روز بازار اراک وارد دومین روز اعتصاب خود شد و بازاریان با شعار بازاری با غیرت حمایت حمایت دست به راهپیمایی زدند و همکاران خود را دعوت به پیوستن به اعتصاب کردند.

روز سه شنبه ۲۴ خرداد، کسبه و بازاریان در اراک، کازرون، شیراز، نجف آباد، بروجرد، نجف آباد و میناب دست به اعتصاب و تظاهرات زدند. یک منبع مطلع به گزارشگر هرانا گفت: «جمعی از کسبه خرم آباد در اعتراض به وضعیت مالیات با بستن مغازه های خود دست به اعتصاب زده و در سه راه مطهری اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.»

روز چهارشنبه ۲۵ خرداد بازار اراک وارد چهارمین روز اعتصاب خود شد. بازاریان فسا و ایلام نیز از صبح امروز بازار را بسته و دست به تظاهرات زدند. در شیراز

فروشندهگان لوازم یدک، ماشین، در اعتراض به گرانی و مالیاتهای سنگین مغازه هایشان را بستند. همزمان تعدادی از نانوائی های سیرجان در استان کرمان بدلیل گرانی گندم مغازه های خود را بستند و روی مغازه خود تابلویی نصب کردند که به دلیل گرانی گندم قادر به یخت نان با قیمت مصوب نیستند.

روز پنجشنبه ۲۶ خرداد، بازار لوازم خانگی در اصفهان، برای سومین روز متوالی در اعتراض به مالیات سنگین و افزایش قیمت دلار تعطیل شده است.

روز شنبه ۲۸ خرداد، جمعی از کسبه و بازاریان در شهرهای نورآباد ممسنی، کوهچنار (بیست و پنج کیلومتری کازرون)، یزد، اصفهان، هندیجان، تهران، اراک و لنجان، دست به اعتصاب زد. این شهروندان همزمان با اعتصاب صنفی خود در شهرهای تهران، کوهچنار، یزد و لنجان، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.



در همین روز مراکز شهرک صنعتی محمودآباد اصفهان، که به قطب سنگ ایران معروف است و تلافروشان یزد اعتصاب کردند.

در اصفهان اصناف بازار تلفن همراه در خیابانهای بزرگمهر، احمدآباد و فردوس، به اعتصابات پیوستند. همچنین بازار لوازم خانگی در خیابان هاتف و بازار پارچه فروشان خیابان ابن سینا و بازار سبزمیدان تا میدان خمینی به طور کامل تعطیل شد.

روز یکشنبه ۲۹ خرداد، کارخانه های سنگبری شهرک صنعتی محمود آباد اصفهان برای دومین روز اعتصاب کردند.

به گزارش رادیو فردا، روز سه شنبه ۳۱ خرداد، اعتصاب کارگران شاغل در شهرکهای صنعتی محمود آباد، دولت آباد، بختیار دشت، میمه، رضوان شهر، نجف آباد و دوشاخ، برای چهارمین روز متوالی ادامه داشت.

برخی دیگر از حرکتیهای اعتراضی

یکشنبه ۱ خرداد

*کارگران شهرداری یاسوج در اعتراض به معوقات مزدی ۵ ماهه خود، مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. به گزارش کینا نیوز، یکی از این کارگران خطاب به شهردار گفت: آقای شهردار ما حقوقمان را می خواهیم، ما کاری با این حرفها نداریم، در طول تمام سال زباله ها را از دشت روم تا مادوان جمع می کنیم، تمام این شهر را تمیز می کنیم و وظیفه ما است، اما درآمد ما فقط همین کارگری است و درآمد دیگری نداریم. یکی دیگر از کارگران گفت: ۱۲ ساعت کار می کنیم، پول کرایه نداریم، مجبوریم مسیر را پیاده برویم. مجبوریم، اگر اعتراض کنیم تهدید به اخراج می کنند.

*در کنار رانندگان اسنپ، اعتصاب بیکهای موتوری اسنپ فود از انتهای هفته گذشته آغاز شده و همچنان نیز ادامه دارد. به گزارش زومیت، از روز گذشته فراخوانی در شبکه های اجتماعی دست به دست می شد که از یکم تا پنجم خرداد رانندگان اسنپ در اعتراض به سطح پایین دستمزد خود، دست به اعتصاب بزنند. در این فراخوان آمده است که رانندگان شاغل در شرکت اسنپ، در اعتراض به افزایش سرسام آور هزینه های زندگی، گرانیهای اخیر و عدم هم خوانی دستمزد با تورم موجود دست به اعتصاب خواهند زد.

در کنار رانندگان اسنپ، اعتصاب بیکهای موتوری اسنپ فود از انتهای هفته گذشته آغاز شده و همچنان نیز ادامه دارد.

*کارگران شهرداری فسا و همسران شان برای اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق، دست به تجمع زدند. به گزارش فارس، یکی از کارگران شهرداری فسا با بیان اینکه اردیبهشت ماه تمام شد و ما هنوز حقوقی دریافت نکرده ایم، گفت: من طی این سالها که در قسمت خدماتی شهرداری فعالیت می کردم، دلخوش به بیمه ام بودم که بعد از بازنشستگی راه درآمدی برایم باشد و به همین علت حقوق پایین و کار سنگین را تحمل می کنم.

وی ادامه داد: طی این سالها حقوقی که دریافت کرده ام این قدر نبوده است که بتوانم پس اندازی داشته باشم و چشمم به حقوق اول ماه است که مایحتاج خانواده ام را تامین کنم.

*جمعی از مرغداران کاشان برای اعتراض به سیاستهای وزارت جهاد کشاورزی و وعده های توخالی مسئولان مقابل اداره جهاد کشاورزی کاشان تجمع کردند. به گزارش عصر ایران، مرغداران گفتند: وزیر جهاد کشاورزی به ما گفت تا پایان خرداد با ارز ترجیحی نهاده دریافت خواهید کرد. ما با وعده وزیر جوجه ریزی کردیم و حالا نهاده و دان مرغ نداریم، شرکتهای پشتیبانی نهاده دولتی را با قیمت آزاد در بازار می فروشند.

سه شنبه ۳ خرداد

*جمعی از آبداران دیشموک به دنبال اقدام به خودسوزی یک آبدار چاروسا دست به تجمع مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد زده و به عدم پرداخت به موقع حقوق و نداشتن امنیت شغلی اعتراض کرده و خواهان پاسخگویی مسئولان شدند. به گزارش کینا نیوز، قابل یادآوری است که روز دوشنبه ۲ خرداد، یک آبدار اداره آب و فاضلاب بخش چاروسا به دلیل عدم پرداخت به موقع حقوق، جلوی ساختمان این اداره اقدام به خودسوزی کرد و دچار سوختگی ۵۰ درصدی شد و در بیمارستانی در دهدشت بستری شد.

*جمعی از دامداران به همراه احشام خود مقابل فرمانداری مهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایرنا، روابط عمومی فرمانداری مهران در این باره توضیح داد: تجمع این افراد هیچ ارتباطی با تامین علوفه دامداران نداشته؛ بلکه در اعتراض به اجرای «طرح زراعت چوب در نقطه صفر مرزی» صورت گرفته است. او مدعی شد که پس از اعتراض دامداران به این موضوع، طرح مورد اشاره پس از هماهنگی با دستگاههای مرتبط متوقف شد.

چهارشنبه ۴ خرداد

*جمعی از کارگران مدت موقت وزارت نفت، مقابل ساختمان این وزارتخانه دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایرنا، شهروندان معترض با سر دادن شعارهایی، نسبت به وعده های بی عمل مسئولان متولی اعتراض کرده و خواهان رسیدگی به مطالبات شان شدند.

بقیه در صفحه ۲۵

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۴

کارگران دارای قرارداد مدت موقت بیان کردند که طی ده سال اخیر، افزایشهای سالانه طبق مصوبات شورای عالی کار و قانون کار را دریافت نکرده ایم. کارگران معترض با تبعیض آمیز خواندن تفاوت قراردادهای اظهار کردند: در این قراردادهای با وجود شرایط تحصیلی و سوابق کاری یک سان کارکنان، تفاوت بین ۳ تا ۵ برابر در پرداختهای مستقیم و غیرمستقیم ثبت شده است. این تبعیض از یک طرف موجبات زیان کارکنان، غیررسمی و زیان صنعت نفت از بی انگیزگی و تهی شدن از نخبران، حوزه نفت از سوی دیگر را فراهم کرده است.

*شماری از اهالی محله مهرآباد فنوج، در محدوده سکونت خود دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش رسانک، اعتراض این شهروندان در پی تلاش اداره منابع طبیعی به جهت مصادره زمینهای منطقه و احداث یک معدن در این محل صورت گرفته است. در این گزارش آمده است؛ شهروندان معترض که از عواقب جبران ناپذیر احداث معدن در مناطق مسکونی، برای خود و گونه های جانوری و گیاهی منطقه آگاه هستند، در جریان تجمع خود از ورود ماموران اداره منابع طبیعی، به این منطقه جلوگیری کرده اند.

*برای باری دیگر، کارگران سد سفارود رضوانشهر برای اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق، حق بیمه و عیدی دست به جمع در ورودی کارگاه سد زدند. براساس گزارش فارس، حداقل ۵ ماه حقوق، ماهها حق بیمه، عیدی، سنوات و ... پرداخت نشده است.

پنجشنبه ۵ خرداد

*به گزارش تلگرام شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، کارگران پروژه ای پتروشیمی پتروپالایش کنگان (شرکت پیمانکاری ناورود) برای اعتراض به سطح نازل حقوق، روزهای استراحت کم و خوابگاه و غذای نامناسب و غیربهداشتی دست از کار کشیدند.

همزمان کارگران پروژه ای پتروشیمی بوشهر (پیمانکاری کبانپور طرف قرارداد با شرکت پیمانکاری جهان پارس) برای اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و خلف وعده کارفرما مبنی برافزایش دستمزد و اجرای ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی، دست از کار کشیدند.

شنبه ۷ خرداد

*شماری از کشاورزان معترض مقابل درب استانداری لرستان، واقع در خرمآباد، دست به تجمع زدند. به گزارش هرات، تجمع این شهروندان، در اعتراض به عدم تأمین حقایق آنها صورت گرفته است.

طی سالهای اخیر خشکسالی، در کشور مشکلاتی را برای شهروندان به ویژه کشاورزان بوجود آورده است. در این میان عدم مدیریت صحیح بارشهای حداقلی توسط مسئولان و هدررفت قابل توجه این میزان آب، ناپدید شدن سایه عواملی چون بیکیفایتی افراد ذیربط، فرسودگی خطوط انتقال آب، تأسیس معادن متعدد و ... منجر به اعمال محدودیت های شدید و در مواردی محرومیت شهروندان از جمله کشاورزان از برخورداری آب مصرفی شده است؛ امری که مدتهاست اعتراض این بخش از جامعه را در پی داشته است.

*کارگران اخراجی کارخانه چند خوسف برای اعتراض مقابل استانداری خراسان جنوبی دست به تجمع زدند. ایرنا در روز سه شنبه ۳۱ خرداد خبر داد که: اوایل خرداد

ماه جاری کارخانه چند خوسف اقدام به تعدیل ۴۲ نفر از کارگران در سه بخش کوره خاکی، کوره مکانیکی و سرنده خود کرد و پنجم خرداد نیز ۲۵ نفر از کارگران مقابل استانداری تجمع کردند.

خراسان جنوبی ۱۱ شهرستان دارد و مرکز شهرستان خوسف در فاصله ۳۶ کیلومتری بیرجند است.

دوشنبه ۹ خرداد

*برای دومین روز متوالی، کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن ناحیه زاگرس (منطقه ریلی شوش تا تنگ هفت به مرکزیت اندیمشک) به اعتصاب شان ادامه دادند. به دنبال اعتصاب روز گذشته کارگران راه آهن ناحیه زاگرس، شرکت تراورس امروز حقوق شان را بدون افزایش در سطح سال ۱۴۰۰ پرداخت کرد. در کانال رسمی کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن آمده است: ماکرگران لرستان به اعتصاب خودمان ادامه می دهیم تا مشکل حل بشه یک بار برای همیشه قید یک ماه حقوق چهار میلیونی رو بزیم تا کار به جایی برسه، فعلا با افزایش حقوق این دو ماه که ندادن ۴ میلیون از پولمون را خوردن، ۱۲ ماه روح حساب کنید ببینید چقدر میشه پس اگر ۱ ماه سرکار نرمیم غیبت هم بشیم اینجا ما چیز زیادی رو از دست نمی دهیم. یادآوری می شود که در اردیبهشت سال جاری هم این کارگران دست به اعتصاب زده بودند.

سه شنبه ۱۰ خرداد

*کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن شمال ۲ (قزوین) به دنبال فراخوان ازپیش داده شده برای اعتراض به عدم افزایش حقوق دست از کار کشیدند. به گزارش کانال رسمی کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن، یکی از کارگران اعتصاب کننده گفت: امروز معاون رئیس خط آقای تاتی اومده شیره مالیده سرشون که من حرف می زنم ماه بعد کامل بهتون میدن و من ال می کنم و بل می کنم. همش وعده های توخالی. خب آقای برادر تاتی که میای این حرفارو میزنی. اینو که خود مدیر خط هم گفته بود ماه بعد معوقه رو پرداخت می کنه. ما دردمون الان عود کرده الان نیاز داریم نه سر ماه. الان ابرومون تو خطره. الان مغازه دار با ابروم داره بازی می کنه. بانک گوشی تلفنم رو سوراخ کرد، انقدر که زنگ زد آقا قسط و بریز. الان داره جلو حقوق ضامن هامو می بنده. برادر من این حرفا دیگه سر ماه به دردمون نمی خوره.

چهارشنبه ۱۱ خرداد

*جمعی از کشاورزان بخش بیرانشهر خرم آباد واقع در استان لرستان، در اعتراض به عدم رها نشدن آب سد ایوشان، مقابل ساختمان بخشداری دست به تجمع زدند. به گزارش صدا و سیما، کشاورزان این بخش، تا کنون برنج می کاشتند، اما امسال به دلیل محدودیت کاشت محصولات آبدوست از کاشت برنج منع شده اند.

*تعدادی از کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون، شوشتر در اعتراض به عملی نشدن رای انفصال از خدمت مدیرعامل مقابل این مجتمع برای دومین روز متوالی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران در ارتباط با رای انفصال از خدمت مدیریت مجتمع گفتند: به دنبال رای سازمان تعزیرات کشور که در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه سال جاری صادر شده است، مدیرعامل مجتمع کشت و صنعت کارون، به اتهام امتناع از عرضه شکر در بازار به انفصال از خدمت محکوم شده است؛ متأسفانه این رای که قطعی و لازم اجراست، هنوز عملی نشده است.

در مجموعه کشت و صنعت کارون حدود هزار و ۱۰۰ کارگر قراردادی و هزار و ۲۰۰ کارگر پیمانکاری و ۲۶۰ کارگر فصلی شاغل هستند.

*جمعی از کارگران شرکت صنایع آذراب، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، برای دو روز متوالی در محوطه این کارخانه دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، کارگران شرکت صنایع آذراب نسبت به نداشتن کار در شرکت و معوقات ۲ ماهه اعتراض دارند که با پیگیریهای انجام شده، حقوق ماه فروردین آنان پرداخت شد. در پی این اعتراضات تعدادی از کارگران عصبانی نسبت به وضعیت شرکت و عملکرد مدیریت در طول یک سال اخیر که موفق به عقد قرارداد و جذب کار برای آذراب نشده بودند، اقدام به یلمب دفتر مدیریت کردند.

*به گزارش کانال مخابرات فردا، جمعی از کارکنان مخابرات منطقه ای ایلام در محل ساختمان مرکزی مخابرات در شهر ایلام تجمع کردند. تجمع این کارکنان در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی و همچنین مشکلات معیشتی آنها صورت گرفته است.

پنجشنبه ۱۲ خرداد

*به گزارش کانال اخبار تبریز، کارگران شرکت صنایع شیشه آذر تبریز مقابل این شرکت دست به تجمع زدند. تجمع این کارگران در اعتراض به عدم پرداخت به موقع دستمزد و معوقات حقوق چندین ماه گذشته آنها صورت گرفته است.

*اهالی روستای نیک دشت، شهرستان بشکردر استان هرمزگان، به دلیل عدم رسیدگی مسئولان به مشکلات اولیه این روستا مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند.

به گزارش کمیون فعالین بلوچ، معترضان از وضعیت جاده نیکدشت، نبود امکانات در مدرسه و فقدان سیلندر گاز اعتراض کردند. با وجود پیگیریهای مکرر شهروندان، تاکنون اقدامی از طرف مسئولان صورت نگرفته است.

دوشنبه ۱۶ خرداد

*شماری از نیروهای شرکتی جهاد کشاورزی ایلام مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند. به گزارش کانال شهر خبر بدره، تجمع این شهروندان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان صورت گرفته است.

*کارکنان اداره آبفای هفتکل به دلیل عدم پرداخت چند ماه حقوق معوقه خود با در دست داشتن پلاکاردی در دست تجمع کردند. به گزارش رویش زاگرس، یکی از کارکنان معترض گفت: وضعیت اقتصادی بسیار سخت است و ما با این شرایط به سختی گذران زندگی می کنیم! انتظار می رود مدیران استان نسبت به پرداخت حقوق کارکنان زحمتکش اداره آبفا هفتکل هر چه سریع تر اقدام نمایند.

*کامیون داران شهرستان دلفان، برای اعتراض به کمبود سهمیه گازوئیل و نبود نرخنامه در بوستان علم آباد شهر نورآباد در استان لرستان تجمع کردند. به گزارش صدا و سیما،

کامیون داران معترض گفتند: به علت نبود کارت آزاد عرضه سوخت گازوئیل نزد جایگاه داران، امکان سوخت گیری به صورت آزاد وجود ندارد و سهمیه تخصیصی، جوابگوی یک ششم یک ماه مصرف یک کامیون هم نیست. کامیون داران شهرستان دلفان علاوه بر مشکل سهمیه سوخت به نبود نرخنامه در شهرستان هم اعتراض دارند و همین امر موجب شده تا نرخ کرایه حمل در این شهرستان یکسان نبوده و هر کسی یک کرایه را از مشتری طلب کند.

بقیه در صفحه ۲۶

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۵

سه شنبه ۱۷ خرداد

*جمعی از کارگران مجموعه شهرداری شوش، در اعتراض به عدم تحقق وعده های داده شده از سوی مسئولان برای وصول مطالبات شان، برای دومین روز متوالی، مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان، دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، کارگران، گفتند: برخلاف وعده ای که مسئولان فرمانداری شوش، شهردار و اعضای شورای شهر به آنها داده بودند، هنوز پولی به حساب کارگران پرداخت نشده است. کارگران گفتند: در آخرین اجتماع صنفی کارگران شهرداری شوش، که اردیبهشت ماه مقابل ساختمان فرمانداری شوش، شهرداری و شورای شهر برگزار شد، مسئولان شهرستانی، وعده داده بودند تا یک هفته آینده به مطالبات ما رسیدگی کنند که هنوز عملی نشده است.

*به گزارش تبریزخبر، جمعی از آتش نشانان سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تبریز به دلیل پایین بودن حقوق و افزایش ۱۰ درصدی دریافتی های شان، با وجود تورم بیش از ۴۰ درصدی در محوطه شهرداری تبریز تجمع اعتراضی برپا کردند.

چهارشنبه ۱۸ خرداد

*گروهی از مالکان مسکن مهر پردیس، مقابل ساختمان وزارت راه و شهرسازی واقع در تهران، دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش امتداد، مالکان معترض با سر دادن شعارهایی اعتراضی از قبیل «مسکن بی حمایت، مسئول بی کفایت»، خواستار رفع بلاتکلیفی ۱۱ ساله در رابطه با روند ساخت بناهای مسکن مهر پردیس شدند. شهر جدید پردیس در ۱۷ کیلومتری شرق تهران در مسیر جاده هراز واقع شده است.

*کارگران بخشهای تاسیسات، آتش نشانی و ماشین آلات شهرداری یاسوج برای اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق و حق بیمه مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. یکی از کارگران معترض حاضر در تجمع به خبرنگار ایسنا گفت: نیروهای شرکتی از دی ماه سال ۱۴۰۰ تاکنون و نیروهای رسمی از اسفند ماه تاکنون حقوق دریافت نکرده اند. وی افزود: هر موقع خواهان دریافت حقوق بودیم و حقوق و مزایای خود را مطالبه کردیم، تهدید به اخراج شدیم و در بین ما افرادی با ۲۰ سال سابقه وجود دارد و ما امنیت شغلی نداریم و در شرایط حاضر پیمانکاری هستیم و تبدیل وضعیت ما بلاتکلیف است.

پنجشنبه ۱۹ خرداد

*کشاورزان شهرستان لنجان واقع در استان اصفهان، مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان، تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش کانال تلگرام کانون مدافعان حقوق کارگر، کشاورزان معترض از دلایل برگزاری این تجمع را عدم تخصیص حبابه کشاورزی و در پی آن خشک شدن اراضی و محصولات خود عنوان کردند. در همین روز شماری از اهالی روستای اسفرجان، از توابع شهرستان شهرضا، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، در محل دهیاری این روستا، دست به تجمع زدند. تجمع این شهروندان، در اعتراض به احداث سنگ معدن در حوالی محل سکونت شان صورت گرفته است.

شنبه ۲۱ خرداد

*کشاورزان شادگان مقابل درب فرمانداری این شهرستان دست به تجمع زدند. به گزارش شادگان

خبر، این شهروندان، از جمله دلایل شکل گیری این تجمع را قطع و یا تقلیل شدید سهمیه سوخت تراکتورهای خود عنوان کردند.

*شماری از مجروحان جنگ ایران و عراق، در اعتراض به احضار کاویان کریمی، از دیگر مجروحان این جنگ به شعبه ۱ بازپرسی بیدادسرای اوین، مقابل ساختمان این مرجع قضایی، دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش هرانا، اعتراض این شهروندان با حضور نیروهای امنیتی به خشونت کشیده شد. ماموران تعدادی از حاضران در محل را با توسل به ضرب و شتم بازداشت و به کلاتری ۱۰۱ تجریش، تهران، منتقل کردند.

قربانیان جنگ ایران و عراق، بارها به دلیل عدم پرداخت مطالبات مزدی خود اقدام به برگزاری تجمعات اعتراضی در برخی از نقاط کشور کرده اند.

یکشنبه ۲۲ خرداد

*کارگران کارخانه داروگر تهران و همچنین کارگران شرکت تولیدی تولی، پرس قزوین، که هر دو از شرکتهای زیرمجموعه هلدینگ داروگر هستند، به صورت جداگانه و برای دومین روز متوالی در محوطه این دو کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، مطالبات مزدی کارگران شاغل در واحد داروگر تهران و تولی پرس قزوین با احتساب خرداد ماه سه ماه به تاخیر افتاده است. طبق اظهارات کارگران معترض، جدا از مساله به تاخیر افتادن چندین ماهه دستمزد کارگران این دو کارخانه در تهران و قزوین، از ابتدای سال جاری تولید در این دو واحد متوقف شده، کارگران، کاری برای انجام ندارند.

*کارگران شرکتهای پیمانکاری آجین، نوآوران، اولنگ و تأمین نیرو در اعتراض به عدم تحقق خواسته های شان دست به اعتصاب زدند. به گزارش تلگرام اتحاد، این کارگران که سال گذشته نیز با مطالبه افزایش دستمزد و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل چندین بار دست به اعتصاب زده بودند، با وعده اجرای طبقه بندی از اول سال ۱۴۰۱ به اعتراض شان خاتمه داده بودند که با خلف وعده کارفرما و پیمانکاران، امروز مجدداً اعتراض شان را از سر گرفتند.

*جمعی از ساکنان ۳۰۰ دستگاه اهواز برای اعتراض به ناام بودن ساختمانهای شان مقابل دفتر نماینده خامنه ای اجتماع کردند.

یکی از ساکنان این منطقه حاضر در تجمع گفت: در منطقه ۳۰۰ دستگاه اهواز از سوی تعاونی بیمارستان ابودر اهواز هشت مجتمع به تعداد ۱۸۰ واحد مسکونی ساخته شده است که با وجود نوساز بودن این ساختمانها ترکهای عمیقی در ساختمان دیده شده و شرایط نا امنی دارند.

به گزارش ایرنا، پیش از این ساکنان این مجتمع ها که از سوی تعاونی بیمارستان ابودر اهواز ساخته شده اند در نماز جمعه هفته گذشته نسبت به نا ایمن بودن ساختمان های خود اعتراض کردند.

دوشنبه ۲۳ خرداد

*تعدادی از شهروندان و هنرمندان ملکان واقع در استان آذربایجان شرقی مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش هرانا، این شهروندان گفتند: شخصی که به عنوان رئیس جدید این سازمان انتخاب شده بازنشسته آموزش و پرورش بوده و به دلیل اینکه در ستاد انتخاباتی یکی از نمایندگان این شهر کار کرده به ریاست این سازمان منصوب شده است.

*جمعی از اهالی روستاهای جعفرکلا و واودره بخش دودانگه مازندران دست به تجمع اعتراضی زدند. به

گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، تجمع این افراد جهت جلوگیری از تصاحب زمینهای کشاورزی آنها توسط اداره کل اوقاف استان صورت گرفت.

سه شنبه ۲۴ خرداد

*برای سومین روز متوالی، کارگران پتروشیمی، اسلام آباد غرب (شرکت پیمانکاری استیم) در استان کرمانشاه به اعتصاب شان برای اعتراض به عدم افزایش حقوق و پرداخت نشدن به موقع آن و ۲۴ روز کار ۶ روز مرخصی ادامه دادند. بر اساس گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانای نفت، کارگران پتروشیمی، اسلام آباد غرب با وجود پرداخت حقوق موقوفه شان، به اعتصاب شان برای افزایش دستمزد و همچنین ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی ادامه دادند.

چهارشنبه ۲۵ خرداد

*شماری از کارکنان شرکت حمل و نقل بین المللی، جمهوری اسلامی، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، مقابل ساختمان سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای کشور واقع در خیابان دمشق تهران، دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایرنا، تجمع کنندگان با اعلام اینکه بین ۲۰ تا ۲۸ سال سابقه کار و خدمت در این شرکت را دارند، گفتند: حدود شش ماه پیش این شرکت به بخش خصوصی واگذار شد و تعدادی از کارکنان آن نیز به جهت تعدیل نیرو با خرید شدند.

پنجشنبه ۲۶ خرداد



*شماری از کارگران شرکت «تولی پرس» در خیابانهای منتهی به فرمانداری شهر الوند واقع در استان قزوین، دست به راهپیمایی و تجمع زدند. به گزارش ایلنا، تجمع این کارگران در اعتراض به عدم پرداخت موقوفات مزدی و مشکلات معیشتی آنها صورت گرفته است.

حق بیمه از دیگر مطالبات این کارگران است. این کارگران چند روز پیش نیز در محوطه شرکت تجمع کرده بودند و کارفرما وعده پرداخت حقوق تا روز چهارشنبه را اعلام کرده بود که با خلف وعده مدیریت، امروز تجمع خود را به مقابل فرمانداری کشاندند.

تولی پرس یکی از شرکتهای مهم استان و کشور است که در زمینه تولید شوینده فعالیت دارد.

*گروهی از هواداران تیم فوتبال استقلال در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت این تیم، مقابل ساختمان این باشگاه تجمع کردند. به گزارش فوتبالی (کانال هواداران تیم استقلال)، معترضان دو هفته پس از جشن قهرمانی و پس از جدایی فرهاد مجیدی که رکورد قهرمانی با یک فصل شکست ناپذیری را ثبت کرد؛ با اشاره به فعالیت تیمهای رقیب، به وضعیت این باشگاه در بازار نقل و انتقالات و همچنین عدم مشخص شدن سرمربی جدید اعتراض کردند. معترضان با شعارهای «آجورلو، آجورلو، پاسخگو»

بقیه در صفحه ۲۷

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۶

پاسخگو»، «مریی خارجی خواسته هر هوادار»، «مریی ایرانی، نمی، خواهیم، نمی، خواهیم»، «آجورلو مریی، ات را نشان بده» از مصطفی آجورلو، مدیرعامل استقلال می‌خواهند تا زودتر تکلیف این تیم را مشخص کند.

*گروهی از دامداران قهدریجان با درخواست تامین آب مورد نیاز خود تجمع کردند. به گزارش بی بی سی، با وجود هزینه زیادی که برای لوله کشی پرداخت شده، هنوز آب مورد نیاز تامین نشده است. در روزهای گذشته ویدیویی از گریه یک مرد سالمند اصفهانی، کنار مزارع در شبکه های اجتماعی، بازنشر شده و گفته می‌شود که او بابت خشک شدن محصولاتش ناراحت است.

شنبه ۲۸ خرداد

*جمعی از کارگران شهرداری خرمشهر، در اعتراض به دریافت نکردن حقوق و مطالبات چند ماهه خود، دست به اعتصاب زده و مقابل ساختمان فرمانداری این شهر تجمع کردند. به گزارش صدا و سیما، کارگران معترض گفتند: شهرداری خرمشهر ۱۷ ماه بیمه کارگران را پرداخت نکرده و این موضوع باعث ایجاد مشکل در هزینه های درمان، برای کارگران و خانواده های آنان شده است.

یکشنبه ۲۹ خرداد

*گروهی از آبداران استان کهگیلویه و بویراحمد مقابل ساختمان مجلس در تهران دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی، خواستار برقراری عدالت شغلی و امنیت پایدار کاری خود شدند. «هشت سال قرارداد ننگین برون سیاری برابر با مرگ آبداران» دست نوشته تجمع کنندگان مقابل ساختمان مجلس است. آبداران معترض اقدام به پهن کردن سفره خالی به صورت نمادین کردند تا شاید نمایندگان مجلس به مشکلات آنها رسیدگی کنند.

*شماری از کارگران شرکت جهانپارس، زیرمجموعه پروژه تغلیظ معدن مس، دره زار (زیر مجموعه شرکت ملی مس) که در محل شهرستان سیرجان فعالیت دارند با تجمع مقابل مجتمع مس سرچشمه خواهان افزایش دستمزد خود شدند. به گزارش ایرنا، نمایندگان معترض گفتند: مدت چهار سال در این پروژه مشغول به کار شده اند و پایین ترین حقوق اداره کار را دریافت می کنند که میزان کم دریافتی، آنان سبب این تجمع صنفی شده است.

آنان همچنین با اشاره به اینکه فعالیت در معدن بر اساس قانون، جزو مشاغل سخت و زیانبار به شمار می رود گفتند که مزایایی از جمله سختی کار، بدی آب و هوا، آلودگی معدن و مزایای ساعت کاری خود را دریافت نمی کنند و در بحث امنیت شغلی نیز مشکل دارند. سیرجان در ۱۷۵ کیلومتری غرب و رفسنجان در ۱۰۰ کیلومتری شمال غرب مرکز استان کرمان است.

دوشنبه ۳۰ خرداد

*راندگان کامیون برای هفتمین روز متوالی در تهران خیابان دمشق روبروی اداره راهداری در تهران خیابان دمشق با شعارهای «وعده وعید کافیه سفره ی ما خالیه» و «وعده وعید چه خوب بود ولی همه اش دروغ بود»، تجمع کردند. اعتراض این راندگان از روز دوشنبه ۲۳ خرداد با شعار «ما اشتباه کردیم که واردات کردیم» آغاز شد. به گزارش انصاف نیوز، یک راننده کامیون با اشاره به واردات کسندنده های خارجی



توسط شرکتهای رسمی، گفت: ما با هزینه شخصی و بدون هیچ کمکی اقدام به خرید این کسندنده ها کردیم و الان توان خرید کامیون اسقاطی به قیمت ۱ میلیارد ۱۰۰ میلیون تومان را نداریم. معترضان گفتند، براساس قانون آنها برای پلاک گذاری خودروی وارداتی خود، باید یک کامیون قدیمی را بخرند و اسقاط کنند. اما به دلیل افزایش قیمت ناگهانی کامیونهای اسقاط شده دیگر توانایی این کار را ندارند. راندگان معترض پیش از این هم مقابل نهاد ریاست جمهوری و وزارت راه و شهرسازی تجمع کرده و به عدم وجود خودروی اسقاطی و افزایش قیمت آن که باعث شده آنها نتوانند خودروهای وارداتی خود را پلاک گذاری کنند، اعتراض کرده بودند.

در همین روز شماری از راندگان خودروهای استیجاری حمل زباله شهرداری ارومیه با توقف فعالیتهای شغلی خود دست به اعتصاب زدند. همزمان راندگان شرکت نگین پخش در مشهد دست به اعتصاب زدند. اعتصاب این راندگان، در اعتراض به عدم رسیدگی، به مطالبات شان صورت گرفته است.

سه شنبه ۳۱ خرداد

*جمعی از راندگان تاکسی، در مشهد، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، دست به اعتصاب زده و از ادامه روند فعالیت خود امتناع کردند. به گزارش هرانا، راندگان نسبت به وضعیت معیشتی نامناسب خود اعتراض کرده، خواهان افزایش نرخ کرایه ها به میزان قابل قبول هستند.

*گروهی از کارگران شهرداری ایلام، در اعتراض به عدم رسیدگی، به مطالبات شان، مقابل واحد موتورهای این شهرداری دست به تجمع زدند. به گزارش ایلامیان، کارگران معترض از دلایل برگزاری این تجمع را عدم دریافت ۴ ماه حقوق و حق بیمه و همچنین مزد شب کاری خود عنوان کردند. انوری، رئیس شورای شهر ایلام، پس از برگزاری این تجمع مدعی شد که ظرف دو روز، حقوق معوقه کارمندان و کارکنان شهرداری ایلام پرداخت خواهد شد.

*شماری از کارگران داربست بند شاغل در پتروپالایش کنگان و همچنین فاز ۹ و ۱۰ میدان نفتی عسلویه، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، برای چهارمین روز متوالی، دست به اعتصاب زده و از ادامه روند فعالیت خود امتناع کردند. به گزارش تلگرام شورای سازماندهی، اعتراضات کارگران بیمانی، نفت، کارگران معترض خواهان افزایش دستمزد به

میزان، مطلوب و بهره مند بودن، از ماهیانه ۱۰ روز استراحت به میزان ۲۰ روز کار و فعالیت هستند.

اخبار کوتاه منتشر شده در شبکه های

اجتماعی

یکشنبه ۱ خرداد: جمعی از مالباختگان پرونده نگین خودرو و ایرتویا در اعتراض به عدم رسیدگی به شکایت خود، مقابل بیدادسرای عمومی، تهران، تجمع کردند.

دوشنبه ۲ خرداد: اعتصاب کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی، راه آهن، لرستان.

چهارشنبه ۱۱ خرداد: کارگران خدمات شهری شهرداری اهواز برای اعتراض به عدم افزایش حقوق دست از کار کشیدند و از جمع آوری زباله ها از سطح شهر خودداری کردند.

یکشنبه ۱۵ خرداد: شماری از اهالی شهر پزند واقع در شهرستان رباط کریم در اعتراض به قطعی آب در این منطقه و عدم پاسخگویی مسئولان دست به تجمع زدند.

سه شنبه ۱۷ خرداد: جمعی از مالباختگان، پروژه های یک و چهار آریا در اعتراض به عدم دریافت واحدهای که برای آن پول پرداخته اند، دست به تجمع زدند.

چهارشنبه ۱۸ خرداد: جمعی از مالباختگان سرقت صندوقهای امانات بانک ملی تهران، در محدوده شعبه دانشگاه دست به تجمع اعتراضی زدند. راندگان سرویس رفت و آمد کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران برای اعتراض به وضعیت دریافتهای شان برای دهمین روز متوالی در اعتصاب هستند. جمعی از مهندسان در استان خراسان رضوی، در اعتراض به کاهش تعرفه خدمات مهندسی، مقابل اداره کل راه و شهرسازی این استان، در مشهد دست به تجمع زدند.

شنبه ۲۱ خرداد: تجمع متقاضیان مسکن ملی، مقابل ساختمان استانداری خوزستان، واقع در اهواز.

یکشنبه ۲۲ خرداد: خانواده وحید باقری، زندانی سیاسی و از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری آبان ۹۸، مقابل مجلس دست به تجمع زدند. کامیونداران استان زنجان با توقف خدمات رسانی و دست کشیدن از کار روزانه خود، دست به اعتصاب زدند. جمعی از اهالی، تهران، یارس، در شرق تهران، برای اعتراض به قطعیهای مکرر برق دست به تجمع مقابل اداره برق منطقه تهرانپارس، زدند. تجمع کنندگان، شعار می دادند: «آب، برق، زندگی، حق مسلم ماست»

دوشنبه ۲۳ خرداد: تجمع اعتراضی مالباختگان و شاکیان، شرکت صنعت خودرو آذربایجان، مقابل بیدادگاه جرائم اقتصادی، جمعی از کتابداران کتابخانه های عمومی کرمانشاه برای اعتراض به وضعیت معیشتی، دست به تجمع مقابل اداره کل کتابخانه های عمومی، این استان، درکلانشهر کرمانشاه زدند.

پنجشنبه ۲۶ خرداد: کارگران شاغل در شرکت یارسا واقع در فاز ۱۹ کنگان، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای شان دست به اعتصاب زدند.

یکشنبه ۲۹ خرداد: جمعی از کشاورزان منطقه دریاسر در اعتراض به بی، آب، و خشک شدن شالیزارهای شان، مقابل ساختمان فرمانداری لنگرود تجمع کردند.

دوشنبه ۳۰ خرداد: گروهی از کارگران، اخراج شده شرکت آهن-سین پروژه لیچینگ معدن سونگون و رزقان، مقابل دفتر مدیریت این مجتمع دست به تجمع اعتراضی زدند. شماری از کارگران شهرداری لالی در استان خوزستان، در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی و بیمه ای خود، دست به تجمع زدند. **سه شنبه ۳۱ خرداد:** شماری از کارگران آرماتوربند بیمانی، در یکی از پارکهای واقع در شهر کرمانشاه، دست به تجمع اعتراضی زدند.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 452 / 22 June 2022

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 / 91130 Ris orangis / FRANCE

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalgh --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalgh>

یادواره شهیدان فدایی

فدایی شهید محمد کاظم غبرائی

گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی

شهدای فدایی در تیر ماه



رفیق مریم شاهی

رفقا: کاظم سلاخی - احمد خرم آبادی - محمد کاظم غبرائی - بهمن راست خدیو - محمدعلی خسروی اردبیلی - نسترن آل آقا - گلرخ شهرزاد مهدوی - نادعلی پورنغمه - حمیدرضا هزارخانی - مارتیک قازاریان - نزهت السادات روحی آهنگران - محمود عظیمی بلوریان - یدالله زارع کاریزی - اسماعیل نریمسا - محمد رضا (امیر) قصاب آزاد - محمد علی خسروی اردبیلی - مریم شاهی - مسعود فرزانه - علی رضا الماسی - حمید اشرف - یوسف قانع خشکه بیجاری - غلامرضا لایق مهربان - محمدرضا یثربی - فاطمه حسینی - محمدحسین حقتواز - طاهره خرم - عسگر حسینی ابرده - محمد مهدی فوقانی - غلامعلی خراط پور - علی اکبر وزیری -

مهدی (بهزاد) مسیحا - حمید آرین - بهزاد امیری دوان - افسرالسادات حسینی - نادره احمد هاشمی - سیمین توکلی - علی خصوصی - علی اکبر حق بیان - عبدالله سعیدی بیدختی - حجت محسنی کبیر - حمید ژیان کرمانی - کامران رضوانی - غلام رضا جلالی - خسرو مانی (مائی) - یعقوب بزدانی - توفیق قریشی - آسمر آذری یام - ویدا گلی آبکناری - احمد (ناصر) باختری - بهمن راست خدیو - شفیق رضانی - نادر ابازی - کریم فتحی - غلام حسین خاکباز - عبدالحسین عنانی شیشوان - سیاوش حمیدی - علی حمیدی مدنی - طوبی مولودی - علی اکبر حیدریان - کمال محمدی - سینا کارگر - روح انگیز دهقانی - نوروز قاسمی - ناصر فضل الهی - حمید فضل الهی - عبدالله قزل - حسین تنگستانی - علی رضا فارسبان - اسماعیل حسینی - فرشته گل عنبریان - هادی کاکاخانی - احمد (ناصر) باختری - ناصر میمند، طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع (رژیمهای شاه و شیخ) به شهادت رسیدند.



رفیق کاظم غبرائی

رفیق محمد کاظم غبرائی ۱۳۲۶ در لاهیجان متولد شد. وی پس از تکمیل تحصیلات ابتدایی و متوسطه در همان شهر به سربازی اعزام شد و در آنجا به دلیل فعالیت سیاسی توسط ساواک دستگیر و پس از شکنجه های بسیار در بیدادگاه نظامی به یک سال زندان محکوم گردید. زنده یاد رفیق کاظم پس از آزادی فعالیت خود را به شکل حرفه ای با سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ادامه داد در همین دوران به دلایل متعدد از جمله تواناییهایش به مشهد اعزام شد.

در تیر ماه ۱۳۵۴ و در پی ضربات وارده به تیمهای مشهد، رفیق کاظم ماموریت یافت تا اسناد و مدارک باقیمانده در یکی از خانه های تیمی را برای نابودی به کوره های اجرایی اطراف شهر (جاده خلیج) منتقل کند. رفیق کاظم در روز ۹ تیر ۱۳۵۶ در حال اجرای این ماموریت به دلیل خلوت بودن منطقه مورد شک اهالی قرار می گیرد. تلاش رفیق برای قانع کردن افرادی که فکر می کردند او دزد است نتیجه ای نداد. آنها سعی در دستگیری و دیدن لوازم همراه این رفیق داشتند. زنده یاد رفیق محمد کاظم غبرائی برای جلوگیری از دستگیری از سیانور خود استفاده می کند و به شهادت می رسد. یاد و نامش گرمی و ماندگار باد.



نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم